

دانشکده فرماندهی و ستاد

«گروه زمینی»

(دوره ۲۱ شبانه)

هجوم سراسری ارتش عراق

و

استراتژی دفاعی ایران

تأملیات ثامن الائمه

استاد: جناب آقای قاسم حسنی

تحقیق و تدوین: اسدالله احمدی

مهدی انصاری

جعفر فرهادی

محسن رخصت طلب

علیرضا لطف‌الله زادگان

صفحه	موضوع
۳	مقدمه
۵	فصل اول: زمینه‌های تجاوز عراق
۶	تأثیر انقلاب اسلامی بر ساختار امنیتی منطقه
۸	انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر اوضاع داخلی عراق
۱۰	هم‌گرایی قدرتهای بزرگ و کشورهای منطقه در تجاوز
	عراق
۱۳	اوضاع ایران قبل از تهاجم عراق
۱۸	نگاهی به اوضاع عراق در آستانه تجاوز
۱۹	اقدامات ضد انقلاب در طی ۱۹ ماه قبل از شروع جنگ
۲۵	فصل دوم: تجاوزات ارتش عراق در شهریورماه ۱۳۵۹
۲۶	دهه اول شهریورماه
۲۶	دهه دوم شهریورماه
۲۷	دهه سوم شهریورماه
۲۸	قصر شیرین
۲۹	سرپل ذهاب
۳۰	نوسود
۳۰	سومار
۳۱	نفت شهر
۳۲	صالح آباد
۳۳	دهلران - موسیان
۳۴	جزایره - فکه
۳۵	فصل سوم: تهاجم، توقف و تثبیت ارتش عراق
۳۶	اهداف نظامی عراق
۳۷	استعداد و گسترش ارتش عراق
۳۸	استراتژی عملیاتی ارتش عراق
۴۲	ارتش عراق - پیشروی تا تثبیت
۴۷	شکست استراتژی عملیاتی رژیم عراق

توقف و تثبیت ارتش عراق دلایل ناکامی ارتش عراق و

۴۸-۴۷

نتایج آن

۵۱ واکنش نظامی ایران در برابر تهاجم عراق

۵۳ استراتژی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۵۶ آرایش دفاعی ارتش عراق

۵۹ ارزیابی واکنش دفاعی جمهوری اسلامی ایران

۶۴ استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش سپاه در تثبیت

نیروهای دشمن

۶۸ علل توقف ارتش عراق و نظریات موجود

۷۱ فصل چهارم: عملیاتهای ایران برای متوقف کردن، تثبیت و

عقب‌راندن ارتش عراق

۷۲ جمع‌بندی عملیاتهای جبهه‌های جنوب، میانی و غرب

کشور

۷۳ عملیاتهای جبهه جنوب

۱۲۳ عملیاتهای جبهه غرب و میانی

مقدمه

مجموعه حاضر مروری است بر جنگ از شروع بحرانهای مرزی و اقدامات عراق پس از پیروزی انقلاب تا لشکرکشی عراق به داخل خاک جمهوری اسلامی ایران، پیشروی و سپس توقف و تثبیت نیروهای عراقی و پدافند و آفندهای ایذایی و محدود خودی تا آستانه عملیات ثامن الائمه که منجر به رفع محاصره آبادان و سرآغاز عملیات بزرگ نیروهای خودی برای آزادسازی مناطق وسیعی از مناطق جنوب غربی کشور و آزادسازی خرمشهر در سال ۶۱ شد.

در فصل اول به عوامل و زمینه‌های هجوم عراق پرداخته شده است که در نخست این عنوان موضوعاتی چون تاثیر انقلاب اسلامی بر ساختار امنیتی، سیاسی منطقه انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر اوضاع داخلی عراق و همه‌گرایی قدرتمند بزرگ و کشورهای منطقه در تجاوز عراق - اوضاع ایران قبل از تهاجم عراق و عراق در آستانه تجاوز و اقدامات ضد انقلاب طی ۱۹ ماه قبل از شروع جنگ پرداخته شده است.

فصل دوم به تجاوز عراق در آستانه شروع هجوم سراسری خصوصاً در شهریور ۵۹ اشاره شده است و تجاوزات مرزی عراق در محورهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، نوسود، سومار، نفت شهر، صالح آباد، دهلران و چزابه شرح داده شده است.

در فصل سوم مباحث نظامی کلان و عملکرد کلی عراق و جمهوری اسلامی در موضوعات ذیل تشریح شده است: اهداف نظامی عراق - استعداد و گسترش عراق - استراتژی عملیاتی عراق در محورهای سه‌گانه شمال، میان و جنوب - پیشروی تا تثبیت - تثبیت و شکست استراتژی عملیاتی و بررسی علل آن، دلایل ناکامی عراق در مقابل مباحث کلان سیاستها و اقدامات ایران نیز در مباحث زیر درج شده است. واکنش نظامی ایران در برابر تهاجم عراق استراتژی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران - آرایش دفاعی ایران - ارزیابی واکنش دفاعی ایران - استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش سپاه در تثبیت نیروهای دشمن - تثبیت، و ناکامی عراق و نظریات موجود.

در فصل چهارم اقدامات خودی در جبهه جنوب و جبهه میانی شرح داده شده است. این عملیات‌ها که عموماً بصورت ایذایی، محدود و عمدتاً بصورت شبیخون اجرا می‌شد نقش اساسی را در متوقف و تثبیت دشمن داشت و سرآغازی بر شکل‌گیری یک نیروی جدید نظامی بود که متناسب با امکانات موجود و انعطاف لازم در شرایط مختلف توانست با تلفین انگیزه‌های معنوی - ابتکار برخی آموخته‌ها کلاسیک نظامی کارائی بالای خود را در صحنه‌های حساس نبرد به نمایش بگذارد، در فصل چهارم عملیات خودی به ترتیب تاریخ و با توجه به نوع منطقه عملیات، منطقه درگیری، هدف و فرماندهی عملیات و سازمان رزم و استعداد دشمن و نتایج درج شده است. در شرح عملیاتی‌هایی که در جنوب صورت گرفت و شامل عملیاتی‌های ایذایی محدود و بزرگ بود ۴۲ عملیات تشریح شده است که از تاریخ ۵۹/۷/۹ تا ۶۰/۶/۲۷ را در بر می‌گرفت.

در جبهه میانی نیز ۱۵ عملیات خودی از تاریخ ۹ مهر ۵۹ تا ۱۶ شهریور سال ۶۰ با همان مشخصات تشریح شده است.

فصل اول

زمینه‌های تجاوز عراق

زمینه‌های تجاوز عراق

۱- تاثیر انقلاب اسلامی بر ساختار امنیتی منطقه

پیروزی انقلاب اسلامی بهمن ۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) به سقوط شاه در ایران و بر هم خوردن ساختار امنیتی در منطقه خلیج فارس شد. با ایجاد خلاء قدرت در منطقه، فرصت مناسبی برای ایفای نقش توسط دیگر بازیگران مانند عراق بوجود آمد. فعال شدن کشور عراق با توجه به ساختار حکومتی و وابستگیهای استراتژیک آن به شوروی زنگ خطری جدی برای غرب به شمار می‌رفت. در واقع، سیاستهای غرب با توجه به از دست دادن ایران و فعال شدن عراق دچار بحران می‌شد. امریکا به عنوان حافظ منافع غرب می‌بایست از میان دو تهدید موجود (ایران و عراق) یکی را انتخاب کند و با فراموشی موقت یکی، راه حل‌های اساسی را در مورد دیگری بکار بندد. در این میان انقلاب اسلامی با توجه به تمایل رهبران عراق به عادی سازی روابط خود با غرب برای امریکا حائز اهمیت بود.

از میان دو ابرقدرت امریکا و شوروی که در نظام دو قطبی بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل بودند، امریکا بیش از شوروی از وقوع انقلاب اسلامی متضرر شد. در حقیقت با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چنان ضربه‌ای به حیثیت سیاسی و نظامی امریکا وارد شد که سیاستمداران این کشور تا مدت‌ها دچار پیامدهای این شکست بودند.

با خروج ایران از پیمان نظامی سنتو، امریکا با مشکل بزرگ دیگری روبرو شد و اقتدار دفاعی خود را در مقابل شوروی به کلی از دست داد؟ از این رو کفه موازنه قوا در سطح منطقه به ضرر غرب تغییر کرده و راه برای گسترش نفوذ شوروی باز شد.

با سقوط ساختار امنیتی گذشته رقابت بر سر کرسی «مقام ژاندارمری و جانشینی شاه» در بین کشورهای منطقه شدت یافت.

روسی‌ها با استفاده از این فرصت در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ افغانستان را به اشغال در آوردند و دو مین ضربه را به سیاستهای منطقه‌ای امریکا وارد کردند.

بدین ترتیب، برای رویارویی با خطراتی که منافع و هدفهای امریکا را در منطقه تهدید می‌کرد، سیاست خاورمیانه‌ای و استراتژیهای امنیتی و نظامی امریکا شکل جدیدی بخود گرفت: کارتر در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ (سوم بهمن ۵۸) در مقابل

کنگره امریکا اظهار داشت که تلاش یک قدرت خارجی بمنظور به دست گرفتن کنترل منطقه خلیج فارس، به مثابه لطمه وارد آوردن به منافع حیاتی امریکا قلمداد شده، با تمامی امکانات ضروری، از جمله نیروهای نظامی دفع خواهد شد. کارتر هدفهای مورد نظر استراتژی امنیتی خود را اینچنین اعلام کرد:

۱- تامین امنیت صدور نفت به سوی غرب و جلوگیری از توقف آن که مهمترین عامل پیشرفت اقتصادی غرب است.

۲- جلوگیری از نفوذ شوروی که در نزدیکی منطقه خلیج فارس قرار داشت.

۳- حفظ و حمایت از نظامهای هم پیمان با امریکا.

بر این اساس برژنیسکی معتقد است که دکترین کارتر این حقیقت را دریافت که امنیت ایالات متحده با سه مرکز و محور استراتژیک وابستگی پیدا کرده است: اروپای غربی، خاور دور و خاور میانه و خلیج فارس. در دکترین کارتر محور سوم (خلیج فارس) به دو محور قبلی افزوده شد. بر اساس این دکترین، نیروهای واکنش سریع اهمیت ویژه‌ای یافته، عملاً در سال ۱۹۷۹ تشکیل شدند.

در حالی که قبلاً از این دکترین نیکسون از قدرتهای منطقه‌ای می‌خواست که خود امنیت مناطق خود را حفظ کنند.

هنگامی که سیاستگذاری کلان امریکا و اولویتهای امنیتی این کشور در حال بررسی بود سیاستمداران این کشور در صحنه عمل و در برخورد با انقلاب اسلامی با حاکمیت لیبرالها در داخل کشور روبرو بودند. و به همین دلیل سیاستهای خود را به شکل معتدل دنبال می‌کردند و در پاسخ به پیامهای مثبتی که از سوی دست‌اندرکاران دولت موقت ابراز می‌شدند واکنش مثبت نشان می‌دادند.

امریکا در کنار این برخورد همواره از هرگونه حکومتی که متضمن ضربه زدن به انقلاب اسلامی بود استقبال می‌کرد و در تدارک اینگونه حرکات، از قبیل درگیریهای نظامی در نقاط حساس ایران، تحریک گروهکها، انجام کودتا و ... نقش عمده‌ای داشت.

با این وجود ناتوانی واشنگتن در جلوگیری از انقلاب و اشغال افغانستان، امریکا را به کشوری متزلزل و نامطمئن در اعمال سیاستهای خود مبدول ساخته بود و تنها یک ضربه دیگر می‌توانست اعتبار سیاسی و نظامی این کشور را بطور کلی خدشه‌دار نماید. با اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام، ضربه آخر بر سیاستهای امریکا وارد آورد و اعتبار ابرقدرتی امریکا به شدت زیر سؤال

رفت. در چنین اوضاعی هیچگونه نظم و ترتیب امنیتی در منطقه حاکم نبود و ساختار امنیتی گذشته نیز کاملاً از بین رفته بود.

۲- انقلاب اسلامی و تاثیر آن بر اوضاع داخلی عراق

در اثر فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران و خلاء قدرت ناشی از آن در منطقه خلیج فارس، فرصتی مناسب برای به تحقق پیوستن خواسته‌های عراق فراهم شد. عراق بعنوان پرجمعیت‌ترین کشور عرب منطقه همواره با مشکل ژئوپلیتیکی، ساحل مناسب روبرو بود و تنها ارتباط این کشور با آبهای آزاد از طریق رودخانه اروند و بندر بصره امکان‌پذیر بود که این ارتباط نیز با توجه به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که ذکر آن بطور اجمال بیان شد دچار محدودیتهایی از سوی ایران شده بود. به همین دلیل گسترش آبهای ساحلی و دسترسی عراق به مناطق مهم و استراتژیک در حاشیه خلیج فارس جزء هدفهای استراتژیک عراق بود که تنها از دو طریق امکان‌پذیر می‌شد:

الف: دسترسی به بخشی از مناطق ساحلی ایران.

ب: تسلط بر جزایر بوبیان و وره و قسمتی از سواحل کویت.

دسترسی به یکی از این دو منطقه می‌توانست راهگشای مشکلات ژئوپلیتیک عراق باشد.

از سوی دیگر ساختار اجتماعی و جمعیتی عراق بگونه‌ای بود که همواره حکومت را دچار بی‌ثباتی و بحران می‌نمود و همین بحران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از جمله عوامل موثر در ایجاد جنگ تحمیلی شد.

شیعیان این کشور به عنوان اکثریت مردم (بیش از ۵۵٪) بدلیل ایدئولوژیک و سیاسی همواره با حاکمیت حزب بعث در نزاع و ستیز بوده‌اند. همچنین اکراد شمال عراق طی ۲۰ سال گذشته همواره در پی بدست آوردن خودمختاری بوده‌اند که قبلاً به آنها اشاره شد.

لذا وحشت دائمی حاکمان عراق از شیعیان موجود در کشور، همواره سبب می‌شد تا دولت‌های این کشور نسبت به شیعیان به عنوان یک تهدید بالقوه داخلی نگاه کنند و حرکات آنها را پیوسته زیر نظر داشته باشند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تمایلات آرمانخواهانه امام و تمایل شیعیان عراق به برقراری حکومت اسلامی، این تهدید به شکل جدی‌تری برای حاکمان بعثی عراق که مردم چندان رضایتی از آنان نداشتند، مطرح شد.

رژیم عراق برای جلوگیری از رشد تمایلات اسلامگرایانه به سرکوب شیعیان پرداخت و در یک اقدام وحشیانه آیت الله صدر، برجسته‌ترین رهبر شیعیان عراق را به قتل رساند. صدام حسین نیز در پیامی در این باره هشدار داد که نمی‌گذارد تجربه ایران در عراق تکرار شود و آیت الله صدر به امام صدر تبدیل گردد. با افزایش فشار شیعیان در داخل عراق، حملات سیاسی و روانی این کشور علیه انقلاب اسلامی و امام شدت گرفت. این حرکت عراق از سوی کشورهای مرتجع منطقه مورد تایید قرار گرفت و رهبران وابسته عرب، صدام را بعنوان ناجی کشورهای عربی از خطر بنیادگرایی اسلامی مورد پذیرش و شناسایی قرار دادند.

اگر به دو عامل خلاء قدرت در منطقه و وحشت عراق از صدور انقلاب اسلامی، توانائی‌های ارتش عراق در موقعیت نسبتاً مطلوبی به لحاظ تجهیزات، سازمان و نیروی انسانی قرار داشت بیفزاییم آنگاه زمینه‌ها و شرایط تجاوز عراق به ایران مشخص‌تر می‌گردد. از سوی دیگر بررسی شخصیت فردی صدام که از وی بفردی پر قدرت، خشن و توانا در اداره و کنترل کشور ساخته است به سهولت درک چرایی حمله عراق به ایران پی‌خواهیم بود. وی برای چنین اقدام گسترده‌ای ۳ انگیزه و هدف اصلی قائل بود:

انگیزه اول تلاش برای کسب رهبری جهان عرب بود. بدنبال مرگ ناصر و امضاء پیمان کمپ دیوید و انزوای مصر، جهان عرب دچار خلاء رهبری شده بود، شخصیتی که بتواند با استفاده از امکانات و توانائیهای کشور خود در جهت آرمانهای وحدت جهان عرب و جبران تحقیر اعراب در قبال اسرائیل این خلاء را پر بنماید. صدام حسین امید کار بود با پیروزی در جنگ با ایران چنین موقعیتی را کسب نماید و به همین خاطر نام این جنگ را، جنگ قادسیه نامید تا یادآور شکست ایرانیها از اعراب مسلمان در اوایل ظهور اسلام باشد.

انگیزه دوم صدام این بود که با استفاده از سقوط شاه که بر اساس دکترین نیکسون به عنوان ژاندارم منطقه انتخاب شده بود، بتواند با پیروزی بر ایران خلاء سقوط شاه را پر نموده و نقش ژاندارم منطقه را در حفظ منافع غرب باز کند و علیرغم مواضع ضد آمریکایی که قبلاً اتخاذ می‌کند به آمریکا نشان دهد که تضاد منافع با آنها نداشته و اقدام در راستای اهداف آمریکا در منطقه می‌باشد.

انگیزه سوم صدام جبران تحقیری بود که شخصاً در امضای قرارداد الجزایر شده بود، وی تحت فشارهای داخلی و بین‌المللی به امضاء قرارداد مزبور تن در داد

و همواره احساس می‌کرد که در این جریان تحقیر شده و اجباراً تن به امضاء این قرارداد داده است. بنابراین — فرصتی بود که بتواند این احساس حقارت را جبران نماید. بدین علت در صدد بهانه‌ای بود که قرارداد ۱۹۷۵ را باطل اعلام نماید و این کاری بود که در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (سه روز قبل از آغاز جنگ) در یک اجلاس فوق العاده مجمع ملی صورت داد.

۳- هم‌گرایی قدرتهای بزرگ و کشورهای منطقه در تجاوز عراق (الف) امریکا:

ایالات متحده امریکا که بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی و بدنبال آن جریان گروگان‌گیری و شکست مفتضحانه عملیات طبس، ضربات پیاپی و سختی از ایران خورده بود نه تنها از هر حرکتی که متضمن ضربه‌زدن با ایران می‌بود استقبال می‌کرد، بلکه خود در صدد چاره‌جویی برای انتقام‌جویی و جبران شکستهای قبلی بود. اگرچه رابطه دیپلماتیک میان عراق و امریکا از سال ۱۹۶۷ قطع شده بود دفتر حفاظت منافع امریکا در بغداد بسیار فعال بود و شواهد و دلایلی وجود دارد که امریکا مشوق و ترغیب‌کننده رژیم عراق در آغاز جنگ بوده است.

روزنامه امریکایی نیویورک تایمز، ۵ ماه قبل از آغاز تجاوز عراق در آوریل ۱۹۸۰ (اردیبهشت ۱۳۵۹) از طرحهای مرحله به مرحله دولت امریکا در این زمینه پرده بر می‌دارد این روزنامه چنین می‌نویسد:

"دولت امریکا پس از شکست عملیات طبس، امکان اجرای ۳ طرح نظامی در شهرهایی که محل نگهداری گروگانهای امریکاست، مین‌گذاری در میادین صدور نفت، یا بمباران پالایشگاههای ایران می‌باشد."

در ادامه می‌افزاید: "واشنگتن امیدوار است که تحریم اقتصادی و سیاسی ایران بتواند در سایه تیرگی روابط ایران و عراق تاثیر بیشتری داشته باشد و ادامه می‌دهد که عده‌ای معتقدند چشم انداز جنگ با کشوری نیرومند (عراق) شاید ایران را وادار سازد در سیاست خود تجدید نظر کند."

با نزدیک شدن آغاز جنگ، روابط امریکا و عراق نزدیکتر شد و رفت و آمدهای سیاسی بین سران دو کشور افزایش یافت.

برژنیسکی مشاور امنیت ملی سابق امریکا برای اطلاع از وضعیت عراق برای شروع جنگ سفرهای مکرری به بغداد می‌نماید بطوریکه "وال استریت ژورنال" در ۸ فوریه ۱۹۸۰ یکی از این سفرهای محرمانه را فاش می‌سازد و همچنین تایمز لندن در

۱۷ ژوئن ۱۹۸۰ در ملاقات برژنسیکی با صدام حسین اشاره کرده و می‌گوید: نامبرده بعد از سفر محرمانه به بغداد در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: «ما تضاد قابل ملاحظه‌ای بین آمریکا و بغداد نمی‌بینیم ما معتقدیم عراق تصمیم به استقلال دارد و در آرزوی امنیت خلیج فارس است و تصور نمی‌کنیم که روابط آمریکا و عراق سست گردد».

برژنسیکی پس از دیدارهای محرمانه با سران حکومت عراق اعلام کرد: «هدف اصلی، سرنگون ساختن رژیم کنونی ایران است. و کیسنیجر در تاریخ ۵۹/۶/۷ یعنی ۲۳ روز قبل از شروع جنگ گفت: «جنگ حداکثر ظرف ده روز با پیروزی عراق پایان خواهد یافت».

در نتیجه می‌توان چنین عنوان کرد که هدفهای آمریکا و عراق در آغاز جنگ تلاقی پیدا کرده، هر دو کشور با اهداف جداگانه ولی همسو جنگ را علیه ایران آغاز کردند.

(ب) شوروی:

اتحادیه جماهیر شوروی در موضع‌گیری خود دچار تناقض و دورویی عجیبی شده بود و در حقیقت آغاز حمله عراق به ایران به شمشیر دولبه‌ای شباهت داشت که از هر طرف قابلیت برندگی و در عین حال احتمال خسارت می‌رفت. روسیه شوروی با عراق در سال ۱۹۷۶ پیمان دوستی ۱۵ ساله منعقد کرده و نفوذ قابل توجهی در عراق بویژه از نظر تامین تسلیحات ارتش و حضور کارشناسان نظامی داشت و اصولاً ارتش عراق مجهز به تسلیحات روسی بود. از طرف دیگر انقلاب اسلامی ایران اگر چه برای روسها از این نظر که موجب قطع نفوذ در مرزهای جنوبی این کشور شده بود، ولی برای روسیه نیز بخاطر ماهیت ایدئولوژیکی آن چندان خوشایند نبود. ایران بموازات برخورد با نفوذ آمریکا در ایران از میزان نفوذ روسیه بشدت کاست، گاز ایران به روسیه قطع شده بندهای ۵ و ۶ قرارداد ۱۹۲۱ از طرف ایران ملغی اعلام گردید و بخاطر روسیه به افغانستان بشدت محکوم گردید و انقلاب اسلامی می‌رفت که تاثیر خود را بر بیداری مسلمانان سایر کشورها از جمله مسلمانان جمهوریهای آسیایی روسیه شوروی سابق بر جای گذارد. پیروزی و شکست هر یک از طرفین نیز برای روسیه نتایج متضاد و متفاوتی را به ارمغان می‌آورد، پیروزی عراق بر ایران اگرچه با توجه به تسلیح ایران به سلاحهای آمریکا و تجهیزات عراق به سلاحهای روسی به معنای پیروزی سلاح روسی بر سلاح امریکایی تلقی گردیده و عراق را

بیشتر مدیون و وابسته به روسیه شوروی می‌کرد، در عین حال از نظر سیاسی موجب نفوذ مجدد امریکا و غرب در ایران می‌شد. پیروزی ایران نیز بر عراق متقابلاً نتایج متفاوت و معکوس بدست می‌داد که در هر دو حال برای روسیه شوروی در عین اینکه امتیازاتی را بعمل می‌آورد ناخوشایند بود. با توجه به دلایل منطقی و عقلانی نیز ملاحظه می‌گردد که اتخاذ موضع شوروی نیز در قبال آغاز جنگ تحمیلی منافقانه و متضاد بوده است. بنا به گزارش موسسه "هری تیچ" روسیه شوروی از قبل از آغاز تجاوز در جریان این تصمیم بوده و اگرچه هیچ اقدامی برای بازداشتن صدام نکرده است در عین حال مقامات ایرانی را از احتمال چنین حمله‌ای آگاه نموده است.

روسیه شوروی در عین اتخاذ موضع رسمی مبنی بر بیطرفی در سازمان ملل و بویژه در شورای امنیت همگام با آمریکا و سایر اعضای دائمی شورا قطعنامه‌هایی را بتصویب می‌رساند که به ضرر جمهوری اسلامی بود. اگرچه ظاهراً برای مدتی از ارسال تجهیزات نظامی و قطعات یدکی به عراق باقی مانده و به همکاری خود با ارتش عراق ادامه می‌دادند و گزارشاتی مبنی بر اینکه روسیه شوروی از طریق کشورهای اروپای شرقی جبران کمبود نیازمندیهای ارتش عراق را می‌نموده است وجود دارد.

بنابراین می‌توان به این جمع بندی رسید که رژیم عراق در سطح ابرقدرتها (امریکا و شوروی) بازمینه‌ای کاملاً مساعد و حتی تشویق‌آمیز در آغاز بر علیه جمهوری اسلامی موجود بوده است.

(ج) کشورهای منطقه:

کشورهای منطقه در روند تحولات قبل از جنگ با توجه به احساس خطری که از ناحیه انقلاب اسلامی کردند به صورت یکپارچه به موضعگیری علیه آن پرداختند. بجز کشورهای سوریه، لیبی و الجزایر، سایر کشورها همسو با سیاستهای غرب و هماهنگ با رژیم عراق مواضع تنیدی علیه انقلاب اسلامی ایران اتخاذ کردند. کشورهای عربستان و کویت به عنوان تامین کننده اصلی نیازمندیهای مالی عراق، وارد جنگ شده (تا پایان آن)، متجاوز از ۸۰ میلیارد دلار پرداخت نمودند.

سایر کشورهای منطقه نیز هریک به نوبه خود با کمکهای مالی و تسلیحاتی زمینه مساعد این تهاجم را فراهم آوردند. از این گذشته با وحشتی که عراق از انقلاب اسلامی در منطقه ایجاد کرده بود و عملاً خود را ناجی کشورهای عربی از

بنیادگرایی اسلامی می‌دانست، کشورهای منطقه را متقاعد به این تهاجم کرده، ضمانت‌های لازم را نیز دریافت کرد.

اوضاع ایران قبل از تهاجم عراق:

(الف) داخلی:

اوضاع داخلی و ساختار سیاسی و حکومتی ایران بعد از پیروزی انقلاب در اثر جابجایی جریانات مختلف هیچگونه شکل ثابتی به خود نگرفته و از ثبات لازم برخوردار نبود.

وجود عناصر لیبرال و بعضاً وابسته و سیاست‌های اعمال شده از سوی دولت موقت رفته رفته تضاد را با سایر نهادها و نیروهای انقلابی گسترده ساخت. حمایت‌های تلویحی غرب از سیاست‌های دولت موقت و تلاش‌های عناصر و گروه‌های وابسته به قدرتهای خارجی موجب تضعیف و انزوای نیروهای انقلابی و در نتیجه انحراف انقلاب اسلامی می‌شد.

در این اوضاع، درگیری گسترده‌ای در تمام سطوح بین دو جریان لیبرالیسم و حامیان آن با نیروهای در خط امام بوجود آمده بود.

در واقع دولت انقلابی به علت حضور لیبرالها در حاکمیت و بویژه حضور بنی صدر بعنوان رئیس جمهور و فرمانده کل قوا درگیر یک سری تضادها و اختلافات شدید درون حاکمیت بود. و امکان هماهنگی و تمرکز در تصمیم‌گیری را که لازمه شرایط بحرانی و جنگ می‌باشد از بین برده بود.

از سوی دیگر، جنگ قدرت از سوی گروهها برای بدست آوردن بخشی از حاکمیت به منظور اعمال سیاست‌های خود، آغاز شده بود. گروه‌های وابسته به قدرت‌های خارجی در سطوح مختلف کشور پراکنده شده، با اخلاف در روند جاری انقلاب در پی بدست آوردن امتیاز بیشتری بودند.

اخلال گروهها حتی به برخوردهای مسلحانه نیز کشیده شد، و درگیری‌های گسترده‌ای در مناطق حساس کشور از جمله کردستان، گنبد، خوزستان و ... آغاز شده بود در مرکز حکومت، گروهها با اشغال بخشی از مناطق دانشگاهی، سازمان‌ها و نهادهای اجرایی عملاً باعث توقف امور اداری و فرهنگی انقلاب شده بودند این گروهها با انجام یک اقدام از سوی تصمیم‌گیرندگان و مسئولان که با سیاست‌های آنها در تضاد و تناقض بود، اعتصاب و تظاهرات به راه انداخته، باعث توقف امور می‌شدند. این برخوردها با توجه به سیاست‌های لیبرالی دولت در بیشتر مواقع منجر

به نتیجه می‌شد و گروهها به تدریج موضع خود را تقویت می‌کردند. در این حال نیروهای انقلابی با الهام از رهنمودهای امام در تلاش بودند تا از خروج انقلاب اسلامی از خط اصلی آن جلوگیری کنند.

ب) اقتصادی:

مشکلات اقتصادی ایران در سالهای ۵۸ و ۵۹ کمتر از مشکلات سیاسی نبود. اعتصابات انجام گرفته در بخشهای اقتصادی کشور بویژه در صنعت نفت، اقتصاد ایران را بطور کامل فلج ساخته بود. با پیروزی انقلاب اسلامی فرمان بازگشت کارگران، کارمندان و ... از سوی رهبر انقلاب اسلامی صادر شد و چرخهای اقتصاد کشور شروع به حرکت کردند. اما نبود انسجام سیاسی در داخل و انزوای سیاسی که در اثر درگیری با قدرتهای بزرگ دچار انقلاب شده بود و نیز تحریک گروههای مخالف موجب شده بود تا این حرکت با کندی بسیار صورت بگیرد. در کنار این مسائل، معلق ماندن قراردادهای اقتصادی که عمدتاً با کشورهای غربی در زمان شاه منعقد شده بود، بلوکه شده پولهای ایران در امریکا، مشکل فروش نفت، فرار کارشناسان نفتی کشورهای مختلف از کشور، انتقال سرمایه‌های داخلی به خارج در اواخر حکومت شاه و ... مشکلاتی بودند که اقتصاد کشور را با مشکلاتی دو چندان روبرو ساخته بودند.

استراتژی عدم وابستگی به شرق و غرب و در کنار آن مبارزه دائمی با امریکا موجب می‌شد تا راه حل‌های اقتصادی با جهت‌گیری خاصی آغاز شوند.

در این بین نبودن سیستمی که بتواند الگوهای ارائه شده از سوی رهبری را به یک برنامه عملی مبدل سازد دورنمای روشنی از چهره اقتصاد ایران ترسیم نمی‌کرد. علاوه بر این تمایل دولت موقت به برقراری رابطه با امریکا و غرب بویژه در بعد سیاسی و اقتصادی استراتژی استقلال اقتصادی را خدشه پذیر می‌کرد.

ج) نظامی:

کمک‌های نظامی و تسلیحاتی امریکا به ارتش ایران و حضور مستشاران نظامی این کشور در سطح تصمیم‌گیرندگان اصلی ارتش و نیز تفوق و برتری سیاسی امریکا در منطقه موجب شده بود تا ایران قبل از پیروزی انقلاب، در نظر کشورهای منطقه به لحاظ نظامی، کشوری قدرتمند جلوه کند اما تسلیم ارتش شاه در مقابل موج

خروشان انقلاب اسلامی و عدم کارایی فرماندهان آن در رویارویی با مشکلات نظامی، این نظریه را اثبات کرد که ایران تنها به صورت انبار سلاحهای امریکا درآمده و ارتش ایران بدون اعمال سیاستهای امریکا کارایی لازم را ندارد. این ادعا هنگامی مشکل عملی به خود گرفت که در جریان فروپاشی نظام شاهنشاهی، بدنه ارتش (سربازان، درجه‌داران و افسران جزء) که عمدتاً از قشرهای ضعیف و متوسط جامعه بودند سلاح بر زمین نهاده، هماهنگ با جریان انقلاب اسلامی در صف انقلاب قرار گرفتند. از سوی دیگر هنگامی که امریکا تقریباً از پیروزی انقلاب اسلامی مطمئن شده بود، تلاش کرد تا با حفظ ارتش، زمینه‌های اعمال سیاستهای بعدی خود را فراهم نماید.

از این رو ژنرال هایزر ماموریت یافت تا با حضور در تهران، ضمن تاکید بر حفظ انسجام ارتش، آنرا از مداخله در امور سیاسی پرهیز دهد. در حالی که قبل از این، از جمله ماموریت‌های ارتش حفظ نظام شاهنشاهی در مقابل حرکت‌های داخلی تعیین شده بود.

این سیاست باروی کار آمدن دویت موقت همچنان دنبال می‌شد. اما حرکت‌های انقلابی بویژه در زمینه برخورد با سران وابسته به نظام شاهنشاهی موجب شد تا تعدادی از فرماندهان ارتش که در خونریزیهای دوران انقلاب، نقش اساسی به عهده داشتند از ایران فرار کنند.

سیاست پاکسازی ارتش از عناصر وابسته و امیران، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب آغاز شد و تعداد زیادی از افسران ارشد و امیران از ارتش اخراج شدند. انسجام داخلی ارتش در این اوضاع با توجه به سیاستهای امام همچنان مورد تاکید قرار می‌گرفت اما برخی تصمیمات مشکوک همچون کاهش نیروهای ارتش، وضعیت توان رزمی را به حداقل کاهش داده بود.

در تاریخ ۵۸/۲/۹ اعلام شد که ایران به ارتش ۵۰۰ هزار نفری نیازی ندارد و تعداد ارتشیان کاهش خواهد یافت. در همین فاصله از سوی دربار مدنی فرمانده نیروی دریایی اعلام شد که تعداد افسران نیروی دریایی کاهش خواهد یافت. کاهش مدت خدمت سربازی از ۲۴ ماه به ۱۲ ماه، اعزام کادرهای ارتش به محل سکونت و تولد خود و ... از دیگر اقداماتی است که سازمان ارتش ایران را دچار تزلزل کرد. در کنار ارتش، سپاه تنها نیروی محدود اما منسجمی بود که تا حدودی موفق به پر کردن خلع ارتش در درگیری‌های داخلی و مرزی شده بود در استانهای مرزی نیروهای

گریز از مرکز حاکمیت انقلاب را شدیداً تضعیف کرده بودند حرکت‌های جدایی طلبانه در کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان به همراه شورش‌های آذربایجان و ترکمن صحرا موجود شده بود تا توان اصلی سپاه در این مناطق صرف شود.

سپاه به شدت در بحرانهای داخلی کشور درگیر بود و برنامه مشخصی برای گسترش سازمان نظامی آن وجود نداشت. در این شرایط، طبیعی بنظر می‌رسید که توان موجود دفاعی در کشور (ارتش و سپاه) می‌بایست به حل این مشکلات بپردازد. (در این فاصله کشف کودتای نوژه، که به وسیله عناصری از ارتش سازمان یافته بود بر اعتبار و پرستیژ آن لطمه وارد ساخت و فرار تعدادی از عناصر ارتشی کودتا در تیرماه ۱۳۵۹ به خارج از کشور بویژه به عراق اطلاعات ذی‌قیمتی در سازمان و توان دفاعی ایران را در اختیار دشمنان کشور و مسئولان عراق قرار داد). به عنوان مثال: سرهنگ عزیز مرادی فرمانده تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی مسئول ستاد اروند و هماهنگ کننده بین نیروهای نظامی و انتظامی در مقابل تعرضات و تحریکات مرزی عراق از عناصر کودتای نوژه بود که با شکست کودتا با آخرین اطلاعات نظامی خویش به عراق فرار کرد. پس از خنثی سازی کودتا، تبلیغات گسترده‌ای برای انحلال ارتش از سوی گروهها صورت گرفت اما امام با توجه به فداکاری پرسنل وفادار ارتش در سطوح پائین تر باز هم بر انسجام داخلی ارتش تاکید داشتند در چنین موقعیتی، محافل بین‌المللی، و منطقه‌ای از توان نظامی و دفاعی ایران چهره نامناسب و ضعیفی ترسیم نمودند. تصمیم گیرندگان عراقی در تجزیه و تحلیل خود از اوضاع ایران، ناتوانی نظامی این کشور را مورد توجه قرار داده، آنرا بصراحت ابراز می‌کردند. طاروق عزیز وزیر خارجه عراق در تابستان ۱۹۸۰ طی تحلیلی از اوضاع ایران می‌نویسد: امروز ارتش ایران از هم پاشیده است.

عراق به منظور عملی ساختن نیات خود در ایجاد آشوبهای داخلی ایران و تحریک ضد انقلاب در کردستان و خوزستان به صورت گسترده فعالیت می‌کرد. فرستادن سلاح و مهمات برای گروهها، آموزش و تدارک و تحویل پول، بعلاوه تبلیغات گسترده در این مناطق، از جمله اقدامات عراق بود که بصورت آشکار و علنی انجام می‌گرفت در تیرماه ۱۳۵۸ عراق بطور فعال در درگیریهای خرمشهر دخالت داشت و گروههای ضدانقلاب را مجهز می‌کرد. عراق با حمایت گروهیک خلق عرب در خوزستان عملاً به دنبال زمینه‌سازی فعالیت‌های بعدی خود بود.

د) در صحنه بین‌المللی:

پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در تنظیم روابط خارجی خود دچار مشکلات گوناگون گردید. مخالفت با آمریکا در سطح جهانی و در کنار آن رساندن پیام اسلام در سطح منطقه، مسائل مختلفی را برای این کشور بوجود آورد. با پیروزی انقلاب، سیاست خارجی آمریکا در منطقه، یعنی کشیدن کمربند امنیتی، به دور شوروی، با شکست روبرو گردید. مجموعه حوادثی که در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی رخ داد، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر پرستیژ و اعتبار سیاسی آمریکا وارد آورد. اشغال سفارت و گروگان‌گیری جاسوسان آمریکایی موجب شکست سیاست نزدیکی به غرب در ایران شد و در سطح منطقه، روزه مناسبات بین شوروی و کشورهای منطقه را که از انقلاب اسلامی در هراس بودند، سرعت بخشید. در آمریکا، جریان اشغال سفارت را نشانه افول اداره سیاسی این کشور تعبیر کردند.

سیر حوادث شش ماه اول ۱۳۵۹ حاکی از شدت و گسترش یافتن اقدامات آمریکا علیه ایران بود در بیستم فروردین دولت کارتر رسماً قطع روابط دیپلماتیک بین ایران و آمریکا را اعلام کرد و به درخواست وی کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، ژاپن، کانادا و بسیاری از کشورهای جهان به استثنای بلوک شرق در تخریم اقتصادی ایران با این کشور مشارکت کردند.

جمهوری اسلامی ضمن اینکه در سطح گسترده‌ای با آمریکا درگیر شده بود، به دلیل رعایت اصول اساسی انقلاب در سیاست خارجی، اشغال افغانستان توسط قوای شوروی را نیز به شدت محکوم می‌کرد.

در سطح منطقه، انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت دینی و نیز موقعیت طبیعی منطقه حکام منطقه را چنان دچار وحشت کرده بود که سیاستمداران این کشورها این پدیده نوظهور را تهدیدی جدی برای وضع موجود منطقه به حساب می‌آوردند. حرکت‌های اسلامی و انقلابی در کشورهای لبنان، عراق، عربستان سعودی، کشورهای عربی خلیج فارس و تونس با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی رشد کمی و کیفی نمودند.

این امر جمهوری اسلامی ایران را به صورت کانون خطر برای کشورهای منطقه در آورد. از نیمه دوم سال ۱۳۵۸ و اوائل سال ۱۳۵۹ بسیاری از ناآرامیهای منطقه به ایران نسبت داده شد.

انتشار این اخبار جو عمومی را علیه جمهوری اسلامی برانگیخت و سوءظن حکام کشورهای حاشیه خلیج فارس نسبت به هدفهای انقلاب اسلامی را موجه جلوه می‌داد. جمهوری اسلامی در این اوضاع، به دلیل نداشتن استراتژی مشخص برای برخورد با دوستان و دشمنان خود عملاً دارای سیاست خارجی فعالی نبود در این میان کشورهای بیطرف منطقه با توجه به تحركات عراق و امریکا رفته رفته در صف دشمنان انقلاب اسلامی قرار گرفتند. جنگ روانی علیه انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران را در انزوای کامل قرار داده بود. امریکا و کشورهای منطقه مایل بودند تا هر چه سریعتر تکلیف انقلاب اسلامی روشن شود و نگرانی آنان پایان یابد.

نگاهی به اوضاع عراق در آستانه تجاوز

دولت بعث عراق در عرصه روابط خارجی از اواخر دهه ۱۹۷۰، با استفاده از سیاست بهره‌گیری از دو ابر قدرت به تدریج به بلوک غرب نزدیک شد و در عین حال هیچگاه مناسبات خود را با شوروی کاهش نداد. از این رو این کشور توانست با برقراری توازن در روابط خارجی خود، از رقابت شرق و غرب در جهت افزایش توان نظامی و اقتصادی خود سود ببرد و امکان اتخاذ مواضع مستقل‌تری را بدست آورد. در بررسی ابعاد نظامی نیز عراق علیرغم وضعیت نابسامان ایران از شرایط بسیار مطلوبی برخوردار بوده بطوریکه در آغاز دهه ۱۹۸۰ با ۱۴ میلیون نفر جمعیت، تنها کشور عربی پرجمعیت در حاشیه خلیج فارس است که توانایی بسیج بیش از یک میلیون نفر را برای اعزام به جبهه‌های جنگ در اختیار دارد.

ارتش عراق از زبده‌ترین و مجهزترین ارتشهای منطقه است بر اساس پیمان دوستی بغداد، مسکو که در سال ۱۹۷۲ منعقد گردید، شوروی متعهد شد سالانه ۵/۱ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عراق تحویل دهد.

از سال ۱۹۷۶ عراق قرارداد نظامی با فرانسه منعقد کرد که در پی آن در سالهای ۷۸ - ۱۹۷۷ پاریس به صورت یکی از بزرگترین منابع تسلیحاتی ارتش عراق درآمد.

نیروی هوایی این کشور توسط متخصصان فرانسوی تجدید سازمان شد و از اوایل سال ۱۹۸۰ حدود ۶۰ فروند هواپیمای میراژ ۱۰۰ تحویل بغداد گردید و مذاکره برای خرید هواپیمای میراژ ۲۰۰۰، هلی کوپتر، موشک و تجهیزات دریایی نیز صورت گرفت.

همزمان با این اقدامات اخبار بسیاری در مورد دسترسی عراق به سلاحهای شیمیایی از سوی محافل سیاسی - نظامی جبهای انتشار یافت. در سال ۱۹۸۰ بودجه نظامی عراق ۶۳ درصد افزایش یافت و ۱۵ کشور جهان بیش از ۶ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور قرار دادند.

در مجموع، عراق در آغاز دهه ۱۹۸۰ به بزرگترین قدرت نظامی منطقه تبدیل شد و این قدرت نظامی به همراه قدرت اقتصادی با پشتوانه ۲۴ میلیارد دلار در آمد نفتی در سال ۱۹۷۹ و با ارائه چهره با ثبات از لحاظ سیاسی، موقعیت ممتازی در صادرات منطقه‌ای بدست آورد.

صدام همزمان با کسب آمادگیهای رزمی و فراهم نمودن زمینه‌های سیاسی در سطح منطقه و نظام بین الملل عملاً آمادگی خود را جهت یک حمله گسترده اعلام نموده و در تاریخ ۵۹/۴/۲۹ طی یک مصاحبه تحریک‌آمیز که در روزنامه کویتی "السیاسیه" به چاپ رسیده گفت: "اکنون، نیروی نظامی کافی برای گرفتن سه جزیره اشغال شده را فراهم کرده‌ایم، پس از مارس ۱۹۷۵ نه سکوت کرده‌ایم و نه دچار رخوت و سستی شده‌ایم، بلکه از آن زمان و پس از درگیری در جنگ فرسایشی باشاه، توان و قدرت نظامی و اقتصادی خود را مدت ۷ سال افزایش داده‌ایم." همچنین در تاریخ ۵۹/۶/۲۰ صدام در جمع وزیران کشورهای عربی، ضمن درخواست کمک و یاری از آنان اعلام داشت:

"تصمیم گرفته‌ایم که سرزمینهای غصب شده توسط ایران را پس بگیریم."

۶ روز پس از این نطق در روز ۵۹/۶/۲۶ بسیج عمومی اعلام می‌شود و صدام طی نطقی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در مقابل دوربین تلویزیون پاره می‌کند. بدنبال این اقدام بود که حرکت نظامی عراق بطور جدی و سراسری آغاز شده و در روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ تهاجم گسترده از طریق هسوا، دریا، زمین به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز شد.

اقدامات ضد انقلاب در طی ۱۹ ماه قبل از شروع جنگ:

اگر بحرانه‌ها و آشوبهای سالهای اول انقلاب را بررسی کنیم ملاحظه خواهد شد، مدت بحران در استانهای مرزی طولانی تر از بحران در داخل کشور بوده، بلکه استانهای غیر مرزی عموماً با بحران روبرو نشدند و حال آنکه بیش از ۵۰ درصد از استانهای مرزی کشور با بحران روبرو بوده‌اند، بدان جهت که اکثر آشوبها از آن سوی مرزها طراحی می‌شد. البته استانهای مرزی نیز به بحران یکسانی روبرو

نبودند بلکه استانهای غرب کشور که همجوار عراق می‌باشند به جهت توطئه‌های بلاوقفه عراق بیشترین مدت بحران را داشته‌اند.

بحران در استانهای غرب کشور نیز یکسان نبود و به جهت شرایط مختلف نوع و مدت بحران متفاوت بود.

استان ایلام به جهت آنکه کمترین زمینه بحران را داشت و ضدانقلاب پایگاه ملموسی در آن نداشت با کمترین حادثه مواجه شد، هر چند که علیرغم وضعیت یاد شده و وفاداری کامل عشایر ایلام به کشور و انقلاب، ایلام بدون حادثه نبود، بلکه به جهت تاسیسات نفتی در جنوبی‌ترین نقطه آن، (دهلران) همواره اقدامات خرابکارانه دشمن در آن صورت گرفته است. اقداماتی که بدون استثناء توسط مزدوران انجام می‌شد که از داخل خاک عراق به این طرف مرز نفوذ می‌کردند.

در استان کرمانشاه وضعیت بگونه درگري بود. از سویی تاسیسات و منابع نفتی در این استان و از سوی دیگر فرهنگ عشایر مرزی، دشمن را به طمع می‌انداخت ضمن آنکه اساساً وضعیت ژئوپلیتیک این استان سبب توجه فوق‌العاده عراق شده و سرمایه‌گذاری مستقیم آن کشور را در پی داشت. هر چند که این اقدام در پوشش نام ضدانقلاب انجام می‌شد. در یک نگاه به موقعیت نوار مرزی کرمانشاه، مناطق تحت نفوذ مخالفین حکومت مرکزی بدین نحوه قابل تقسیم است:

الف: منطقه اورامانات که تحت نفوذ و میدان مانور حزب منحلہ دمکرات کردستان ایران بود.

ب: منطقه ذهاب که تحت نفوذ ایل قلخانی و عناصر سلطنت طلب بود.

ج: منطقه جنوب قصرشیرین تا سومار که تحت نفوذ هیچ گروهی نبود و عوامل عراقی از آن سوی مرز نفوذ کرده و خرابکاری می‌کردند.

استان کردستان منطقه نفوذ گروه‌های مخالف کرد بود. گروه‌های مزبور که مرام‌های مختلفی نیز داشتند ولی همگی بر سر مسئله مقابله با نظام اسلامی متحد بودند. در این منطقه اتکاء گروه‌های ضد انقلاب به مرز کمتر بود زیرا آنها در عمق استان نفوذ کرده و بیشتر مایحتاج خود را در داخل تامین می‌کردند.

حضور فعال گروه‌های غیر کرد ضد انقلاب در کردستان، مانند سازمان چریک‌های فدایی خلق (که مرکزیت آنها در تهران بود) دلالت بر امنیت ضد انقلاب در کردستان داشت و از گسترش حاشیه امنیت آنان حکایت می‌کرد. اما در عین حال هرگونه امکان اتکاء به خاک عراق و بهره‌گیری از حمایت رژیم آن کشور از سوی

ضدانقلاب منتفی نشد. بلکه هرگاه نیروهای خودی عرصه را بر ضدانقلاب تنگ می‌کردند استفاده از مرزها در دستور کار قرار می‌گرفت.

در کردستان کلیه شهرهای مرزی به غیر از مریوان تحت نفوذ گروه‌های کرد مخالف بود، اما به میزانی که از مرز فاصله می‌گرفتیم از نفوذ گروه‌های کرد مخالف بود، اما به میزانی که از مرز فاصله می‌گرفتیم از نفوذ گروه‌ها کاسته می‌شد به طوری که شهرهای شرقی استان کاملاً تحت نفوذ حکومت مرکزی بود و این مسئله خود اتکاء معنوی ضد انقلاب به مرزهای عراق را نشان می‌دهد.

در آذربایجان غربی حاشیه امنیتی گروه‌های کرد کمتر بود و آنان هرگز نتوانستند مرکز استان را تحت سلطه بگیرند. البته با اتکاء به موقعیت خود در کردستان در غرب و جنوب‌غربی استان آذربایجان غربی نفوذ داشتند و از مرزهای پیرانشهر و سردشت به عراق تردد می‌کردند.

در استان خوزستان بجهت سرمایه‌گذاری دیرینه عراق و تشکلات خلق عرب که وابسته به رژیم آن کشور بود، اقدامات عراق نسبت به سایر استانها با واسطه کمتری انجام می‌شد، خصوصاً بعد از کنترل آشوب خلق عرب در خرمشهر و بعد از منزوی شدن آن گروه در خوزستان، عوامل عراقی مستقیماً وارد عمل شده و عموم انفجارات و حوادث را که پس از کنترل آشوب خرمشهر اوج گرفت راساً بوجود می‌آوردند.

گروه خلق عرب عمدتاً در شهرهای مرزی بستان، سوسنگرد و خرمشهر نفوذ داشت و دامنه نفوذ خود را تا اهواز گسترش داده بود. کنسولگری عراق در خرمشهر نقش بسزایی در پشتیبانی و هدایت گروه مزبور ایفا می‌کرد. لیکن پس از خنثی سازی تلاش گروه خلق عرب در خرمشهر و تعطیلی کنسولگری عراق در خرمشهر، کارنامه سیاسی و بلکه نظامی گروه خلق عرب بسته شد و از آن پس انفجارات پی در پی بود که در نقاط مختلف خوزستان حادثه می‌آفرید، حوادثی که عمدتاً توسط عوامل مستقیم عراق انجام می‌شد.

(۱) شبیخون و کمین:

استانهای غرب کشور از همان ابتدای انقلاب هدف شبیخونهای دشمن واقع شدند. آذربایجان غربی و خوزستان و سپس کرمانشاه میدان تلاش دشمن بودند. در ماههای بعد خوزستان و ایلام میدان فعالیت دشمن محسوب می‌شد بطوریکه تا ۵۸/۸/۳ هیچکدام از ۵ استان غربی کشور از شبیخون دشمن مصون نماندند.

انقلاب وارد ششمین ماه خود می‌شد که دشمن خط کمین را نیز در دستور قرار داد.

موقعیت و وضعیت نیروهای خودی در شهرها و سایر مناطق غرب کشور، ضد انقلاب را نسبت به اقدام علیه آنها تحریص می‌کرد. سپس با راه افتادن گروه‌های گشت و کاروانهای نظامی که برای مقابله با دشمن به حرکت در آمده بودند، دشمن نیز اقدام به کمین علیه اهداف غیر ثابت خودی نمود. در طول ۱۹ ماه قبل از جنگ ۷۰۵ مورد کمین و شبیخون توسط دشمن در غرب کشور اجرا شد که ۲۰۵۳ نفر شهید، مجروح و گروگان را در پی داشت.

ضد انقلاب در کردستان و آذربایجان غربی مناطقی را تصرف کرد لذا به جهت اشغال مناطق مزبور، شبیخون و کمین در آن مناطق لزومی نداشت. بلکه اقداماتی هم در پی آزادسازی مناطق مزبور از سوی دشمن بروز می‌کرد به جه آنکه ابتکار دست خودی بود، جز شبیخونها و کمینها کمتر از تصور عمومی است. اما در عین حال دو استان مزبور به ترتیب و پس از استان کرمانشاه بیشترین شبیخون و کمین را پشت سر گذاشته‌اند، بطوری که اگر سهم استان کرمانشاه از این بابت ۳۷٪ باشد، سهم استان آذربایجان غربی ۳۲٪، سهم کردستان ۲۴٪ و سهم دو استان دیگر خوزستان و ایلام بترتیب ۶٪ و ۱٪ می‌باشد.

ناگفته نماند که اگرچه تراکم شبیخون و کمین دشمن از استان کرمانشاه به بالا بود ولیکن آنچه در این ماجرا نصیب شهرهای مرزی، خصوصا شهرهایی که بعدا مورد تجاوز رسمی عراق واقع شد کم نبود و بلکه بسیار هم چشمگیر بود بطور مثال منطقه سرپل ذهاب بیش از ۵۷ بار مورد کمین و شبیخون دشمن واقع شد و شهرهای مرزی ۵۰٪ از شبیخونها و کمینهای دشمن را پشت سر گذاشتند.

۲) انفجارات (بمب گذاری):

عموما دشمن در شرایطی اقدام به انفجار می‌کند که از دستیابی به هدف در کوتاه مدت مایوس باشد. انفجار مناطق عمومی و مراکز غیرنظامی به جهت آماده‌سازی زمینه آشوب برای بهره‌برداری بعدی خواهد بود. کشتار مردم در کوچه و تخریب مراکز اقتصادی، هدفی جز ملتهب کردن مردم و فشل نمودن حکومت مرکزی ندارد، تا در صورت آشفته شدن شرایط گامهای بعدی برداشته شود، بروز انفجارات در مناطق نزدیک مرز و نیز در معابر عمومی و کشتار مردم، حکایت از اجرای اینگونه از ورای مرز دارد.

در طول ۱۹ ماه دوران شروع انقلاب تا آغاز رسمی جنگ، دشمن در ۱۸۵ مورد اقدام به انفجار کرد که بطور متوسط هر دوروز یکبار، چنین اقدامی صورت گرفته است.

۷۴٪ از اقدامات مزبور در خوزستان و ۲۶٪ بقیه در سایر استانهای مرزی اتفاق افتاده است و نیز نزدیک به ۳۰٪ از حوادث مزبور در دو شهر خرمشهر و آبادان و بقیه در سایر مناطق بروز کرده است.

بطور متوسط در هر اقدام موثر دشمن ۳ نفر شهید و مجروح شدند که ۹۰٪ از کل تلفات انسانی غیر نظامی و ۱۰٪ نظامی بوده‌اند. بیش از ۹۵٪ اهداف دشمن غیر نظامی و کمتر از ۵٪ نظامی بوده است.

نزدیک به نیمی از اهداف غیر نظامی، مناطق عمومی را در برمی‌گرفت و نزدیک به ۵۰ درصد دیگر اهداف اقتصادی و بعضاً ارگان دولتی را شامل می‌گردید که نیمی از موارد یاد شده نیز مراکز نفتی را در برمی‌گرفت که حدود ۹۰٪ آنان انتقال نفت را مختل می‌کرد و نزدیک به ۱۱٪ بقیه تاسیسات نفتی را تخریب می‌کرد.

سیر اقدامات انفجار آمیز دشمن نیز قابل توجه است، شروع اقدامات دشمن همزمان است با اغتشاش گروه خلق عرب در خرمشهر. در سومین ماه از سال ۵۸ و چهارمین ماه انقلاب انفجار رخ می‌دهد که در خرمشهر، آبادان و اهواز بوقوع می‌پیوندد، این رقم در ماه بعد نزدیک به ۸۰٪ افزایش می‌یابد، انفجارات همچنان در خوزستان است، اما با سرکوب اغتشاش محدود خلق عرب، انفجارات بشدت افت می‌کند این وضعیت ۲ ماه ادامه دارد، تا اینکه دشمن با ترفندی جدید موجی از انفجارات را ایجاد می‌کند. و طی ۲ ماه پی در پی ۴۱ با اقدام به انفجار می‌کند که همچنان خوزستان هدف اصلی این اقدام است، ولی با توجه به تسلط نیروهای امنیتی خودی و شناسایی، راه‌کارهای مورد استفاده دشمن موقتا از تعداد انفجارات کاسته می‌شود ولی پس از مدت کوتاهی آرام‌آرام اوج می‌گیرد. اوج این اقدامات همزمان است به حمله آمریکا به طبرس و از آن پس تا شروع جنگ نزول ملایمی را طی می‌کند.

۳) مین گذاری:

مین گذاری که یک اقدام ایذایی و اخلال‌گرانه محسوب می‌شود، دلالت بر عدم تسلط عامل اقدام کننده در منطقه مین گذاری شده می‌کند، با توجه به آنچه اشاره شد مطالعه سیر حوادث مین گذاری ضرورت می‌یابد.

۵ ماه پس از گذشت انقلاب استانهای غرب کشور (آذربایجان غربی و خوزستان) برای اولین بار شاهد اقدام مین گذاری دشمن بودند.

مین گذاران جاده نرده - ارومیه افراد ضدانقلاب بودند که در حین اقدام دستگیر شدند. اما مین گذاران در حومه خرمشهر که اقدامشان به شهادت ۳ نفر غیر نظامی منجر شد ناشناخته باقی ماندند.

البته توجه به زمان شروع مین گذاری در حومه خرمشهر که پس از کنترل آشوب شهر توسط حکومت مرکز بود اثبات می کند که اقدام مزبور مسلماً عکس العمل عوامل آشوب خرمشهر بوده است اما آیا این عوامل عراقی بودند یا صرفاً وابسته به آنان بودند، مشخص نشده است. بعد از حادثه مزبور تا پایان سال ۱۳۵۸ سیکل یکنواختی را طی کرد، اما از ابتدای سال ۱۳۵۹ آهنگ مین گذاری دشمن کمی شدت گرفت و در ماه دوم فروردین یعنی پس از اتخاذ مواضع تند عراق علیه جمهوری اسلامی و پس از قطع رابطه آمریکا با ایران و همزمان با عملیات آمریکا در طبرستان دشمن در مین گذاری بشدت افزایش یافت بطوری که با رقم ۱۰۰٪ افزایش روبرو شدیم، پس از ۵۹/۲ تراکم اقدامات دشمن به نصف تقلیل یافت. این وضعیت ۲ ماه یعنی تا خنثی شدن کودتای نوژه ادامه داشت.

تا قبل از خنثی شدن کودتای نوژه حدود ۵۰٪ از مین گذاریها در جادههای مرزی گذاشته می شد و عموماً در مناطقی که تحت نفوذ عوامل عراقی بود مین گذاری می شد ولی در دو ماه آخر زمینه سازی عراق و ۲ ماه قبل از شروع جنگ مین گذاری در مرزها بشدت افت کرد بطوری که در شهریور ۵۹ در مناطقی که عراق قصد داشت وارد خاک ایران شود هیچ گونه مین کار گذاشته نشده بود.

این منطقه از شمال سرپل ذهاب تا خرمشهر را شمال می شد. مروری به اقدامات دشمن نشان می دهد که ۵۶٪ سرمایه گذاری دشمن در منطقه کرمانشاه، ۲۷٪ در آذربایجان غربی، ۹٪ در خوزستان، ۶٪ در ایلام و ۲٪ در کردستان بوده است.

۴۶٪ اقدامات (دشمن) در نوار مرزهای عراق انجام شده و بیش از ۷۰٪ از مین گذاریهای مرزی در حد فاصل منطقه سرپل ذهاب و نفت شهر بوده است. (منطقه عمومی سرپل از باووسی).

۵۵٪ از اهداف دشمن غیر نظامی و ۴۵٪ نظامی بوده است. ۵۰٪ از شهدا و مجروحین نیز غیر نظامی و ۵۰٪ بقیه نظامی بوده اند ضمن آنکه تنها ۸۴٪ درصد از اقدامات دشمن موثر بوده است و ۱۶٪ بقیه خنثی شده است.

فصل دوم

تجاوزات ارتش عراق

در شهریور ماه ۱۳۵۹

تجاوزات ارتش عراق در شهریورماه ۱۳۵۹:

دهه اول شهریور:

با آغاز شهریور ماه ۵۹ تجاوزات و حملات مرزی عراق سیر صعودی را طی کرده و به نقطه اوج خود رسید.

در سوم شهریور ۵۹ سپاه پاسداران در غرب کشور وقوع یک جنگ تمام عیار را پیش بینی کرده و علت آنرا صدور فرمان آماده باش درجه یک توسط ارتش عراق، افزایش نیرو و تقویت پاسگاههای مرزی دانست، از جمله اینکه در این روز مقادیر زیادی مهمات برای جنگنده‌های نیروی هوایی عراق به پایگاه هوایی شعیبیه در بصره حمل گردید.

عراق که از قبل، اقدام به آماده سازی خود برای تجاوز به ایران اسلامی کرده بود در کنار اقدامات آتشباری و تجاوزات غیر رسمی، در دهه اول شهریور ماه همچنان به تقویت بنیه نظامی خود پرداخته. در ۵۹/۶/۶ پنج هلی کوپتر بزرگ اقدام به حمل سلاح و نیرو بین سلیمانیه و بیاره کرده و در ۵۹/۶/۸ با کارخانه‌های کشتی سازی ایتالیا برای مسلح کردن ۱۲ ناو جنگی خود به مذاکره پرداختند.

رژیم عراق و همدستان استکباری او همچنین اقدام به زمینه سازیهای سیاسی کرده و به آماده سازی افکار عمومی جهان پرداختند.

در ۵۹/۶/۴ عراق برای همراه کردن رژیم‌های وابسته عربی با خود، مسئله سه جزیره را مطرح کرده و در اختیار داشتن آنها توسط ایران را اشغال آن بوسیله جمهوری اسلامی و مخالفت با قوانین بین المللی اعلام کرد.

سه روز بعد یعنی در ۵۹/۶/۷ کیسینجر پیش بینی می نماید جنگ ظرف ۱۰ روز با پیروزی عراق پایان خواهد پذیرفت و بختیار نیز سقوط نظام اسلامی ایران را طی چند ماه آینده محقق اعلام می دارد.

اقدامات سیاسی، نظامی عراق باعث می گردد که در تاریخ ۵۹/۶/۹ دو کشور ایران و عراق کاردارهای یکدیگر را اخراج و دیپلماتهای خود را فراخوانند.

دهه دوم شهریور

در دهه اول و دوم شهریور بیشترین تهاجمات زمینی عراق متوجه جبهه‌های شمالی و میانی بود. همچنین اقدامات آماده سازی دشمن در شهریور ماه در جبهه‌های میانی و شمالی می باشد.

در دهه دوم شهریورماه، عراق به تجاوز محدود و رسمی خود نزدیک شد.

در تاریخ ۵۹/۶/۱۱ تمام پایگاههای نظامی و پاسگاههای مرزی خود در منطقه آذربایجان غربی، را تا شعاع ۲۰ کیلومتری را تخلیه کرده و نیروهایش را بسوی جبهه‌های کرمانشاه و خوزستان گسیل داشت.

با نزدیک شدن به زمان تجاوز خود در منطقه شمال، در اقدامی پیشگیرانه و احتمالاً جهت فریب نیروهای خودی، پاسگاهها و پالایشگاهها و شهر بصره در خاموشی فرو رفت.

در تاریخ ۵۹/۶/۱۶ موعده منظور فرا رسید، دشمن به منطقه خان لیلی در قصر شیرین حمله کرده و آنرا با ادعای ارضی به تصرف در آورد.

ارتش عراق پس از این تجاوز و در اقدامی فریبکارانه در ۵۹/۶/۱۷ به گارد مرزی خود در منطقه خرمشهر دستور جمع آوری مین‌های کار گذاشته را ابلاغ نمود، همچنین برای در امان ماندن اتباع عراقی از عکس‌العمل احتمالی نیروهای خودی، وزارت دفاع عراق با پرداخت وام به کلیه خانواده‌ها دستور احداث پناهگاه را داد.

در تاریخ ۵۹/۶/۱۹ بار دیگر ارتش عراق منطقه میمک را مورد حمله خود قرار داد، یک پاسگاه را به تصرف در آورد.

صدام حسین که مغرور از تصرف خان لیلی بوده و موفقیت خود را در میمک نیز محتمل می‌داند، اعلام می‌کند که مصمم است حتی یک وجب از خاک کشورش را که در اشغال ایران باشد از تصرف خارج کند، و در روز بعد یعنی ۵۹/۶/۲۰ مرزبان بصره از حضور برای مذاکره پیرامون مسائل مرزی امتناع ورزید.

دهه سوم شهریور:

در دهه سوم عراقیها با تکمیل اهداف خود در میمک و تصرف کامل ارتفاعات آن و پاسگاههای هلاله، انجیره و تپه شینو، ضمن آنکه در تاریخ ۵۹/۶/۲۲ تعداد هشت موشک سام در جبهه جنوب مستقر نمودند. معاون شورای انقلاب عراق (عزت ابراهیم الدوری) در تاریخ ۵۹/۶/۲۴ اعلام کرد که عملیات جنگی کشور ما برای باز پس گیری ۱۳۰۰ کیلومتر مربع خاک متعلق به عراق تا پایان هفته جاری پایان می‌یابد.

رژیم عراق با محدود اعلام کردن تجاوزات خود، در پی آن بود، ضمن انحراف افکار مسئولین جمهوری اسلامی، از بوجود آمدن بازتاب منفی در سطح جهانی برای تجاوز آنی و گسترده خود جلوگیری کند.

لذا در تاریخ ۵۹/۶/۲۵ تلویزیون عراق از کلیه سربازان منقضی خدمت درخواست کرد طی ۴ روز خود را به واحدهای مربوطه معرفی نمایند.

در ۵۹/۶/۲۶ دو لشکر زرهی در مرزهای خوزستان مستقر شده و نیروهای عراقی طی یک درگیری با نیروهای خودی، پاسگاه رشیدیه در سوسنگرد را به تصرف خود در آوردند. و رادیو بغداد نیز خبر از تصرف منطقه مرزی موسیان داد.

رژیم عراق در این روز طی اطلاعیه‌ای بر اساس تصمیم شورای فرماندهی، پیمان ۱۹۷۵ الجزایر را ملغی اعلام کرده و حاکمیت خود را بر اروندرود اعلام داشت.

در تاریخ ۵۹/۶/۲۷ مرخصی کلیه پرسنل گارد مرزی لغو گردید، در ۵۹/۶/۲۹ منطقه خانم شیخان در مریوان و در ۵۹/۶/۳۰ پاسگاههای گیسکه و چغاحمام در منطقه سومار و نفت شهر به تصرف عراق در آمد.

در تاریخ ۵۹/۶/۳۰ ستاد لشکر ۵ مکانیزه عراق به کلیه واحدهای تابعه، تا اطلاع ثانوی دستور سکوت رادیویی داد، و در روز بعد تجاوز گسترده و همه جانبه خود را به میهن اسلامی آغاز کرد.

قصر شیرین - شهریور ۱۳۵۹

در طول سال ۱۳۵۸ و نیمه اول سال ۵۹ بیشترین اقدامات عراق در مرزهای ایران، متوجه منطقه قصر شیرین بود. در شهریور ماه نیز این منطقه بیشتر حوادث را پشت سر گذاشت.

دشمن در آخرین ماه قبل از جنگ از دو محور شمال و جنوب قصر شیرین به پاسگاههای خودی حمله کرد. در نیمه اول شهریور اقدام قابل توجهی علیه پاسگاههای جنوبی صورت نگرفت، اما پاسگاههای شمالی از ۶/۵ تحت فشار قرار داشت. مقاومت نیروی خودی در پاسگاههای شمالی که عناصر پدافند کننده آن عمدتاً سپاهی بودند، مانع از موفقیت دشمن شد.

دشمن به طور متناوب در آن منطقه عملیات می کرد. در ساعت ۱۳ روز ۶/۲۲ با اجرای آتش انبوه جاده سرپل ذهاب - قصر شیرین به مدت ۲ ساعت بسته شد. در ۶/۲۸ در اثر آتش دشمن پاسگاه هدایت به کلی منهدم گردید.

در عین حال دشمن در شمال قصر شیرین نتوانست زمینی را تصرف کند. تلاش دشمن در محور جنوبی از ۶/۱۵ آغاز شد. هدف تصرف خان لیلی بود. این منطقه که ۱۵ کیلومتر از مرز را دربر می گرفت به جهت استعداد اندک نیروهای مستقر در آن بدون دشواری توسط عراق تصرف شد.

دو روز پس از آن پاسگاه تنگاب کهنه در شمال خان لیلی، از دشمن پس گرفته شد و نیز در ۶/۲۹ برای عقب راندن دشمن از خان لیلی اقدام شد ولی بی نتیجه ماند.

تثبیت دشمن در خان لیلی، موقعیت را برای گسترش منطقه اشغالی بهبود بخشیده بود. لذا می‌کوشید با تصرف مجدد تنگاب کهنه و اشغال پاسگاههای تنگاب نو و ولدکشته خط پدافندی خود را به قصر شیرین نزدیک سازد. در ۶/۲۲ با اتکا به زرهی به تنگاب کهنه و به تنگاب نو حمله کرد که عقب رانده شد اما در ۶/۲۳ توانست سنگرهای پاسگاه ولدکشته را با انبوه آتش تخریب کند.

همزمان با حمله به پاسگاههای مرزی، دشمن مناطق مسکونی را نیز هدف قرار می‌داد. روستاهای کلانتر و برج احمدی در ۱۳ و ۱۷ شهریور با توپ گلوله باران شدند، شهر قصرشیرین نیز طی ۲۴ روز ۸ بار گلوله باران شد.

مقر سپاه، هنگ ژاندارمری، مقر ارتش، شرکت نفت و منازل مسکونی هدف توپخانه دشمن بود. در این مدت ضمن خسارت دیدن مخازن نفت و تعطیلی شرکت نفت، مردم و نظامیان، شهید و مجروح شدند. در ۶/۳۰ عراق شدیدترین حملات خود را اجرا کرد و شبانه، در ساعت ۲۱، بیش از ۲۰۰ گلوله توپ بر سر مردم ریخت.

همراه با اقدامات ارتش عراق، ضد انقلاب نیز از همکاری با دشمن کوتاهی نمی‌کرد. در ۶/۵ در مسیر جاده روستای هذیره (هویزه) به یک اتومبیل شخصی که دارای سه سرنشین بود کمین زده شد، یکنفر به شهادت رسید، یکنفر مجروح شد و راننده به همراه اتومبیلش به گروگان رفت. در ۶/۲۵ نیروهای ضد انقلاب به شهر نفوذ کرد و به مقر فرماندهی سپاه شبیخون زد. این عملیات شبانه ساعت ۲ تا ۴ بامداد اجرا شد.

ضایعات انسانی خودی شامل ۱۶ نفر شهید و ۱۳۱ نفر مجروح و ۱ نفر گروگان بود.

سرپل ذهاب - شهریور ماه ۱۳۵۹

اندکی پس از شروع انقلاب، امنیت منطقه دشت ذهاب و شهر سرپل ذهاب توسط گروههای سلطنت طلب و طرفداران رژیم پهلوی، سلب گردید. این اقدام در طول ماههای اول انقلاب تا شروع جنگ ادامه داشت. در شهریور ماه نیز گروه مزبور اقداماتی کرد که همگی بنفع رژیم عراق بود. از حمله در ۵۹/۶/۵ در ۷ کیلومتری گردنه پاتاق، بر سر جاده اسلام آباد - سرپل ذهاب کمین گذاشت، راه اتومبیلها را مسدود کرد، ۲ نفر از مردم بومی را به شهادت رساند و یک نفر را مجروح کرد و

نیز در ۵۹/۶/۲۱ فرمانده سپاه سرپل ذهاب را که به گروگان گرفته بود، اعدام کرد. علاوه بر اقدامات مستقیم ضد انقلاب، عملیات مشترک با عراق نیز چندین بار به وقوع پیوست. اولین عملیات آنها در ۵۹/۶/۱۱ در تنگه هوان، ترشابه، تپه رش و تپله کوه بود که در نتیجه آن ۳ نفر شهید و ۳ نفر مجروح شدند. فردای آنروز و به دنبال بازدید صدام حسین از پایگاه ارتش عراق در منطقه دربندیخان، عملیات اجرای آتش روی پاسگاههای مرزی شدت گرفت و ۸ روز پی در پی ادامه داشت. طی این مدت ضد انقلاب نیز امنیت منطقه را از نیروهای خودی سلب می کرد. آخرین اقدام ارتش عراق در این جبهه ۵۹/۶/۱۴ بود که طی آن آتش سنگینی بر روی پاسگاههای خودی اجرا شد و یک شهید و ۵ مجروح بجای گذاشت و از آن روز تا ۵۹/۶/۳۰ حادثه‌ای در آن منطقه ثبت نشده است و روز ۶/۳۰ تمام مرز کرمانشاه از باووسی تا پاسگاه بازرگان، تحت هجوم دشمن بود. ضایعات انسانی خودی شامل ۷ نفر شهید و ۹ نفر مجروح بود.

نوسود - شهریور ۵۹

ارتش عراق به جهت فعالیت حزب دمکرات کردستان ایران در منطقه پاوه و نوسود و ایجاد مزاحمت برای نیروهای خودی، سرمایه گذاری در آن منطقه را ضروری نمی دید. در عین حال برای پشتیبانی از ضد انقلاب در ۵۹/۶/۷ نزدیک به دو گردان نیرو در مرز نوسود مستقر کرد. همچنین در ۵۹/۶/۲۶ بعنوان حمایت از عملیات ضد انقلاب یک بیمارستان صحرایی در روستای سازان تشکیل داد و در ۵۹/۶/۲۹ به منطقه شیخان تجاوز کرد و ضمن ۵ کیلومتر پیشروی آن منطقه را اشغال کرد. در این منطقه زمین به وسعت ۲۵ کیلومتر مربع به تصرف دشمن در آمد.

سومار شهریور ۱۳۵۹:

دشمن از اوایل شهریور ۵۹ خود را برای اشغال ارتفاعات مهم گیسکه در غرب سومار آماده می نمود، اقدامات دشمن در دهه اول شهریور عمدتاً شناسایی هوایی بود، در روزهای اول دهه دوم ۶/۱۳ دو گردان زرهی با استعداد ۹۰ تانک در غرب سومار مستقر شد. چهار روز بعد ۷ فروند هلی کوپتر دشمن به آسمان سومار تجاوز کرد. ولی تنها ۶ فروند آنها سالم بازگشت و ۱ فروند دیگر سقوط کرد. فردای آنروز پاسگاههای مرزی سومار با توپخانه عراق گلوله باران شد. این اقدام در روزهای بعد نیز تکرار شد. یک روز پس از آغاز عملیات اشغال میمک، یک گروهان تانک در

مقابل پاسگاه بازرگان و کانی شیخ مستقر شد. پس از اشغال ارتفاعات میمه، منمک و تپه شینو نیز پاسگاه بازرگان زیر آتش توپخانه قرار گرفت. روز ۶/۲۷ اوج اقدامات دشمن بود. در آن روز ۵ پاسگاه مرزی بازرگان، کانی شیخ، گیسکه، میان تنگ و سانوپا زیر آتش توپ قرار داشت. در این بین شهر سومار نیز از آتش دشمن بی نصیب نبود و ۸ روز قبل از اشغال گیسکه شهر سومار گلوله باران شد. همچنین سه روز قبل از اشغال گیسکه، گلوله‌های توپ دشمن بر سر روستائیان اطراف سومار فروریخت. در ۶/۲۹ منطقه بمباران سختی را تحمل کرد، ۸ الی ۱۱ جنگنده عراقی طی ۴ بار تک هوایی، متناوباً اطراف سومار را به راکت بستند. سی‌ام شهریور در حالیکه در سرتاسر مرز استان کرمانشاه، از سرپل ذهاب تا سومار، با حملات دشمن مقابله می‌شد، ارتفاعات گیسکه سقوط کرد. با اشغال گیسکه دشمن به دره میان تنگ و دشت سومار مسلط شد. در این منطقه زمینی به وسعت ۱۱ کیلومتر مربع به تصرف دشمن درآمد.

ضایعات انسانی خودی شامل ۲ نفر مجروح بود.

نفت شهر شهریور ۵۹:

نفت شهر دهه اول شهریور را بدون حادثه قابل توجهی پشت سر گذاشت، ولی در ۵۹/۶/۱۳، سه پاسگاه مرزی سه تپان، چغاشیرکه و سلمان کشته زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت. سپس یگانهای زرهی دشمن با پیشروی به سمت پاسگاههای سلمان کشته و سه تپان، به نیروهای خودی نزدیک شدند.

در روز ۵۹/۶/۱۸ یک گردان چترباز به استعداد ۳۰۰ نفر، توسط ۱۲ فروند هلی‌کوپتر در نقاط حساس پیاده شدند. همچنین در آن روز ۴ فروند هلی‌کوپتر توپدار به مواضع خودی حمله کرد که دو فروند آن هدف قرار گرفت و یکی از آنها ساقط شد. روز ۵۹/۶/۲۱ عملیات دشمن با نیروهای پیاده آغاز شد و ۲ روز ادامه داشت، در این مدت ۸ نفر به شهادت رسیده و ۴ نفر مجروح شدند در ۶/۲۳ دشمن با هواپیما و هلی‌کوپتر مواضع خودی را هدف قرار داد و فردای آن، شهر و دو پاسگاه گمرک نو و ژاله پناه هدف آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و ساختمان بهداری و چند ساختمان مسکونی در شهر تخریب شد. در ۶/۲۷ بار دیگر پاسگاه سلمان کشته هدف توپخانه قرار گرفت. ۶/۲۹ چهار هلی‌کوپتر توپدار که قصد داشتند به شهر حمله کنند در اثر آتش ضد هوایی خودی متواری شدند. تلاش دشمن طی ۱۷ روز برای تصرف شهر بی نتیجه مانده بود. لذا به تصرف پاسگاه

جفاحمام اکتفا کرد. از کمبود نیرو در آن پاسگاه سوء استفاده کرده و با اشغال جفاحمام، منطقه اشغال شده در جنوب خان لیلی و شمال نفت شهر را گسترش داد.

ضایعات انسانی خودی شامل ۸ نفر شهید و ۴ نفر مجروح و در این منطقه زمینی به وسعت ۳۵ کیلومتر مربع به تصرف دشمن در آمد.

صالح آباد - شهریور ۱۳۵۹:

منطقه صالح آباد به جهت ارتفاعات میمک از اهمیت نظامی خاصی برخوردار است. عمده اقدامات دشمن در این جبهه به منظور اشغال میمک انجام گردید. حتی حوادث پس از اشغال میمک نیز به منظور افزایش تحکیم مواضع در میمک تلقی می شود.

از ۵۹/۶/۲۲ دشمن به تقویت نیرو در مرز پرداخت و از ۶/۱۳ عملیات اجرای آتش را آغاز کرد و این عملیات تا ۶/۱۷، ۳ شهید و ۴ مجروح بجای گذاشت که از این تعداد ۴ نفر غیر نظامی، ۱ نفر از عشایر و ۲ نفر سرباز بودند. از ۶/۱۹ عملیات اشغال میمک آغاز شد و مدت ۷ روز ادامه داشت در این دوره پایگاه نخجیر بمباران گردید.

پس از سقوط میمک، دشمن قصد تصرف پاسگاه شور شیرین و کانی سخت کرد و در ۶/۲۶ نیروهای گشت خودی در منطقه کانی سخت هدف آتش دشمن قرار گرفتند. یک روز بعد، پیشروی دشمن از انتهای ارتفاع کانی سخت، به سمت ارتفاعات پلکانه، تک تک مشکی و چک سرخ پیش بینی شد. با این اقدام ضمن محاصره شور شیرین و تصرف آن، دشمن منطقه جنوب میمک را پوشش می داد. لیکن یک روز پس از این حادثه عملیات حسین بن علی (ع) روی داد. در آن عملیات تعداد قابل توجهی از نیروهای دشمن اسیر شد و علیرغم آنکه منطقه آزاد شده تثبیت نگردید، ولی آسیب پذیری دشمن اثبات شد.

در فردای آن روز ۶/۲۹ دشمن مواضع خود را در تپه شینو با ۱۳ دستگاه تانک و افراد پیاده تحکیم بخشید. ولی این اقدام، خودی را از هجوم به تپه شینو باز نداشت و در ۶/۳۰، به قصد آزادی تپه شینو عملیات شد و بار دیگر پاسگاه انجیره آزاد گردید.

ضایعات انسانی خودی شامل ۳۳ نفر شهید و ۶۳ نفر مجروح و در این منطقه زمینی به وسعت ۲۱۰ کیلومتر مربع به تصرف دشمن در آمد.

دهلران - موسیان شهریور ۵۹:

اقدامات عراق برای تصرف ارتفاعات مرزی واقع در غرب دهلران از نیمه دوم شهریور جدی شد. بدین ترتیب عراق طی روزهای ۱۵ تا ۲۶ شهریور به تقویت یگانهای خود در این منطقه پرداخت به طوری که تا آن تاریخ یک تیپ زرهی از لشکر ۱۰ در آن منطقه مستقر شده بود. همزمان با تقویت نیرو و بلاش مهندسی، اقدامات عملیاتی دشمن آغاز شد، دشمن در دو محور تلاش می کرد. تصرف پاسگاه چیلات و بیات ۲ هدف دشمن در این عملیات بود. دشمن از ۶/۱۴ پاسگاههای مرزی را زیر آتش گرفت و از ۶/۱۹ یگانهای زرهی و پیاده خود را با استعدادهای کوچک وارد عملیات کشد.

در ۶/۲۴ در اثر مین گذاری یک ماشین ارتش روی مین رفته و یک سرباز مجروح شد. نیروی پیاده دشمن در محور چیلات از ۶/۱۷ آرام آرام پیشروی به سوی پاسگاه را شروع کرد. استعداد دشمن در این منطقه دو دسته بود. نیروی خودی در برابر دشمن مقاومت می کرد. این روند تا ۵۹/۶/۳۰ ادامه داشت. در این روز پاسگاه چیلات بدست دشمن افتاد.

در محور پاسگاه بیات، روز ۵۹/۶/۲۵ ساعت ۸،۳۰ پاسگاه با سلاح سبک و سنگین مورد هجوم قرار گرفت، پرسنل پاسگاه و نیروهای بسیجی مستقر در تاسیسات چاه نفت ۵۸ به دفاع پرداختند و دشمن را عقب راندند. در این ماجرا ۲ نفر بسیجی مجروح شدند.

فردای تهاجم دشمن ۶/۲۶ رادیو بغداد اعلام کرد: ارتش عراق در نبردی سریع موسیان را تصرف کرده است.

در عصر همان روز، نیروهای خودی به منظور بیرون راندن دشمن از غرب پاسگاه بیات حمله جدیدی کردند و به دشمن آسیب رساندند. ولی علیرغم آسیب دیدگی سه روز بعد تک مجدد عراق آغاز شد. در ۵۹/۶/۲۹ ساعت ۳ بامداد به پاسگاه بیات حمله کرد. تک دشمن ابتدا با مقاومت خودی دفع گردید. اما مجدداً دشمن در ساعت ۹،۳۰ تک کرد و پاسگاه بیات را تصرف نمود. در این عملیات دو نفر از نیروهای بسیجی مجروح شدند. سقوط پاسگاه بیات در حالی بود که لشکر ۱۰ زرهی عراق آماده شرکت در هجوم سراسری شده بود و در فردای آن روز یگانهای تانک و پیاده در منطقه عمومی پاسگاه بیات مستقر شدند.

همچنین در آن روز در ۲۰ کیلومتری پاسگاه بیات لوله انتقال نفت منفجر شد و به آتش کشیده شد.

ضایعات انسانی خودی شامل ۵ نفر مجروح و در این منطقه زمینی به وسعت ۳۵۰ کیلومتر مربع به تصرف دشمن در آمد.

چزابه - فکه شهریور ۱۳۵۹:

مناطق فکه و چزابه از نظر نظامی مناطق قابل توجهی است. وجود تپه‌های رملی در شمال چزابه و جنوب فکه، موقعیت خاصی به این زمین بخشیده است. این منطقه دارای چندین پاسگاه است که اکثراً توسط پاسداران و ژاندارمری حفاظت می‌شد. فکه معبر ارتش عراق برای تجاوز به دزفول و شوش و چزابه معبری بر روی دستیابی به بستان، سوسنگرد و سپس اهواز محسوب می‌شد.

در محور فکه، دشمن از نیمه دوم شهریور ماه، تلاش خود را در زمینه مهندسی و تقویت نیرو آغاز کرد و از ۶/۲۵ به پاسگاه فکه هجوم آورد. عملیات دشمن عمدتاً شامل اجرای آتش توپخانه و تیر مستقیم تانک بود.

حداقل یک گردان مکانیزه روبروی فکه استقرار داشت و نیروی خودی با امکانات اندک از مواضع خود پاسداری می‌کرد. اقدام بعدی دشمن در ۶/۲۷ واقع شد، آن یک روز تاریخی بود. هواپیماهای خودی به حمایت از پاسگاه فکه به پراز در آمده بودند. هواپیماهای دشمن نیز در منطقه مقابل، نبرد می‌کردند. این حادثه سقوط یک فروند میگ دشمن را در پی داشت. در این روز دو پاسگاه دوبرج و سمیده نیز که در شمال و جنوب پاسگاه فکه احداث شده بود، در برابر تهاجم دشمن مقاومت می‌کرد. پاسداران که در ۶/۲۴ با ۷ ساعت مقاومت پاسگاه سمیده را حفظ کرده بودند و در ۲۵ و ۶/۲۶ موقعیت خود را تثبیت کردند.

پس از حادثه بیست و هفتم ۳ روز دیگر فکه مقاومت کرد. ولی بالاخره یک روز پس از شروع هجوم سراسری دشمن سقوط کرد.

ضایعات انسانی خودی شامل ۱ نفر شهید و ۱۴ نفر مجروح و در این منطقه زمینی به وسعت ۵ کیلومتر مربع به تصرف دشمن در آمد.

فصل سوم

تهاجم، توقف و تثبیت ارتش عراق

اهداف نظامی عراق

توضیح و تشریح اهداف نظامی عراق تا اندازه‌های دشوار و پیچیده است که علاوه بر محدودیت منابع، اساساً به دلیل نواقص و کاستی‌های آشکار در رفتار نظامی ارتش عراق می‌باشد. به عبارت دیگر میان تلاش‌های نظامی ارتش عراق با سخنان و موضع رهبران و مسئولان سیاسی این کشور و ماهیت تهاجم آنها به ایران نوعی شکاف به چشم می‌خورد. در عین حال نظر به اهمیت و ارزش سیاسی - استراتژیک منطقه خوزستان، بخش اساسی اهداف عراق از جنگ، در این منطقه قابل تأمین و تحقق بود. این اهداف عبارت بود از*:

- ۱- اشغال شهرهای مرزی که بعضاً عرب زبان بودند، به منظور ایجاد تحرک قومی و فراهم سازی اوضاع مناسب برای تجزیه استان خوزستان.
 - ۲- تصرف و اشغال اهواز برای مختل کردن سیستم اداری و اقتصادی منطقه جنوب و تجزیه استان.
 - ۳- قطع جاده مواصلاتی اهواز - اندیمشک از شمال به جنوب به منظور فراهم سازی وضعیت مناسب برای تصرف و اشغال بخشی از شهرها و مناطق استان خوزستان.
 - ۴- تسلط بر جزیره آبادان برای تسهیل تسلط عراق بر رودخانه اروندر پس از لغو قرارداد ۱۹۷۵.
- همچنین برخی از شهرها و مناطق حیاتی، از جمله پایگاه هوایی دزفول، مناطق مهم نفتی اهواز، بندر امام خمینی و تاسیسات انرژی اتمی به طور طبیعی در برد آتش توپخانه عراق قرار می‌گرفت.
- در جبهه میانی، شامل منطقه دهلران تا شمال تنگه باویسی از مرز استان ایلام و باختران (کرمانشاه)، اهداف عراق عبارت بود از:
- ۱- پشتیبانی از عملیات در جبهه جنوب.
 - ۲- توسعه پدافند از بغداد و تعمیق مرزهای شرقی با دور کردن نیروهای ایران از مقابل بغداد**.

* این بحث بر اساس نظرات سردار رضایی تهیه و تنظیم شده است.

** برابر منابع موجود، استراتژی ایران و عراق در گذشته به این صورت بود که عراق همواره در موضع پدافند از بغداد و آفند به منطقه خوزستان قرار داشت. متقابلاً ایران در موضع پدافند در جنوب و آفند در برابر بغداد قرار داشت. در نتیجه هدف عراق پدافند از بغداد با عمق بخشیدن به مواضع دفاعی موجود و دور کردن قوای نظامی ایران از بغداد بود.

در منطقه شمال غرب، عراق با نگرانی از معابر وصولی مریوان - پنجوین و نوسود - حلبچه، یک لشکر برای تامین کرکوک و کنترل معارضان کرد عراقی آرایش داده بود. رژیم صدام با اتکا به نیروهای ضد انقلاب، در این منطقه دو هدف را دنبال می کرد:

۱- پشتیبانی از عملیات در جبهه جنوب با درگیر نگاه داشتن بخشی از نیروهای ایران.

۲- فراهم سازی زمینه های لازم برای تجزیه کردستان و ارومیه با حمایت از نیروهای ضد انقلاب.

استعداد و گسترش ارتش عراق

ارتش عراق قبل از تهاجم به خاک جمهوری اسلامی از استعداد زیر برخوردار بود:
الف) نیروی زمینی

- سپاه یکم در محور شمالی که مقر آن کرکوک بود و لشکرهای دوم پیاده کوهستانی، لشکر چهارم پیاده کوهستانی و لشکر هفتم، هشتم و یازدهم را تحت امر خود داشت.

- سپاه دوم در محور میانی که مقر آن بغداد بود و لشکرهای سوم زرهی، ششم زرهی و دهم زرهی را تحت امر خود داشت.

- سپاه سوم در محور جنوبی که مقر آن در ناصریه بود و لشکرهای یکم پیاده مکانیزه، پنجم پیاده مکانیزه و نهم زرهی را تحت امر خود داشت.

- لشکر دوازدهم زرهی که قبل از شروع جنگ وابسته به ستاد کل بود.

- تیپ های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص که با شروع جنگ تحت امر سپاه سوم قرار گرفتند.

- تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری.

- فرماندهی نیروهای گارد مرزی.

«چندین گردان دفاع الواجبات در مقرهای سپاهها و نیروی دریایی و نیروی هوایی».

بنابراین، نیروی زمینی دشمن در آغاز تجاوز شامل دوازده لشکر متشکل از پنج لشکر زرهی، دو لشکر مکانیزه و پنج لشکر پیاده و همچنین سه تیپ نیروی مخصوص و نیروهای گارد ریاست جمهوری و نیروهای گارد مرزی که در حدود بیست تیپ مرزی بود.

ضمناً استعداد نیروهای جیش الشعبی عراق در حدود نیم میلیون نفر برآورد می‌شد که تا سقف یک میلیون نفر قابل افزایش بود.

(ب) نیروی هوایی

سازمان نیروی هوایی ارتش عراق متشکل از ۹ پایگاه هوایی، ۱۴ اسکادران هواپیمای شکاری - بمب افکن و ترابری بود.

تعداد هواپیماهای نظامی عراق ۳۶۶ فروند و تعداد هلی‌کوپترهایش ۴۰۰ فروند بود. همچنین نیروی هوایی عراق دارای ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی و چند تیپ موشکی زمین به هوا بود.

(ج) نیروی دریایی

نیروی دریایی عراق در دو پایگاه اصلی در بصره و ام‌القصر استقرار داشت. در بصره تیپ ۷۷ متشکل از تعدادی مین روب و چهار کشتی کوچک پیاده کننده نیرو و در ام‌القصر تیپ هفتم دریایی متشکل از قایق‌های موشک انداز.

رژیم عراق برای تامین اهداف نظامی، تهاجم خود را با سازمان زیر آغاز کرد:^{*}
سپاه یکم در جبهه شمالی با دو لشکر ۱۱ و ۷ پیاده و با بهره‌گیری از نیروهای ضد انقلاب.

سپاه دوم در جبهه میانی با لشکرهای ۶ و ۱۲ زرهی، ۴ و ۲ و ۸ پیاده و تیپ ۳۲ نیروی مخصوص.

سپاه سوم در جبهه جنوبی با لشکرهای ۱ و ۵ مکانیزه، ۳ و ۹ و ۱۰ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص.

استراتژی عملیاتی ارتش عراق

الف) جبهه جنوب

تلاش اصلی ارتش عراق به همراه بیشتر نیروهای نظامی خود در منطقه جنوب متمرکز بود، بدین شکل که ارتش عراق در این منطقه برای رسیدن به اهداف خود در نظر داشت با تکیه بر عوارض و موانع طبیعی از دست‌آوردهای نظامی خود دفاع کند. حدود احتمالی خط حد نهایی عراق در این منطقه از شمال خوزستان به ارتفاعات شمال جاده دزفول و دهلران محدود می‌شد. همچنین در شرق، وجود رودخانه کرخه و موانع طبیعی بین دو رودخانه کرخه و دز و تنگه ۱۰ الی ۱۲

^{*} این بخش از بحث با استفاده از مقالات نگاهی گذرا به جنگ هشت ساله، داود رنجبر، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نوشته شده است.

کیلومتری، امکان مسدود کردن راه‌های ارتباطی استان خوزستان با استان‌های شمالی آن را برای عراق فراهم می‌ساخت. همچنین در شمال غربی اهواز با تصرف تپه‌های فولی آباد، یک سرپل در پشت رودخانه کارون تصرف می‌کرد و از طریق آن، اهواز را در کنترل عملیاتی قرار می‌داد. در امتداد این خط، عراق در غرب رودخانه کارون پدافند و دو شهر خرمشهر و آبادان را تصرف می‌کرد.

عراق در نظر داشت ضمن حمله غافلگیرانه به پایگاه‌های هوایی و نابودی و از کار انداختن آنها، وضعیت مناسب را برای پیشروی یگان‌های زمینی در عمق خاک ایران به منظور اشغال شهرهای اصلی، تنگه‌ها و ارتفاعات حساس و اشغال مناطق نفت‌خیز خوزستان فراهم نماید.

ارتش عراق تهاجم خود را عمدتاً با استفاده از راه‌ها و معابر وصولی به منظور تامین اهداف نظامی و عملیاتی، طرح ریزی کرد. طرح مانور سپاه سوم عراق بر اساس اهداف و معابر وصولی منطقه به شرح زیر بود:

۱) محور فکه - شوش - دزفول

لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق مأموریت داشتند با استفاده از معابر وصولی منطقه، شامل دو معبر فکه - دوسلک - جسر نادری - دزفول* و شرهانی - عین خوش - جسر نادری - دزفول* با عبور از رودخانه کرخه و قطع جاده اهواز - اندیمشک، محاصره اهواز از شمال و دزفول از جنوب را کامل کنند.

۲) محور چزابه - سوسنگرد - اهواز

لشکر ۹ زرهی مأموریت داشت تا با عبور از معبر وصولی تنگه چزابه، با تصرف شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه به سمت شهر اهواز پیشروی نماید. این معبر و نیز محور نشوه - طلائی - جفیر با هدف تصرف اهواز طرح ریزی شده بود.

۳) محور نشوه - جفیر - اهواز

لشکر ۵ مکانیزه مأموریت داشت ضمن پاکسازی جاده اهواز - خرمشهر و قطع آن و محاصره خرمشهر از شمال، با حرکت به سمت اهواز، محاصره این شهر را تکمیل و با لشکر ۹ زرهی در شهر اهواز الحاق نماید.

۴) محور شلمچه - خرمشهر - آبادان

لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص عراق مأموریت داشتند ضمن محاصره و تصرف خرمشهر، با عبور از رودخانه کارون، شهر آبادان را محاصره و سپس اشغال نمایند.

ب) جبهه میانی

مانور سپاه دوم عراق در جبهه میانی علاوه بر پشتیبانی از عملیات جنوب، عمدتاً بمنظور تامین بغداد طرح‌ریزی شده بود. در صورت تامین تنگه پاتاق در عمق ۵۰ کیلومتری خاک جمهوری اسلامی، ارتش عراق قادر به تامین بغداد و دور نگاه‌داشتن نیروهای ایران از این منطقه بود، برای همین مانور ارتش عراق در جبهه میانی از سه محور طرح‌ریزی شده بود:

۱) محور قصرشیرین - سرپل ذهاب - تنگه پاتاق

مانور این محور به عنوان مهمترین بخش عملیات در جبهه میانی با سه لشکر طرح‌ریزی شده بود، بدین شکل که لشکر ۶ زرهی از محور قصرشیرین با تصرف این شهر به سمت سرپل ذهاب و تنگه پاتاق پیشروی می‌کرد. لشکرهای ۶ زرهی از دو جناح با لشکر ۴ و ۸ پیاده حمایت می‌شد. لشکر ۸ پیاده در شمال قصرشیرین با هدف دشت ذهاب و شهر سرپل ذهاب و لشکر ۴ پیاده در جنوب قصرشیرین به سمت گیلان غرب، جناح راست را حفظ می‌کرد.

۲) محور مندلی - سومار - نفت شهر

لشکر ۱۲ زرهی در این محور مأموریت داشت که منطقه را تامین و تصرف نماید.

۳) محور مهران

لشکر ۲ پیاده، مأموریت داشت ضمن تصرف شهر مهران و ارتفاعات مشرف به منطقه، این بخش را تامین نماید.

ج) جبهه شمالی

در جبهه شمالی، سپاه یکم با دو لشکر ۷ و ۱۱ مأموریت داشت ضمن حفاظت از منطقه و کنترل معارضان عراقی، نیروهای ضد انقلاب را به منظور تجزیه کردستان و بخشی از آذربایجان غربی، تجهیز، تقویت و پشتیبانی نماید. در عین حال سپاه یکم به عنوان احتیاط ارتش عراق نیز محسوب می‌شد.

هجوم سراسری

اگر چه جنگ از مدت‌ها پیش و با تعرضات زمینی، هوایی و دریایی عراق عملاً شروع شده بود و طی آن دوران برخی از نقاط مرزی به اشغال ارتش عراق درآمد، اما تهاجم سراسری و رسمی دشمن در روز ۵۹/۶/۳۱ آغاز شد. در این روز

عراق با بکارگیری یگان‌های زمینی خود و با پشتیبانی گسترده آتش توپخانه و بمباران‌های وسیع هوایی، مرزهای بین‌المللی را پشت سر گذاشت و سرزمین ایران را مورد تجاوز قرار داد.

به این ترتیب جنگ طولانی بین دو کشور ایران و عراق در گرفت، و در حقیقت جنگ بین انقلاب اسلامی و دشمنان جهانی آن. این جنگ با تمام جنگ‌های منطقه‌ای که تا کنون رخ داده است متفاوت بود. توافق همه قدرت‌های جهانی بر حمایت مطلق از یک طرف (عراق) و مقاومت فوق‌تصور طرف مقابل (جمهوری اسلامی ایران) با امکانات اندک از جمله تفاوت‌های این جنگ با سایر جنگ‌ها بود. در روزهای اول جنگ، پاسگاه‌های مرزی جمهوری اسلامی که با نیروی اندک سپاه و تجهیزات ناچیز ژاندارمری حفاظت می‌شد و عموماً طی دوران قبل از جنگ مکرراً هدف تجاوزات عراق قرار گرفته بود، علی‌رغم مقاومت‌های به یاد ماندنی، سنگرهایشان فرو ریخت و با سقوط پاسگاه‌های خودی یگان‌های ارتش عراق وارد خاک ایران شدند.

در محورهایی که ارتش عراق مجبور به عبور از شهرها نبود با مانع عمده‌ای روبرو نشد. ولیکن از آن جهت که تمام محورهای هجوم، دشمن متکی به مناطق غیر مسکونی و دشت نبود و بعضاً می‌بایست از شهرها عبور کنند در هنگام عبور از شهرها با مشکل مواجه شد.

روحیه انقلابی مردم در شهرها و تشکیلات سپاه در شهرهای مزبور قدرت ویژه‌ای را به نیروهای خودی می‌بخشید و خود به خود سبب تشکیل نیروی مقاومت متشکل از مردم، سپاه و آن دسته از نیروهای ارتش که در شهرها حضور داشتند، شد. عبور عراق از شهرها اگر چه متکی به توان فوق‌العاده نظامی بود و با توانی چند برابر خودی وارد نبرد شده بود اما کارساز نیفتاد و نیروی خودی قدرت دشمن را خنثی کرد. به عبارت دیگر پتانسیل انقلابی سبب گردید که برتری نظامی عراق خنثی شده و ماشین دشمن کارایی خود را از دست بدهد و ناهماهنگ شود و در نهایت منجر به توقف دشمن قبل از دستیابی به هدف نهایی گردد از آنجا که هرگونه کندی در حرکت نظامی به استراتژی جنگ سریع آسیب وارد می‌کرد دشمن مجبور شد استراتژی خود را عوض کند.

ارتش عراق - پیشروی تا تثبیت

در جبهه جنوبی، لشکر ۱۰ زرهی ارتش عراق پس از چهار روز^{*} پیشروی در منطقه غرب رودخانه کرخه، توانست بدون مواجه شدن با مقاومت جدی و تعیین کننده، نیروهایش را در پشت رودخانه کرخه مستقر نماید. نیروهای لشکر ۱ مکانیزه عراق نیز از معبر وصولی فکه به سمت شوش پیشروی کردند که مقاومت نیروهای تیپ ۳۷ زرهی شیراز به همراه نیروهای بسیجی و سپاهی از سرعت آنها کاست طوری که پس از یک هفته، در پشت رودخانه کرخه متوقف شدند در حالی که هیچ گونه مانعی برای پیشروی و عبور آنها وجود نداشت.

در محور چزابه به سمت اهواز، لشکر ۹ زرهی دشمن با تصرف شهرهای بستان و سوسنگرد به سمت شهر اهواز پیشروی کرد. در این محور علاوه بر نیروهای شهید غیور اصلی موجب گردید که نیروهای عراقی از اطراف حمیدیه عقب نشینی کنند و خارج از شهر سوسنگرد در مواضع جدید مستقر شوند.

در محور طلائییه - نشوه به سمت اهواز، نیروهای عراقی که تیپ یکم از لشکر ۹۲ زرهی اهواز را در برابر خود داشتند، به سهولت به سمت اهواز پیشروی کردند و با قطع جاده خرمشهر - اهواز در حوالی ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهر استقرار یافتند و موفق به الحاق با لشکر ۹ زرهی در غرب شهر اهواز نشدند.

لشکر ۳ زرهی عراق پس از ۱۹ روز تلاش ناموفق تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای تصرف خرمشهر، سرانجام با عبور از رودخانه کارون و سپس رودخانه بهمنشیر، به محاصره خرمشهر و آبادان اقدام کرد. در این محور، علاوه بر گردان ۱۵۱ دژ عمدتاً نیروهای مردمی و سپاه در خرمشهر به مقاومت مبادرت نمودند و همین امر منجر به تاخیر در حرکت لشکر ۳ برای عبور از رودخانه کارون و نهایتاً شکست و ناکامی نیروهای عراقی در این محور شد.

بنابراین عراقی‌ها نتوانستند راه مواصلاتی منطقه جنوب را از شمال به جنوب قطع و شهر اهواز را تصرف کنند و آبادان را پس از محاصره به اشغال درآورند. مقاومت‌های مردمی، موانع طبیعی همچون رودخانه‌های کرخه و کارون و بهمنشیر در کندی پیشروی نیروهای عراق نقش موثری داشت.

^{*} در منابع منتشره برادران ارتش، مدت پیشروی عراق در این منطقه ۷ روز نوشته شده است ولی اسرای عراقی از جمله برخی از فرماندهان لشکر ۱۰ زرهی عراق، زمان چهار روز را مورد تاکید قرار می‌دهند.

در جبهه میانی نیروهای دشمن نتوانستند تنگه پاتاق را تصرف و تامین نمایند، حال آنکه هسته اصلی ماموریت عراق در جبهه میانی اجرای همین ماموریت بود که تامین نشد.

در منطقه شمال غرب به دلیل حضور ضد انقلاب، ارتش عراق تحرک خاصی از خود نشان نداد. در این جبهه با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه، محدود بودن اهداف و وجود ارتفاعات زیاد و تنگه‌های مختلف، ارتش عراق با تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه براحتی اهداف خود را تامین کرد.

لشکر ۶ زرهی عراق در محور قصرشیرین و سرپل ذهاب با اتکا بر جاده آسفالت، برای پاکسازی و محاصره شهرهای قصرشیرین و سرپل ذهاب از دو جناح اقدام کرد. علی‌رغم مقاومت نیروهای خودی در قصرشیرین، محاصره این شهر منجر به عقب نشینی و اسارت برخی از آنها شد. لشکر ۸ پیاده دشمن در شمال قصرشیرین از محور دشت ذهاب وارد منطقه شد تا علاوه بر تامین جناح چپ سپاه دوم عراق، در ازگله تا پل دوآب به سمت سرپل ذهاب پیشروی نماید. لشکر ۴ پیاده دشمن نیز در جنوب قصرشیرین ماموریت تصرف شهر گیلان‌غرب را برعهده داشت.

لشکر ۸ پیاده در همان روز اول هجوم وارد دشت ذهاب شد و سپس از دومحور به سمت سرپل ذهاب و ازگله پیشروی کرد. لشکر ۶ نیز هرچند موفق به تصرف شهر قصرشیرین و پیشروی به سمت سرپل ذهاب شد، لیکن به دلیل مقاومت‌های مردمی با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردید. در این محور لشکرهای ۸۱ و ۲۸ ارتش جمهوری اسلامی در مقابل نیروهای عراق قرار داشتند، ضمن اینکه نیروهای مردمی و سپاه، بویژه در شهر قصرشیرین در مقابل نیروهای عراقی مقاومت کردند، لیکن سرانجام در روز سوم قصرشیرین سقوط کرد ولی شهر سرپل ذهاب از سقوط نجات یافت و نیروهای دشمن در ارتفاعات اطراف (فلاویزان و کوره‌موش) استقرار یافتند. لشکر ۴ پیاده دشمن به سهولت خود را به شهر گیلان‌غرب رساند، اما مقاومت نیروهای مردمی در شهر و عکس‌العمل هوانیروز منجر به عقب‌نشینی این لشکر از شهر شد و سرانجام نیروهای دشمن در ارتفاعات "بازی دراز" و بخشی از ارتفاعات "دانه خشک" که بر شهر مشرف بود، استقرار یافتند.

در محور مندلی - سومار - نفت شهر، لشکر ۱۲ با هدف شهرهای سومار و نفت شهر، عملیات خود را با دو فلش، از تنگه برای تصرف سومار و از شمال غرب نفت‌شهر برای تصرف این شهر آغاز کرد. نیروهای دشمن در همان روز اول وارد

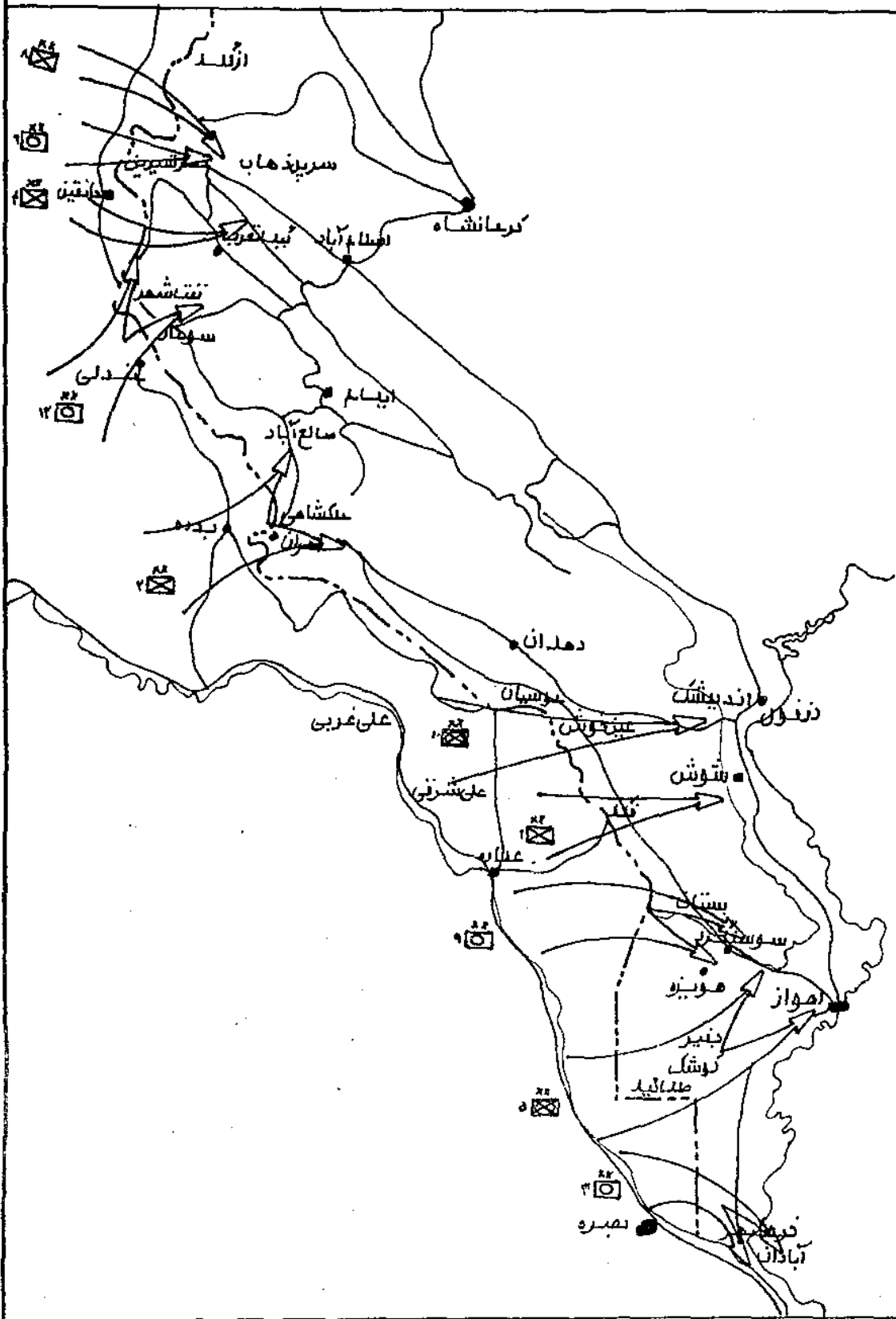
شهر سومار شدند و شهر تصرف کردند. در نفت شهر با وجود مقاومت‌هایی که انجام گرفت، در روز اول نیروهای دشمن موفق به اشغال شهر نشدند لیکن سرانجام با تشدید حملات نفت شهر را تصرف کردند. با توجه به توقف لشکرهای ۸، ۴ و ۶، نیروهای لشکر ۱۲ پس از تصرف سومار و نفت شهر از ادامه پیشروی خودداری کردند.

در محور مهران با توجه به موقعیت شهر مهران بویژه نزدیکی به جاده شمالی - جنوبی که منطقه جنوب را به شمال متصل می‌کند، بر اهمیت شهر مهران برای دشمن می‌افزود. برای همین لشکر ۲ پیاده ارتش عراق تحت امر سپاه دوم، ماموریت خود را با هدف تصرف شهر مهران با تهاجم از سه محور با چهار تیپ آغاز کرد. یک تیپ لشکر ۲ از شمال شهر مهران به سمت تنگه کنجانچم، دو تیپ زرهی و پیاده به سمت شهر مهران و حرکت در عمق و فلش سوم لشکر ۲ به سمت ارتفاعات مرزی قلعه آویزان با استعداد یک تیپ اجرا شد. یگان‌های تحت امر لشکر ۲ ظرف روزهای اول و دوم بدون برخورد به موانع محکم، اهداف خود را تامین کردند.

به هرصورت در هفته اول جنگ ارتش عراق مهمتری اهداف نظامی خود را در جبهه‌های جنوب جستجو می‌کرد و در این میان اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان هدف اصلی را تشکیل می‌داد. به همین لحاظ فرماندهان عراق در این مقطع توجه زیادی به سمت خرمشهر و آبادان نکردند و متقابلاً فلش‌های منتهی به اهواز از حساسیت زیادی برخوردار بود.

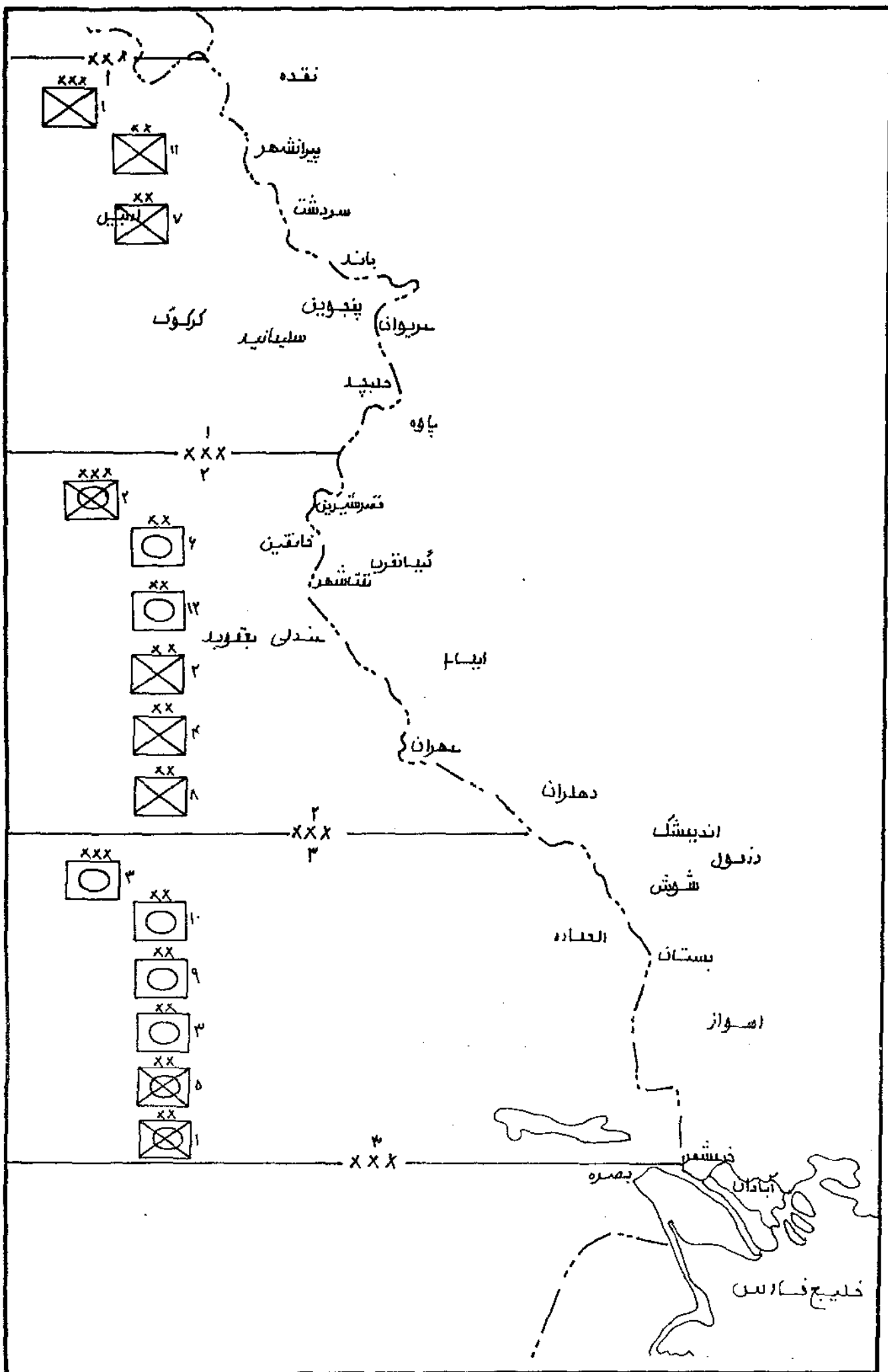
ارتش عراق ظرف کمتر از یک هفته در منطقه شوش و دزفول به کرخه دست یافت و آماده عبور از رودخانه بود، در جنوب غربی اهواز نیز پس از عبور از کوشک، طلائی، جفیر و پادگان حمید، به منطقه دهبهردان دست یافته و در ۲۰ کیلومتری اهواز مستقر شده بود، بستان و سپس سوسنگرد را اشغال کرده بود و در پشت دروازه‌های خرمشهر قرار داشت.

این وضعیت اگر چه در ظاهر موفقیت عراق را نشان می‌دهد ولی در واقع حاکی از مسئله دیگری بود، زیرا دشمن حداکثر زمان برای تصرف اهداف اصلی را ۳ تا ۶ روز برآورد کرده بود. حال آنکه پس از ۶ روز نه تنها اهواز تصرف نشده بود بلکه به محاصره کامل نیز درنیامده بود. و حتی حداقل هدف دشمن یعنی تصرف خرمشهر و آبادان نیز نه تنها عملی نشده بود بلکه ناتوانی عبور از دروازه خرمشهر نشان



ب- ورهاخانه اجسراسر رادشمن

می‌داد بر آورد زمانی مزبور واقع بینان نبوده و عملی نیست. لذا دشمن مجبور به
تامین استراتژی شد.



شکست استراتژی عملیاتی رژیم عراق

توقف و تثبیت ارتش عراق

سرعت عمل و اجرای دقیق مانور، مبتنی بر طرح زمان‌بندی شده، از ویژگی‌های برجسته در استراتژی جنگ سریع و محدود است.

طراحان عراقی همه امکانات مادی و معنوی خود را در این استراتژی بکار گرفتند ولی به دلایل مختلف موفق به اجرای استراتژی خود نشدند.

عدم تناسب سازمان و شرایط با استراتژی جنگ سریع، همچنین طراحی مانور بر پایه اطلاعات نادرست سبب شد حرکت ماشین جنگی عراق، قبل از دست‌یابی به اهداف زمان‌بندی شده کند شود.

دشمن با تصویری که از اوضاع داخلی و خصوصاً مناطق مرزی داشت پیشروی آسانی را برای ارتش خود پیش‌بینی کرده بود لذا توانی را که برای تصرف اهداف در نظر گرفته بود متناسب با وسعت هدف نبود. در چنین وضعیتی بکارگیری یگان‌های احتیاط ضروری می‌شد لیکن عراق به اندازه کافی یگان احتیاط در اختیار نداشت.

قبلاً اشاره گردید که مهمترین هدف نظامی عراق، تصرف مراکز مهم در جبهه جنوبی بود ولی به جهت حساسیت جبهه میانی، بخش عمده‌ای از توان نظامی عراق در آن جبهه صرف شد.

کوهستان‌های غرب کشور و مقاومت خودی در آن سرزمین توان دشمن را تحلیل برد و مانع از تحقق اهداف عراق در غرب شد، لذا توان دشمن در غرب کشور زمین‌گیر شد و امکان آزادی سریع نیروهای سپاه دوم از جبهه میانی و به کارگیری آنها در جبهه جنوبی به تاخیر افتاد و عراق نتوانست با یگان‌های سپاه دوم به موقع از سپاه سوم پشتیبانی کند.

رویارویی ارتش عراق با حرکتی انقلابی و قوایی غیر کلاسیک درصد تلفات ارتش عراق را افزایش داد و شتاب حرکت یگان‌های دشمن را کند کرد.

برتری روحی خودی در مقایسه با روحیه دشمن - که ناشی از اندیشه انقلابی و روحیه شهادت‌طلبی بود - از جمله مواردی است که بر آسیب‌پذیری سازمان نظامی ارتش عراق افزود.

مبتنی بر نکات یادشده عراق نتوانست استراتژی جنگ سریع را عملی سازد و لذا پس از پایان یک هفته جنگ، آرایش یگانهای ارتش عراق ناموزون بوده و دارای خط پدافندی آسیب‌پذیری بودند. در پی ناکامی ارتش عراق در هفته اول و

چشم‌انداز شکست در جنگ، رژیم عراق که قبلاً خود را برای یک جنگ طولانی آماده نکرده بود بر آن شد تا قبل از اینکه فرصت را از دست بدهد با حفظ مناطق اشغالی و از موضع برتر، ضمن تلاش دیپلماتیک و سود جستن از همراهی مجامع بین‌المللی، جمهوری اسلامی را به صلح وادار کند.

به همین جهت مقامات عراق که از سقوط استان خوزستان و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گفتند یک گام عقب‌نشینی کرده، اعلام کردند حاضرند با جمهوری اسلامی از طریق سازمان‌های بین‌المللی وارد مذاکره شده آتش‌بس یک جانبه اعلام کنند.

دلایل ناکامی ارتش عراق و نتایج آن

برتری سیاسی - نظامی عراق همراه با حمله سراسری و غافلگیرانه به خاک جمهوری اسلامی ایران، هرگونه تردید و احتمال ناکامی عراق را از میان برده بود. به همین دلیل یکی از سوالات اساسی برای تحلیل‌گران و ناظران امور نظامی بررسی علل ناکامی عراق می‌باشد. در این زمینه گرچه تا کنون بحث مستقل و مفصلی صورت نگرفته است ولی در بحث‌های کارشناسی و تحقیقاتی که تاکنون شده است این موضوع به صورت اجمالی مورد اشاره و توجه واقع شده است که به آن اشاره می‌شود.

رژیم عراق در هنگام طرح‌ریزی، هدف‌گذاری و سازمان‌دهی تجاوز به ایران، اساساً به تحولات سیاسی در داخل کشور و در استان خوزستان نظر داشت، ضمن اینکه به دلیل ارزیابی خود از توان نظامی ایران، امکان هرگونه مقاومت موثر را غیرعملی می‌دانست. بنابراین با بررسی رخدادهای واکنش‌هایی که متعاقب تجاوز به ایران صورت گرفت می‌توان دریافت که محاسبات عراق از اوضاع داخلی و میزان مقاومت نیروهای نظامی ایران درهم ریخت و همین امر مرکز ثقل و نقطه آغاز ناکامی عراق بود. در واقع قدرت اولیه تهاجمی ارتش عراق در برابر بسیج نیروهای انقلابی و مردمی به سمت جبهه‌ها، رنگ باخت و استراتژی تهاجمی ارتش عراق در خرمشهر و آبادان عملاً با شکست مواجه شد، به گونه‌ای که ارتش عراق که برای اشغال خرمشهر تنها تیپ ۳۳ نیروی مخصوص را در نظر گرفته بود، ناچار شد به تدریج نزدیک به ۲ لشکر نیرو به خرمشهر گسیل کند. علاوه بر این در سایر زمینه‌ها نیز عراق اشتباهاتی داشت که اجمالاً به آن اشاره می‌شود:

۱- ارتباط منطقی بین مقاصد سیاسی و اهداف نظامی عراق با امکانات و سازمان نظامی و طرح‌های عملیاتی یگان‌های عراقی برای تامین این اهداف وجود نداشت.* به عبارت دیگر فرماندهی قوای عراقی در تخصیص نیرو دچار اشتباهات اساسی شد، به عنوان مثال اگر عراق در محاسبات خود، ایران را از نظر سیاسی و نظامی ناتوان می‌پنداشت چرا ۵ لشکر برای تامین بغداد اختصاص داد و بخشی از توان ارتش این کشور را در این منطقه و در منطقه شمال غرب زمین گیر کرد؟

به نظر می‌رسد عراقی‌ها با دو مشکل روبرو بودند: نخست اینکه برای کلیه محورهایی که به بغداد و منطقه عمومی آن ختم می‌شد باید نیروی احتیاط در نظر می‌گرفتند و مرز شرقی خود از مهران تا قصرشیرین را عمق می‌بخشیدند، همین اقدام سبب گردید بخشی از ارتش عراق در جبهه میانی زمین گیر شود. علاوه بر این ارتش عراق می‌بایست کلیه محورهایی که به کرکوک منتهی می‌شد، مانند نوسود - حلبچه و مریوان - پنجوین را مسدود و از تعرض احتمالی معارضان به این مناطق ممانعت می‌کرد، در نتیجه به ناچار بخش دیگری از نیروهای ارتش عراق در این مناطق گسترش یافتند. بدین ترتیب عراق برای منطقه جنوب که تمامی اهداف این کشور را پوشش می‌داد تنها ۵ لشکر در اختیار داشت که تحت امر سپاه سوم می‌بایست از مهران تا شلمچه از معابر وصولی، وارد عمل می‌شدند که این توان با ماموریت محوله تناسبی نداشت.

۲- استراتژی "جنگ سریع و محدود" بر خلاف جنگ عمومی که برای تسلیم قطعی دشمن طرح ریزی می‌شود، اساساً برای دست‌یابی به صلح است، بنابراین عراق برای تامین مقاصد سیاسی خود نیاز به جنگ قطعی داشت و در اتخاذ استراتژی دچار اشتباه شد. در واقع استراتژی جنگ محدود قادر به تامین اهداف عراق نبود، بدین معنا که عراق یا لزوماً می‌بایست از جنگ اجتناب می‌کرد یا این که به جنگ عمومی مبادرت می‌ورزید.

۳- فقدان تجارب تاکتیکی و عملیاتی سبب شده بود حرکات ارتش عراق کند و ناهماهنگ و ارتباطات آن نیز بسیار ضعیف باشد.

۴- عراق برای نیروهای سپاه پاسداران و نیز مقاومت مردمی اهمیتی قائل نشده بود، اما حضور این نیروها و مقاومت مردمی منجر به گشایش میدان‌های جدیدی

* این عارضه عمدتاً متأثر از درک غلط عراق از اوضاع داخلی ایران از یک سو و از سوی دیگر تأثیر پذیری عراق از ملاحظات سیاسی بویژه خواست‌های آمریکا بود.

شد که عراقی‌ها در محاسبات خود مورد توجه قرار نداده بودند، به همین دلیل نیروهایی را که برای اهداف درگیر در نظر گرفته بودند، به این درگیری‌ها اختصاص دادند و همین مسئله منجر به کاهش توان ارتش عراق شد.

۵- دستور توقف به ارتش در حال پیشروی، عدم درک اهمیت سرعت مانور، عدم برخورداری از فرماندهی موثر نظامی برای هماهنگی عملیات زمینی، هوایی و دریایی و عدم بهره‌برداری از موفقیت‌های اولیه بویژه در روزهای اول، بخش دیگری از اشتباهات عراق را تشکیل می‌داد.

به این ترتیب در نتیجه پیش فرض‌های غلط عراق، ناتوانی نظامی، عدم تجربه عملیاتی به اضافه تردید در تصمیم‌گیری و پیش‌بینی نکردن مقاومت مردمی در ایران، زمینه‌های کندی و ناهماهنگی در پیشروی اولیه نیروهای عراق در خاک ایران و سرانجام ناکامی آنها فراهم شد.

در صورتی که ارتش عراق می‌توانست اهداف خود را تامین کند، این امر به تحقق مقاصد سیاسی نظامی رژیم عراق کمک می‌کرد و بدین ترتیب عراق می‌توانست:^{*}

- ۱- بر رودخانه اروند مسلط شود.

- ۲- مناطق عرب نشین خوزستان را تحت تسلط خود بگیرد.

- ۳- خسارات اقتصادی مهمی بر ایران وارد و بخش عظیمی از منابع نفتی کشور را تصرف و یا منهدم نماید.

در این صورت رژیم عراق می‌توانست:

- ۱- ادعا نماید ایران را شکست داده است.

- ۲- قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را از موضع برتر لغو نماید.

- ۳- با تسلط بر شمال خلیج فارس و افزایش حضور نظامی در دریا و هوا، قدرتش را در منطقه افزایش دهد.

- ۴- بر قیمت‌گذاری نفت اوپک تاثیر بگذارد.

- ۵- تاثیر سیاسی تعیین‌کننده بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بگذارد.

- ۶- به عنوان ژاندارم منطقه از موقعیت برتر برخوردار شود و از امریکایی‌ها امتیاز لازم را اخذ نماید.

* این بحث بر اساس نظریات سردار رضایی تنظیم شده است.

عراقی‌ها به میزان ناکامی در تامین اهداف خود، از دستیابی به اهداف نظامی و مقاصد سیاسی و اقتصادی خود باز ماندند و این امر موجب شکست نیروهای عراق و تاکید بر توانایی و قدرتمندی انقلاب اسلامی ایران بود.

واکنش نظامی ایران در برابر تهاجم عراق

اهمیت و در عین حال ضرورت بررسی واکنش نظامی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم عراق اساساً به این دلیل است که این بررسی می‌تواند "ارزیابی رژیم عراق از توان نظامی ایران" و نقش آن در تصمیم‌گیری برای تهاجم به ایران و همچنین "عوامل موثر بر ناکامی و شکست عراق" را توضیح دهد.

در حد فاصل فروردین تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ مرزهای ایران به طور مکرر مورد تجاوز نیروهای عراقی قرار می‌گرفت ولی نیروهای نظامی ایران هرگز واکنش مناسب و قاطعی از خود نشان ندادند* و همین مسئله عراقی‌ها را در اقدام به تجاوز و امیدواری برای دستیابی به پیروزی سریع و آسان تشویق کرد. ارزیابی‌های رسانه‌های خارجی و کارشناسان و تحلیل‌گران نیز با برداشت‌های رژیم عراق از وضعیت نظامی ایران مطابقت و همسویی داشت.

با این ملاحظه کلی، دو سؤال اساسی وجود دارد: اولاً علت ناتوانی نیروهای نظامی ایران برای بازدارندگی عراق از تهاجم به ایران چه بود؟ ثانیاً اگر نیروهای نظامی ضعف و کاستی‌های اساسی داشتند، پس چه عواملی منجر به ناکامی رژیم عراق شد؟ تا کنون در بررسی‌های انجام شده کمتر به نقش نیروهای نظامی در بازدارندگی عراق اشاره شده است، حتی در مجموعه ۵ جلدی "نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس"، که سازمان سیاسی - عقیدتی ارتش جمهوری اسلامی ایران منتشر کرده است نیز هیچ‌گونه بحث مشخصی در این مورد نشده است و تنها نارسایی‌ها و کاستی‌ها ارتش در آستانه جنگ مورد اشاره قرار گرفته است** . تیمسار صیاد شیرازی جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز ابعاد این نارسایی را چنین ترسیم می‌نماید:

* برابر مندرجات کتاب "نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس" منتشره از سازمان سیاسی - عقیدتی ارتش، جلد اول، نبردهای غرب دزفول، علی‌رغم این که در ماه‌های فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۹ نیروهای ارتش به مرز اعزام شدند، لیکن در خرداد همان سال با این توجیه که "تهدید برطرف شده است"، نیروهای لشکر ۹۲ به پادگان مراجعت کردند و یک ماه بعد ودتای نوزده سازمان‌دهی و اجرا شد.

** فصل بندی این مجموعه ۵ جلدی شامل توضیح مسائل تاریخی د فصل اول، مقدمات تجاوز در فصل دوم و ایثار و مقاومت در فصل سوم و ... می‌باشد. در واقع هیچ‌گونه بحث مشخصی در مورد اقدامات بازدارنده نشده است.

تصور کنید ارتشی مضمحل را که سران خیانتکار آن یا دستگیر انقلاب گردیده و محاکمه و اعدام شده‌اند و یا راه عزیمت در پیش گرفته و پناه به بیگانه برده‌اند. سراسر کشور در تب یک جنگ ویرانگر می‌سوخت و پس از آن کرانه‌های غربی وطن، ناجوانمردانه توسط جمعی خود فروخته اشغال گردیده بود. سستی و رخوت مضاعف درون ارتشیان موج می‌زد و تجربه تلخ گزینش اولین رئیس جمهوری نا اهل انقلاب این سستی را تشدید می‌کرد.

آیا ارتش با رهبری یک روحانی قادر به انجام دادن وظیفه و [به دست آوردن] پیروزی خواهد بود؟ این کلام یاران ارتشی ما بود که از جو آتش‌زای ایام نخست جنگ نشأت [می] گرفت.^x

جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش نیز در توضیح اقدامات ارتش، طی مصاحبه با روزنامه کیهان، مراحل آن را چنین ذکر کرد:

۱- سد کردن و متوقف کردن دشمن و اجرای عملیات چریکی.

۲- مرحله دوم اجرای تک‌های محدود^{xx} به منظور ضربه زدن و انهدام نیروها دشمن و خسته و فرسوده نمودن متجاوز بود که با شش عملیات تا قبل از سال ۶۰ عملی شد.

۳- مرحله سوم که عملیات تهاجمی گسترده در سرتاسر جبهه بود و با کمک سپاه پاسداران و بسیج مردمی و یا به تنهایی عملی گردید ...^{xxx}

بدون تردید چنان که در اظهارات یاد شده آمده است نیروهای نظامی فاقد آمادگی و توانایی لازم برای "بازدارندگی" و مقابله موثر به منظور ممانعت از پیشروی ارتش عراق به عمق مناطق مرزی بودند. در این زمینه مقام معظم رهبری (نماینده وقت حضرت امام در شورای عالی دفاع) فرمودند:

"روزهای اول مرتب خیر می‌رسید که عراقی‌ها فلان جا را گرفتند و تا فلان جا پیشروی کرده‌اند و این قدر نیرو آورده‌اند یا فلان شهر تهدید می‌شود و از جمله شهرهایی که به شدت تهدید می‌شد، دزفول بود. در حالی که ما آنجا نیرو کم داشتیم و وقتی هم به فرماندهان ارتش می‌گفتیم، می‌گفتند نیرو کم داریم و یا نیرو

x روزنامه اطلاعات - ۷۵/۳/۱۶

" در حد فاصل ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا قبل از پایان همین سال، سلسله تلاش‌هایی که از تش و به فرماندهی بنی صدر انجام داد، گسترده و با هدف آزاد سازی مناطق اشغالی بود، فی‌المثل نا بر مندرجات مجموعه ۵ جلدی منتشره از سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش، عملیات ۲۳ مهر با هدف آزاد سازی منطقه غرب کرخه بود، عملیات سوم آبان یا هدف شکستن محاصره آبادان، عملیات ۱۶ دیماه در هویزه با هدف آزادسازی منطقه غرب کارون و خرمشهر بود و عملیات ۲۰ دی ماه با هدف شکستن محاصره آبادان بنابراین مشخص نیست به چه دلیل این عملیات‌ها محدود ذکر شده است.

^{xxx} روزنامه کیهان، ۷۵/۷/۱۵، مصاحبه تیمسار آراسته.

و تجهیزات هر دو باهم نداریم و راست هم بود، با این معنا که آمادگی‌های لازم را برای خودشان در این جنگ تهیه ندیده بودند. در صورتی که ابزارهای زیادی داشتیم که اینها از وجودش خبر نداشتند، افراد زیادی هم داشتیم که اینها در پادگان‌ها حضور نداشتند و لذا وضعمان خیلی بد بود.^{۶۲}

بعدها با تشدید درگیری‌های سیاسی در داخل کشور بنی‌صدر با وجود آن که فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت، سعی می‌کرد با سلب مسئولیت از خود، نیروهای خط امام را در وضعیت به وجود آمده مقصر قلمداد نماید. آیت‌الله‌خامنه‌ای در همان زمان در نماز جمعه تهران خطاب به بنی‌صدر فرمودند:

نزدیک به هفت ماه قبل از جنگ، شما فرمانده کل قوا بودید^{۶۳}، چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانستند مقاومت کنند؟ حضرت امام شما را در اول اسفند ۱۳۵۸ به فرماندهی کل قوا برگزید. در اول مهرماه ۱۳۵۹، یعنی هفت ماه تمام بعد از فرماندهی کل قوا [ای] شما جنگ شروع شد. در این هفت ماه شما چه کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید؟ چرا نظامیان را آموزش ندادید؟ آیا اینها را چه کسی بایستی انجام می‌داد؟ چرا شما وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در هفت ماه گذشته آشکار می‌شود، تقصیرها را به گردن این و آن می‌اندازید؟ وقتی از ایشان می‌پرسند چرا ارتش را سر و سامان نداده‌اید؟ می‌گوید: چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده‌اند. منظور ایشان دادگاه‌های انقلاب و ارتش است. چون افراد متهم به کودتا را دستگیر کرده بودند. آقای بنی‌صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا بشود و کودتاجیان آزاد گردند و دستگیر نشوند؟^{۶۴}

این مسائل نشان دهنده عدم آمادگی ارتش برای دستیابی به "بازدارندگی" در برابر عراق و در نتیجه، عدم آمادگی برای "مقابله موثر" پس از تهاجم عراق بود. در عین حال، رخدادها و حوادثی که متعاقب تهاجم عراق به ایران واقع شد، تمامی سیاست عراق را درهم ریخت و نیروهای متجاوز با ناکامی و شکست مواجه شدند.

الف) استراتژی دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران

^{۶۲} انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه‌های سال ۶۱ و ۶۲، مصاحبه در مورد شهادت شهید چمران، ۶۱/۳/۱۲، ص ۶۴ و ۶۵.

^{۶۳} بنی‌صدر در بهمن ماه ۱۳۵۸ با آرای مردم به ریاست جمهوری انتخاب شد و در اسفند همین سال به دستور امام خمینی به عنوان فرمانده کل قوا منصوب شد. بنابراین از اسفند ۵۸ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، بنی‌صدر ۷ ماه فرصت داشت تا به جای لفاظی و تبلیغات، برخی اقدامات لازم را انجام دهد.

^{۶۴} نماز جمعه تهران، ۶۰/۳/۲۹، مندرج در روزنامه‌های ۶۰/۳/۳۰.

طرح هر گونه مباحث دفاعی و نظامی و تبیین استراتژی دفاعی اساساً بر پایه تجزیه و تحلیل از تهدیدات داخلی و خارجی انجام می‌پذیرد. این مهم هیچ‌گاه قبل از پیروزی انقلاب در درون سلسله مراتب نظامی ایران انجام نمی‌شد زیرا امریکایی‌ها تعیین تهدیدات می‌کردند و راه‌های مقابله با آن را نیز به سیستم سیاسی - نظامی ایران دیکته می‌کردند و این روش مانع از شکل‌گیری این گونه مباحث در میان نیروهای نظامی بود. بنابراین، دستیابی به مفاهیم روشن و مدون در این زمینه دور از انتظار محسوب می‌شود. در عین حال چنین به نظر می‌رسد که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش ایران با اتکا به امریکا استراتژی دفاعی خود را در برابر عراق بر پایه سه راه‌کار تنظیم کرده بود. در کتاب "دفاع مقدس" از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به این موضوع چنین اشاره است:

با توجه به درگیری‌های ایران و عراق قبل از بیانیه الجزایر که مدت ۶ سال از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴ طول کشید، دفاع در منطقه خرمشهر و محور شمالی آن مهمترین موضوعی بود که فکر فرماندهان نظامی وقت را به خود معطوف کرده و در راه حصول به این هدف پس از دو سال بررسی و تفحص، سه راه‌کار پیش‌بینی گردید که اولین و بهترین راه حل، پیشدستی در تک در صورت خطر جدی ارتش عراق و تصرف کرانه شرقی دجله و متکی کردن پدافند این منطقه به رودخانه دجله بود. دومین راه‌کار ایجاد استحکامات صحرائی در منطقه مرزی و استقرار نیروی تامین کافی در خط مرز و پیش‌بینی قدرت رزمی کافی برای عکس‌العمل سریع. سومین راه‌کار، دفاع و عمل تاخیری در منطقه خوزستان تا خط رودخانه کرخه و کارون و وارد شدن به خاک عراق و وارد کردن ضربت قاطع در منطقه کرمانشاه در روی محور قصرشیرین - خانقین - بغداد و تهدید پایتخت عراق بود.^x

پس از انقلاب اسلامی، متعاقب تشدید درگیری در مرز ایران و عراق و علی‌رغم تحولاتی که در "تغییر ماهیت تهدید" و "مقدورات" به وجود آمده بود، در طرح پدافندی "حر" مستند به طرح عملیاتی "ابوذر" که در خرداد ۱۳۵۹ ابلاغ شده بود، مأموریت لشکر ۹۲ به عنوان یگانی که مسئولیت سراسر سرزمین خوزستان را به عهده داشت، چنین آمده است:

"الف) در منطقه مربوطه دفاع کنید.

^x نزا، دفاع مقدس، اسفند ۷۱، ص ۱۱.

ب) پیشروی را در جنوب اهواز در مناسب‌ترین مواضع (در محور شلمچه حتی‌المقدور در غرب نهر عرایض و در شمال این نهر در غرب جاده اهواز - خرمشهر) سد کنید.

پ) آماده باشید پس از ورود لشکر ۱۶ به منطقه دزفول، با هماهنگی آن لشکر در منطقه اهواز و خرمشهر آفند متقابل نمایید.

بر پایه همین طرح، ماموریت لشکر ۸۱ چنین ذکر شده است:

الف) مرحله یکم: لشکر ۸۱ زرهی با اعزام عناصر تأمینی حرکت متجاوز را در زمین‌های بلافاصل مرز به تأخیر اندازد.

ب) مرحله دوم: پس از عقب‌نشینی عناصر تأمینی در منطقه دفاع نموده و پیشروی دشمن را در مواضع سدکننده پیش‌بینی شده متوقف نماید.

ج) مرحله سوم: آماده می‌شود بنابه دستور در محور عمومی قصرشیرین - خسروی - خانقین - بغداد آفند متقابل نموده و نیروهای متجاوز را نابود سازد.^{*}

چنان که مشخص است این طرح و ماموریت‌هایی که ابلاغ می‌شد به هیچ وجه منطقی نبود و بیشتر با الهام از طرح‌های پدافندی و آفندی گذشته بود. ضمن اینکه طرح عملیاتی ابوذر در موقعیتی تدوین و ابلاغ می‌شود که علی‌رغم استقرار یگان‌های ارتش در مرز، نیروی زمینی ارتش در برآورد خود به این نتیجه رسید که حمله همه جانبه ارتش عراق در آینده نزدیک متحمل نیست^{**} و در پی آن دستور بازگشت یگان‌ها به پادگان‌ها ابلاغ شد.^{***}

این دستور نشان دهنده عدم درک صحیح از ماهیت تهدید و طرح "ابوذر" نیز مبین عدم درک صحیح از دشمن و از مقدرات و نحوه سازمان‌دهی و به کارگیری آن می‌باشد. ارزیابی طرح ابوذر در کتاب "ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال

* نزاجا، دفاع مقدس، ص ۲ و ۱۱.

** در حالی که اقدامات نظامی عراق رو به گسترش بود، دلایل دست یابی به این برآورد که "حمله همه جانبه ارتش عراق در آینده نزدیک متحمل نیست"، ذکر نشده است. آنچه که در عمل واقع شده، نشان دهنده اشتباه استراتژیک در برآورد نیروی زمینی ارتش می‌باشد. البته با توجه به این که سه فاصله زمانی کمتر از ۲۰ روز پس از بازگشت یگان‌ها به پادگان‌ها کودتای نوزده انجام گرفت، این دستور بازگشت احتمالاً بدون ارتباط با جریان کودتا نبود.

*** سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۳،

اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۴۳.

دفاع مقدس^۲، از انتشارات سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، این مطلب را به خوبی بیان می‌کند:

«اصولاً یگان‌های نیروی زمینی، تقریباً هیچ کدام در شرایطی از توان رزمی و استعداد پرسنلی و لجستیکی نبودند که قادر به اجرای عملیات آفندی مستقل باشند و نیروی زمینی نیز فاقد امکانات لازم برای ترابری و جابه‌جایی یگان‌های عمده و انجام تمرکزات پیش‌بینی شده در طرح عملیاتی ابوذر بود»^۳.

بنابراین استراتژی دفاعی ارتش ایران، مبانی و انسجام لازم را برای پاسخ‌گویی به تهدید عراق نداشت و به همین دلیل نیز در صحنه عمل در دفع تهاجم دشمن و ممانعت از اشغال و محاصره شهرها و خاک مقدس جمهوری اسلامی موفق نبود.

ب) آرایش دفاعی ارتش ایران^۴

در استراتژی نظامی ارتش برای دفاع از خوزستان، دو لشکر زرهی و یک تیپ پیاده در نظر گرفته شده بود. لشکر ۹۲ زرهی ماموریت سرزمینی دفاع در خوزستان را بر عهده داشت و لشکر ۱۶ زرهی قزوین با استقرار در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری منطقه، به عنوان نیروی عمل‌کننده و کمک‌کننده به لشکر ۹۲ در نظر گرفته شده بود. یک تیپ پیاده نیز برای منطقه مرزی جنوب استان ایلام، یعنی از مهران تا دهانه فاو، مسافتی نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر را پوشش می‌داد.

علی‌رغم وقوع انقلاب اسلامی و مشاهده تحرکات عراق در مرز و شهرهای مرزی، هیچ‌گونه تغییری در استراتژی نظامی و آرایش دفاعی ایران، انجام نگرفت.^۵ از نیمه دوم فروردین ۱۳۵۹ پس از تمرکز نیروهای عراقی در مرز، ارتش تدریجاً جابه‌جایی‌هایی را آغاز کرد، چنان‌که تا اواخر اردیبهشت لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۳۷ زرهی شیراز و گروه‌های ۲۲ و ۵۵ توپخانه در مناطق عملیاتی مستقر شدند. نیروهای لشکر ۹۲ در سه منطقه اصلی تمرکز یافتند:

^۲ پیشین، جلد ۱، نبردهای غرب دزفول، ص ۲.

^۳ مباحث این بخش تماماً از منابع منتشره ارتش جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است.

^۴ البته برابر گزارش‌های مندرج در کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد اول (از انتشارات سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۱) در خرداد سال ۱۳۵۹ طرح عملیاتی ابوذر توسط نیروی زمینی ارتش تهیه و الاغ گردید. در این طرح ماموریت دفاعی یگان‌ها مشخص شده بود لیکن بدون این که تغییری اساسی در تفکر نظامی و دفاعی حاصل شود این طرح بیشتر ابلاغ دستور عملیاتی به یگان‌ها بود.

۱- منطقه عملیاتی دزفول و شوش با تیپ ۲ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ و گردان‌های توپخانه.

۲- منطقه عملیاتی غرب اهواز شامل سوسنگرد و بستان با تیپ ۳ زرهی و در منطقه جنوب غربی اهواز تیپ ۱ زرهی با یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی.^{*}

۳- منطقه خرمشهر با یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه. ضمن این‌که گردان ۱۵۱ دژ نیز در خرمشهر مستقر بود.

در اواخر خرداد ۱۳۵۹ علی‌رغم آرایش دفاعی یاد شده در سه منطقه فوق، فرماندهان ارتش طی تجزیه و تحلیلی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که رژیم عراق در آینده نزدیک حمله نخواهد کرد و این موضوع را طی ابلاغیه‌ای به ارتش اعلام کردند. به نظر می‌رسد این تحلیل بیش از آن که بر مبنای درک صحیح از اوضاع سیاسی و نظامی حاکم بر مناسبات دو کشور ایران و عراق باشد، به لحاظ طرح‌ریزی کودتا در ارتش بود که شاخه جنوب آن در لشکر ۹۲ زرهی فعالیت داشت. بنابراین بخشی از توان تیپ ۳۷ به شیراز بازگردانده شد و لشکر ۹۲ زرهی نیز با استقرار نیروی پوشش در مرز، به پادگان‌ها مراجعت کرد.

رژیم بعثی در دهه دوم تیرماه به دلیل نقشی که در کودتای نوژه داشت، هماهنگ با عناصر کودتاگر، به منظور تمرکز توجهات به مرز، حملات خود را در بخشی از مناطق مرزی تشدید کرد. مجدداً در مرداد درگیری‌ها همراه با افزایش تمرکز نیروهای عراقی در مرز شدت گرفت.

علی‌رغم تحولات نظامی در مرز طی شش ماهه اول سال ۱۳۵۹، سرانجام در ۱۵ شهریور این سال و تنها ۵ روز قبل از آغاز غیر رسمی جنگ و ۱۵ روز قبل از آغاز رسمی و سراسری جنگ، نیروی زمینی ارتش یک طرح پدافندی برای یگان‌ها ارسال کرد. در این طرح نیز هیچ‌گونه دستوری برای تغییر مکان یگان‌ها صادر نشده بود و فقط دفاع از مناطق مرزی به همان لشکرهای مستقر در مناطق پادگانی نزدیک محول شده بود. در ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ فرمانده لشکر ۹۲ زرهی با

* علی‌رغم درج این مطلب در کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد دوم، بهار ۱۳۷۲، سرهنگ رامین فرمانده اسبق تیپ ۳۷ زرهی در مصاحبه خود به این موضوع اشاره‌ای نکرده است.

استنباط از تحرکات قوای عراقی، حمله آنها به خوزستان را قطعی دانسته^{*}، دستور آماده‌باش برای مقابله را صادر می‌کند^{**}.

در نتیجه بدلیل عدم درک و تجزیه و تحلیل صحیح از تهدیدات، توان موجود ارتش به گونه‌ای مناسب سازمان‌دهی و هدایت نشد و همین امر منجر به تاخیر در ورود بخشی از نیروهای ارتش از جمله لشکر ۷۷ و لشکر ۱۶ به منطقه درگیری شد که نشان دهنده عقب‌ماندگی ایران در برابر عراق بود. در مجموع، در پایان شهریور آرایش دفاعی ایران به شرح زیر بود:

منطقه شمال غرب: لشکر ۶۴ ارومیه و ۲۸ سنندج با ضد انقلاب درگیر بودند و هیچ گونه نیروی پدافند کننده‌ای در مرز استقرار نداشت. ضمناً عناصری از لشکرهای ۹۲ زرهی، ۲۱ حمزه، ۷۷ خراسان و عناصری از تیپ ۲۳ نیروی مخصوص و نیروهای ویژه هوابرد و تیپ ۵۵ در اختیار لشکرهای فوق بود.^{***} منطقه غرب: لشکر ۸۱ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد در این منطقه مستقر بودند تعدادی از یگان‌های لشکر ۸۱ زرهی نیز مسئولیت درگیری با ضدانقلاب را داشتند.

منطقه جنوب: لشکر ۹۲ زرهی تقویت شده با تیپ ۳۷ زرهی شیراز، گردان ۱۵۱ دژ، گردان تانک تیپ ۸۸ زرهی و یک گروه رزمی پیاده از لشکر ۲۱، یک گردان پیاده و یک گردان تانک از لشکر ۷۷ و یک گردان تانک از تیپ ۸۴ خرم‌آباد با عناصر ناحیه ژاندارمری و پایگاه دریایی خرمشهر و عناصری از گروه ۲۲ و ۵۵ توپخانه مسئولیت پدافند از منطقه خوزستان را بر عهده داشتند.

علاوه بر نیروهای ارتش، نیروهای سپاه نیز - که سازمان‌دهی خوبی داشتند - در مرزهای شهرهای مرزی مستقر بودند، در خرمشهر که از مدت‌ها قبل از آغاز جنگ

^{*} سردار رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران درباره احتمال حمله عراق و بی‌توجهی بنی‌صدر اظهار داشت: در آن زمان، من فرمانده سپاه در کردستان بودم و به ارتفاعات قصرشیرین که مشرف به خاک عراق می‌باشد، رفته بودم. لشکر مکانیزه دشمن در مرزهایمان مستقر شده بود. فرماندهان سپاه نیز در جلسه شورای عالی دفاع به بنی‌صدر اعلام کردند که عراق می‌خواهد به ایران حمله کند ولی جوابی که بنی‌صدر به آنها داد این بود که شما پاسداران اصلاً می‌فهمید جنگ چگونه آغاز می‌شود؟ به زعم او بایستی روابط جهانی و بین‌المللی بین قدرت‌های بزرگ بر هم بخورد و موازنه سیاسی از بین برود و غیره. بالاخره با یک تحلیل سیاسی این مسئله را رد کرد و بعد هم در مهران طی یک مصاحبه رادیو - تلویزیونی خطاب به مردم گفت شایع است که جنگ می‌خواهد شروع شود ولی من الان در مهران هستم و هیچ خبری نیست.

^{**} سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش، نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۱، ص ۶۹

^{***} علی‌رغم درج این مطالب در جلد سوم کتاب ارتش در هشت سال دفاع مقدس^{*}، با توجه به اسنادی که در این زمینه وجود دارد، در صحت این آمار تردید هست.

تحمیلی، با ضد انقلاب و عناصر وابسته به عراق درگیر بودند. این امر پس از شروع جنگ آثار و نتایج خود را با شکل‌گیری مقاومت درون شهری نشان داد.

ارزیابی واکنش دفاعی جمهوری اسلامی ایران

واکنش اولیه نظامی ایران در برابر عراق، بیشتر تهاجم وسیع هوایی به شهرهای عراق و درگیری در دریا بود که در مقایسه با واکنش زمینی، تا اندازه‌ای برجسته می‌نمود و این درک و تلقی را به وجود آورد که استراتژی جنگی ایران، 'جنگ عمومی' است. این باور اساساً متأثر از نحوه سازمان‌دهی حملات هوایی و دریایی ایران به مراکز استراتژیک عراق ظرف ۲۴ ساعت اول می‌باشد. در هر صورت، واکنش اولیه ایران سبب گردید کلیه تحلیل‌های موجود درباره ناتوانی نظامی ایران تغییر کند.

نیروی زمینی به دلیل کاهش نیروی انسانی، دچار ضعف و سستی بود.^{۲۰} نظر به این‌که سرنوشت جنگ روی زمین تعیین می‌شود و نقطه برتری عراق نیز در جنگ زمینی بود، لذا مرور هر چند اجمالی در مورد عملکرد نیروی زمینی ارتش در منطقه جنوب با استناد به گزارش منتشره از نیروی زمینی ارتش^{۲۱}، ضروری می‌باشد.

بنا بر گزارش‌های منتشره از نزاجا (نیروی زمین ارتش جمهوری اسلامی)، تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی همراه با تیپ ۳۷ زرهی شیراز در غرب رودخانه کرخه در مجموع ۷ روز مقاومت کردند (البته اسرای دشمن اظهار می‌دارند ظرف ۴ روز به

^{۲۰} آقای هاشمی رفسنجانی در کنفرانس بین‌المللی 'تجاوز و دفاع' در این زمینه می‌گوید: 'با از بین رفتن رژیم سابق، ارتش ایران که توسط کارشناسان و مستشاران آمریکایی و انگلیسی آموزش می‌دید و هدایت می‌شد، مدیریت خود را از دست داد و تخصص‌های بالایی که در ارتش وجود داشت در ایران هنوز آماده بهره‌برداری نبود. علاوه بر این بسیاری از سران ارتش خود از مهره‌های آمریکا و ضدانقلاب بودند. بنابراین با وجود امکانات فراوان در ایران، این امکانات برای مردم و انقلاب به صورت نقد و آماده بهره‌برداری نبود، در حالی که همه عوامل برای عراق آماده بود. در ایران به زمان نیاز داشتیم تا انقلاب و نیروهای مخلص ارتش که طبقات پایین‌تر و پیکره اصلی ارتش بودند بتوانند بر اوضاع مسلط شوند. ما هنوز مشغول تصفیه ارتش بودیم. افراد ارتش فرار کرده و بسیاری از آنان محبوس بودند و جای کارشناسان آمریکایی را که از ایران رفته بودند، کسی نگرفته بود. تعداد زیادی از قراردادهای تسلیحاتی که مکمل قدرت ارتش بود در همان روزهای قبل از انقلاب توسط بختیار لغو شده بود و بسیاری از امکانات بدون پشتیبانی مانده بود و نیروی نظامی دیگری نیز هنوز در ایران شکل نگرفته بود.'

^{۲۱} 'نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گزارشی را تحت عنوان 'دفاع مقدس' در اسفند ۱۳۷۱ منتشر کرد که در این گزارش مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

ساحل رودخانه کرخه رسیدند). نیروهای تیپ ۳۷ شیراز در این مقاومت نقش برجسته‌ای داشتند به گونه‌ای که اسرای دشمن نیز به آن اعتراف کردند. تاخیر در انتقال لشکر ۱۶ زرهی قزوین یکی از مسائل مهم در عدم مقابله موثر با پیشروی دشمن بوده است. در مجموع در این محور مدت پدافند فعال ۷ روز بوده است.

تیپ ۳ لشکر ۹۲ در منطقه "الله اکبر" استقرار داشت که بنابر گزارش نزاجا تنها یک روز در برابر دشمن مقاومت کرد و در روز دوم سازمان تیپ عملاً متلاشی شد. افراد این تیپ در مجموع ۳ روز در پدافند فعال مشارکت داشتند. پیشروی نیروهای دشمن در هفته اول جنگ به سمت اهواز - که پس از شیخون برادران سپاه به فرماندهی شهید غیور اصلی مجبور به عقب‌نشینی شده بودند - پس از متلاشی شدن سازمان تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی انجام گرفت.

تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی در منطقه حسینیّه (کیلومتر ۲۵ در شمال خرمشهر) استقرار داشت. گردان ۱۵۱ دژ، گردان ۱۶۵ مکانیزه و گردان ۲۳۲ تانک و همچنین نیروهای منطقه ۳ دریایی خرمشهر نیز در این محور در منطقه ماموریتی خود استقرار داشتند.

نیروهای دشمن در این محور با عبور از کیلومتر ۲۵ (حسینیّه) در روز سوم مهر نیروهای خودی را عقب راندند و به این ترتیب خرمشهر از شمال محاصره شد. قوای دشمن همچنین از منطقه جنوب‌غربی به سمت اهواز پیشروی کردند که سرانجام در "منطقه نورد" متوقف شدند.

بنابر گزارش ناجا از عملکرد لشکر ۹۲ زرهی در جنوب، پدافند فعال یگان‌های تحت امر لشکر از یک روز و حداکثر تا ۶ روز بوده است.

تلقی و درک نیروهای نظامی از اهداف دشمن، در عکس‌العمل ایران تأثیر تعیین کننده‌ای داشت. فرمانده وقت نیروی زمینی بر این باور بود که هدف عراق تصرف گلوگاه خوزستان با استقرار بر ارتفاعات شمال اندیمشک می‌باشد، لذا تماسی سعی و تلاش به حفظ گلوگاه معطوف شد. همچنین شهید سرلشکر فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش اعتقاد داشت اهواز گلوگاه است و باید توان ارتش را برای حفظ آن متمرکز کرد. در این میان خرمشهر و آبادان تقریباً از دست رفته تصور می‌شد، بویژه این که نیروهای نظامی مشخصی جز گردان ۱۵۱ دژ و ۲ گردان زرهی و مکانیزه برای دفاع از منطقه اختصاص نیافته بود.

این نوع برداشتها نشان دهنده عدم تلقی مشخص و واحد از اهداف و تلاش اصلی دشمن در جنوب بود که در نتیجه، عدم اتخاذ تصمیم واحد و عکس‌العمل مشخص برای مقابله با دشمن را در پی داشت. این وضعیت، زمینه را برای تداوم پیشروی دشمن فراهم کرد. حال آنکه در صورت درک اهداف و تلاش اصلی دشمن و عکس‌العمل مناسب، امکان ممانعت از پیشروی دشمن بهتر از آنچه انجام شد، امکان پذیر بود.

در مجموع، عدم آمادگی جنگی ایران به دلیل فقدان قرارگاه فرماندهی عملیات در مناطق مرزی و عدم استقرار کلیه یگان‌های نظامی در طول مرز کاملاً آشکار است. فرضاً ایران هیچ‌گونه آرایش نظامی در مناطق بسیار حساس نزدیک خرمشهر و آبادان نداشت و حتی اعلامیه‌های نظامی عراق نیز نشان می‌دهد که ارتش عراق در طول یکی دو روز اول جنگ با مقاومت زیادی روبه‌رو نشد. بنابراین تمامی شواهد حکایت دارند که این عراق بوده است که با آمادگی و به کارگیری نیروهای نظامی تهاجم همه جانبه‌ای را علیه ایران سازمان داد، در حالی که ایران حتی از آمادگی دفاعی کافی برخوردار نبود.

در عین حال چنین به نظر می‌رسد که آتش توپخانه ایران همراه با حملات هوایی نیروی هوایی ارتش و نیز فعالیت هلی‌کوپترهای هوانیروز در پشتیبانی آتش و لجستیکی، در مقایسه با تحرکات نیروی زمینی ارتش از برجستگی خاصی برخوردار بود، به گونه‌ای که علاوه بر اعتراف عراقی‌ها،^{*} رسانه‌های خارجی نیز بر این امر صحنه گذاشتند. همچنین نیروی دریایی ارتش نیز به لحاظ برتری بالایی که در برابر عراق داشت، علاوه بر تحرکات آفندی در دریا، عملاً عرصه دریا را برای نیروها عراقی بشدت محدود کرد. با وجود این، نیروهای عراقی در مناطق مرزی ایران موفق به پیشروی شدند که نمایانگر کاستی‌ها و نقص‌هایی^{**} در نیروی زمینی بود و در عین حال، از برتری‌های دشمن نیز حکایت می‌کرد.

* اسرای عراقی در اعترافات خود، حجم آتش توپخانه را مناسب و باعث تلفات به پرسنل عراقی ذکر کرده‌اند. تلاش هلی‌کوپترها و وارد کردن تلفات در برخی محورها به واحدهای زرهی عراق بویژه در محورهای عین‌خوش، امامزاده عباس و در گیلان‌غرب نیز مورد تأکید اسرا قرار گرفته است. همچنین روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۵۹/۷/۱۷ به نقل از روزنامه لوماتن چاپ فرانسه در مورد نیروی هوایی می‌نویسد: «ورزیدگی و هوشیاری نیروی هوایی ایران تعجب همگان را برانگیخته است».

** سردار سرلشکر محسن رضایی فرمانده محترم کل سپاه پاسداران می‌گوید: «ما برای دفاع از خوزستان باید در شمال حسینیه متمرکز شویم تا در دوجبهه اهواز و خرمشهر بتوانیم دفاع کنیم. متأسفانه، تجزیه و تحلیل دقیقی از جنگ نداشتیم لذا در عین حالی که ارتش عراق در راه بود، همچنان آرایش ما به طور سنتی و با رعایت پوشش مرز بود تا با درک دقیق از اهداف عراق و احتمالات، بنابراین، نیروهای کلاسیک ما در گسترش عملیاتی و تاکتیکی دچار نقص و کاستی بودند، ضمن این که معابر را مسدود نکرده و از گسترش گردانی مناسب هم برخوردار نبودند. بنابراین، نیروهای کلاسیک در سطح استراتژی و سطوح عملیاتی و تاکتیکی دچار ضعف و کاستی بودند».

در اینجا به چند نمونه از ضعف‌ها اشاره می‌شود:

۱- در گذشته استراتژی دفاعی ایران اساساً متکی بر حمایت‌های نظامی، لجستیکی و مشاوره‌ای امریکایی‌ها تدوین شده بود، به همین دلیل با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از مدار سیاست‌ها و منافع غرب و مبارزه با امریکا و همچنین تصفیه عناصر خائن در راس ارتش، عملاً استراتژی پیشین کارآمدی لازم را نداشت و در این فاصله (از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ)، استراتژی جدیدی نیز شکل نگرفته بود. این نقص چنان اهمیتی داشت که هرگز نباید تأثیرات آشکار آن را بر عدم حصول نتیجه مطلوب از تلاش‌های نظامی ایران و نیز در مقابله با پیشروی نیروهای عراقی نادیده گرفت.

۲- افزایش پرواز هواپیماهای ایران به داخل خاک عراق، بویژه بغداد، انعکاس وسیعی داشت، لیکن با توجه به پیشروی ستون‌های نظامی عراقی‌ها در عمق سرزمین جمهوری اسلامی، عملاً این گونه پروازها بر پیشروی عراقی‌های تأثیری نگذاشت. در واقع تلاش‌های هوایی هیچ‌گونه ارتباطی با مقابله در برابر پیشروی نیروهای عراقی و پشتیبانی از مقاومت نیروهای خودی نداشت، حال آنکه در این زمینه با توجه به ضعف‌های اولیه نیروی هوایی ارتش عراق، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی می‌توانست تلفات بسیاری بر نیروهای عراق در میدان‌های نبرد وارد سازد.^{*}

۳- با وجود این که از مدت‌ها پیش بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا فعالیت می‌کرد و اطلاعات نسبتاً فراوانی از احتمال تهاجم عراق وجود داشت، اقدام مناسبی انجام نداد، به همین دلیل علی‌رغم آمادگی برای مقابله با بسیج امکانات کشور، فرماندهی و کنترل به نحو مناسبی اجرا نشد.

۴- سرعت پیشروی اولیه عراق‌ها در برخی از محورها نمایانگر عدم آمادگی برای مقابله با تهاجم دشمن بود، حال آنکه ارتش عراق در هر محوری که با اندکی مقاومت روبرو می‌شد از شتاب و سرعت اولیه خود می‌کاست. به عنوان مثال

* ویلیام اف‌هیگمن یکی از فرماندهان نیروی دریایی امریکا در مقاله ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده ایران در سال ۱۹۸۲ از انتشارات موسسه برنامه مطالعات سیاست خارجی بروکینگز، در این بازه معتقد است: حملات نیروی هوایی به هدف‌های دور از مناطق درگیری به دلیل ارزش‌های سیاسی و روانی آن، تصمیم عاقلانه‌ای بود زیرا انجام دادن عملیاتی از قبیل پوشش هوایی برای نیروی زمینی به وجود هماهنگی نیروها نیاز داشت و ایران در آن اوضاع فاقد آن بود.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، ترجمه گروه تحقیق، ۱۳۶۳/۱۲/۲۰)

مقاومت تیپ ۳۷ زرهی شیراز در محور فکه از چنان اهمیتی برخوردار بود که دشمن نیز زبان به اعتراف گشود.

۵- ضعف روحیه رزمی در نیروهای ارتش کاملاً قابل مشاهده بود به عنوان مثال در حالی که در حدود یک گردان نیرو در گردان دژ وجود داشت و این نیروها قادر به جنگ و مقابله بودند، لیکن مواضع خود را بدون مقاومت ترک کردند یا به اسارت دشمن درآمدند، حال آنکه عراقی‌ها برای مقابله با این نیروها تدبیر خاصی را در نظر گرفته بودند. نمونه‌ای دیگر در محور غرب کرخه بود که نیروهای تیپ ۱ از لشکر ۹۲ برخلاف نیروهای تیپ ۳۷ زرهی بدون هیچ‌گونه مقاومتی مواضع خود را ترک می‌کردند، به همین دلیل بنا بر اظهارات برخی از اسیران تیپ ۱۰ زرهی ارتش عراق، نیروهای عراقی ظرف ۴ روز به پشت رودخانه کرخه رسیدند.

۶- ضعف آموزش نظامی و از هم پاشیدگی مدیریت سطح بالای گذشته موجب گردید که به تناسب امکانات و یگان‌های زرهی مستقر در منطقه جنوب کشور، مانور زرهی در برابر دشمن انجام نشود. حتی بعدها نیز این ضعف وجود داشت و همین امر موجب گردید با ستون کردن تانک روی جاده، در هوای روشن مبادرت به جنگ نمایند که کمترین نتیجه آن انهدام امکانات و تجهیزات نظامی ارتش شد.

۷- ناتوانی در اجرای اصول جنگ و روش‌های کلاسیک^{*} به هنگام مقاومت در برابر نیروهای عراقی و بعدها در عملیات آفندی علیه ارتش عراق بخش دیگری از ضعف‌های ارتش بود که ناکامی‌هایی را دنبال داشت.

۸- استقرار نیروهای دشمن در مواضع نامناسب و توجیه نبودن آنها به منطقه، فرصت مناسبی را برای اجرای عملیات ایزدایی در شب فراهم ساخته بود، اما متأسفانه این امر به هیچ‌وجه مورد توجه نیروهای کلاسیک قرار نگرفت و عمدتاً نیروهای مردمی و انقلابی چنین عملیات‌هایی را اجرا می‌کردند. این عدم تحرک برای مقابله به شیوه چریکی به این دلیل بود که در آیین‌نامه‌های ترجمه شده از منابع ارتش آمریکا، چنین پیش‌بینی‌هایی وجود نداشت و به

^{*} در همین زمینه در کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد سوم، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۶۶ آمده است: اصلاً ارتش جمهوری اسلامی در شرایطی با تجاوز عراق و ادامه آن روبه‌رو شد که اجرای برنامه‌های کلاسیک نظامی مقدور نبود.

ارتش ایران نیز آموزش داده نشده بود، لذا در میدان نبرد این گونه ابتکارات مشاهده نشد.

۹- کمبود نیرو و عدم سازمان‌دهی مناسب نیز به چشم می‌خورد. در واقع ضمن اینکه ارتش روند تحولات نظامی دشمن را پس از انقلاب به درستی مورد توجه قرار نداده بود، توانایی لازم را نیز برای سازمان‌دهی نیروهای مردمی نداشت، لذا نیروهای منقضی خدمت سال‌های قبل تنها پس از شروع جنگ جذب شدند* و البته با این استعداد (۸۰ هزار نفر) امکان سازمان‌دهی ۵ لشکر پیاده وجود داشت، لیکن اقدام مناسبی برای آن انجام نگرفت، تنها نیروهای شهید چمران که به طور محدود در برخی از محورها بویژه در آبادان و حوالی سوسنگرد حضور داشتند، از نظر لجستیک و فرماندهی تحت امر ارتش قرار گرفته بودند.

در عین حال ایران در برابر عراق در برخی زمینه‌ها برتری قابل توجهی برخوردار بود. به عنوان مثال: عمق استراتژیک شهرهای ایران، وجود ارتش بزرگ و به جامانده از قبل که به سیستم‌های مدرن مجهز بود، وجود نیروهای مسلح نیمه آموزش دیده، وجود شور انقلابی که در تقویت روحیه نیروهای نظامی ایران بسیار موثر بود، در اختیار داشتن مقدار معتدبایی تکنولوژی بسیار پیشرفته و وجود ذخایر نسبتاً مناسب ارزی که با افزایش قیمت نفت تا اندازه‌ای بهبود یافته بود.**

استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش سپاه در تثبیت نیروهای دشمن

عملکرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در صحنه‌های مختلف اعم از مبارزه با گروهک‌ها و عناصر وابسته در داخل از جمله در مناطقی همچون گنبد، کردستان، بلوچستان و سپس در برابر تجاوز عراق اساساً مبتنی بر درک و تلقی سپاه از ماهیت انقلاب اسلامی و ستیزه‌جویی همه‌جانبه قدرت‌های خارجی و ضدانقلاب داخلی با آن بود. سپاه با روحیه شهادت طلبی* و "انسجام درونی" و "خلاقیت نظامی"، از قابلیت بسیاری برای مقابله با تهدیدات در صحنه‌های مختلف برخوردار بود. بیان امام خمینی در معرفی سپاه سبئی بر این که "اگر سپاه نبود کشور نبود." گویاترین عبارت در ترسیم نقش تعیین کننده سپاه در روند حوادث و تحولات انقلاب و جنگ است.

x ابوالحسن بنی صدر، روزها بر رئیس جمهور چه می‌گذرد؟ روزنامه انقلاب اسلامی، مهرماه ۱۳۵۹
** آنتونی کردزمن، درس‌هایی از چنگ مدرن، جلد دوم، ترجمه حسین یکتا (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).

گرچه سپاه ماموریت مستقیم برای دفاع از مرزها را برعهده نداشت لیکن همان ویژگی‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت سبب گردید تا نیروهای سپاه پاسداران در کلیه محورهای جنگ به صورت مستقل و یا در کنار برادران ژاندارمری و ارتش حضور داشته باشند. حضور سپاه در شهرها و ماموریتی که برای دفاع از دست‌آوردهای انقلاب داشت، موقعیت این نیرو را کاملاً در وضعیت مطلوبی قرار داده بود. البته علت حضور و فعالیت مطلوب سپاه در شهرها "وضعیت بحرانی" بود. بدین معنا که در یک منطقه به میزانی که وضعیت نامطلوبی حاکم بود، به همان میزان سپاه از سازمان‌دهی و موقعیت مطلوب‌تری برای مقابله برخوردار بود، به عنوان مثال در منطقه کردستان و یا در خوزستان به دلیل فعالیت عناصر ضد انقلاب و اقدامات ایدئولوژیک و ابسته به عراق، نقش و موقعیت سپاه کاملاً برجسته بود. در منطقه جنوب تحرکات گسترده ضدانقلاب در نقاط مختلف بویژه در خرمشهر، سبب گردید تا نیروهای سپاه با درکی که از ماهیت این تلاش‌ها و احتمال وقوع جنگ داشتند* نیروهای مردمی را در داخل خرمشهر برای مقابله با عناصر ضد انقلاب و تجاوزات احتمالی عراق سازمان‌دهی کنند که تأثیرات آن در مقاومت ۴۴ روزه در برابر دشمن آشکار گردید.

البته تلاش‌هایی که امام خمینی پیش از این برای تشکیل بسیج و ایجاد آمادگی برای مقابله با تهاجم احتمالی امریکا یا عوامل وابسته به امریکا انجام دادند بسیار با اهمیت و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مقاومت مردمی داشت، چنان که امام در پنجم آذر ۱۳۵۸ و تنها ۲۲ روز پس از اشغال لانه جاسوسی با توجه به احتمال تهاجم نظامی امریکا به ایران، فرمان تشکیل بسیج با جذب، سازمان‌دهی، آموزش و به‌کارگیری نیروهای مردمی را صادر فرمودند. امام با این اقدام در نظر داشتند علاوه بر کسب آمادگی برای مقابله با هرگونه تجاوز نظامی به نوعی دشمنان را تهدید و از تهاجم بازدارند چنان که در یکی از سخنرانی‌ها فرمودند:

"مهیا شدنمان هم طوری باشد که این مهیا شدن بترسند آنهایی که خیال هجمه دارند. دشمنان بترسند از قوه شما**"

* ۱۰ روز قبل از شروع جنگ، در مقر لشکر ۸۱ جلسه‌ای با حضور بنی صدر و فرماندهان نظامی تشکیل شد که شهید بروجردی نیز در آن حضور داشت. سردار صفوی می‌گردد: "ما در این جلسه گفتیم عراق می‌خواهد حمله کند و بنی صدر شروع کرد به قهقهه زدن." فرمانده وقت لشکر ۸۱ نیز گفت: "عراق جرات می‌کند به ما حمله کند. ما توی دهن عراق می‌زنیم."

(سردار رحیم صفوی، جلسه تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دوره عالی جنگ سپاه، ۷۴/۴/۲۲)

** صحیفه نور، جلد ۱۱، ۵۸/۱۲/۶

امام خمینی همچنین با توجه به تداوم توطئه علیه ایران، پس از حادثه طبس فرمودند:

«سپاه ۲۰ میلیونی که خود را مجهز نموده‌اند، امروز برای فداکاری اسلامی مهیا باشند»^{*}

۹ روز قبل از تهاجم سراسری عراق و در وضعیتی که درگیری در مناطق مرزی به گونه‌ای شدید و گسترده شروع شده بود، امام فرمودند:

«ارتش بیست میلیونی و بسیج عمومی که با سازمان‌دهی خود ملت مجهز می‌شوند، آماده فداکاری در راه اسلام و کشور است»^{**}

در آغاز جنگ علاوه بر نیروهای کلاسیک در مقابله با تهاجم گسترده دشمن، بسیج نیز به دلیل عدم انسجام و سازمان‌دهی مناسب، نتوانست نقش اساسی در بازدارندگی ایفا کند گرچه نیروهای مردمی به صورت پراکنده حضور داشتند. مهمترین دلایل عدم کارایی اولیه بسیج را باید در عواملی همچون «فرماندهی نامناسب» که مورد حمایت بنی‌صدر بود و «عدم سازمان‌دهی مناسب» جست و جو کرد. در عین حال نظر به اینکه بسیج قبل از آغاز جنگ و در سال ۱۳۵۸ با دستور امام تاسیس شده بود، در پی حمله دشمن با حضور نسبتاً فراگیر و گسترده مردم در جبهه‌ها^{***} و «شکل‌گیری مقاومت مردمی» مرحله جدیدی از حیات نظامی بسیج آغاز شد.

در این مرحله مقاومت مردمی اساساً در شهرها شکل گرفت و سبب شد که کلیه محاسبات عراق در هم بریزد طوری که این مقاومت‌ها منجر به تاخیر و ناهماهنگی در پیشروی نیروهای عراقی و در نتیجه ناکامی ارتش عراق شد. در این دوره گرچه نیروهای انقلابی و مردمی در مقابله با دشمن از استراتژی طرح‌ریزی شده و مکتوب پیروی نمی‌کردند، لیکن هسته اصلی این استراتژی نانوشته، «ناکام کردن دشمن و متوقف ساختن او» بود. سردار رضایی در این باره می‌گوید:

نیروهای مردمی در مقابله با دشمن گرچه بر اساس یک استراتژی طراحی شده رفتار نمی‌کردند، لیکن متوقف کردن دشمن، هسته اصلی استراتژی اولیه را تشکیل

^{*} پیشین، ۵۹/۲/۱۲

^{**} صحیفه نور، جلد ۱۳، ۵۹/۶/۲۱

^{***} برابر گزارش ستاد عملیات جنوب - گزارش مورخه ۱۳۶۰/۴/۶، ص ۱) و برابر آمار مختصری که گرفته شده بود، در ابتدای جنگ غیر از سپاه و ارتش بیپ از ۲۰ گروه و سازمان و ستاد در منطقه نیرو داشتند. بدیهی است این حضور بر اساس تفکر امام مبنی بر بسیج نیروهای مردمی برای دفاع از انقلاب، شکل گرفته بود.

می‌داد، به همین دلیل بر اثر مقاومت مردم علاوه بر انهدام نیروهای دشمن، پیشروی آنها را متوقف و یا با تاخیر و کندی همراه کرد.^{*}

علاوه بر مقاومت عمومی مردم، نیروهای انقلابی نظیر سپاه که از سازمان‌دهی اولیه مناسبی برخوردار بودند برخلاف طرز تفکر بنی‌صدر مبنی بر "دادن زمین برای به‌دست آوردن زمان"، استراتژی "مقاومت در هر مکان و حفظ زمین برای به‌دست آوردن زمان" و ایجاد تاخیر در حرکت‌های دشمن را مبنا قرار دادند و بر همین اساس رفتار کردند. آیت‌الله خامنه‌ای نماینده وقت امام در شورای عالی دفاع در این مورد اظهار داشتند:

"سپاه بسیار مومنانه جنگید و با امکانات کمی که داشت توانست در وضعیت جنگ شدیداً موثر باشد."^{**}

علاوه بر تحرک فوق‌العاده نیروهای سپاه در خرمشهر که در واقع منجر به تاخیر در پیشروی نیروهای دشمن به سمت آبادان و در نتیجه حفظ آبادان از سقوط حتمی شد، شبیخون نیروهای سپاه علیه دشمن به فرماندهی شهید غیور اصلی سبب گردید در وضعیتی که نیروهای عراقی پس از عبور از شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه در آستانه ورود به شهر اهواز بودند، تا پشت شهر سوسنگرد عقب‌نشینی نمایند.

بنابراین در یک نگاه کلی شاید بتوان بر این نکته تاکید کرد که از دست دادن بخشی از مناطق مرزی و شهرها علی‌رغم جانفشانی و مقاومت‌های مردم و ارتش و سپاه^{***} عمدتاً متأثر از بینش سیاسی - نظامی بنی‌صدر بود. ضمن این‌که متقابلاً ناکامی دشمن در تأمین تمامی مقاصد سیاسی و نظامی که منجر به شکست استراتژی جنگ برق‌آسا شد، عمدتاً به دلیل مقاومت‌ها و حرکت‌های تاخیری ناشی از مقاومت نیروهای مردمی و بر پایه یک استراتژی انقلابی انجام گرفت. در واقع

^{*} سردار محسن رضایی تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده دافوس سپاه، دوره عالی جنگ ۷۴/۴/۱۵.

^{**} رزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۸/۹

^{***} امام خمینی - بر خلاف بنی‌صدر که تلاش می‌کرد با حذف نیروهای انقلابی میان سپاه و ارتش جدایی بیفکند - به وحدت نیروها اعتقاد داشتند، چنان‌که در یک جلسه خصوصی خطاب به فرماندهان سپاه فرمودند: "این جور نکنید که شما به تنهایی می‌توانید جنگ را جلو ببرید، یا ارتش فکر کند که به تنهایی می‌تواند این کار را به انجام برساند، با هم این جنگ را جلو ببرید و با همدیگر دفاع بکنید."

{موسسه حفظ آثار امام خمینی، امام و دفاع مقدس، مجموعه

خاطرات (خاطرات محمد مبلغ)، (تهران، ۱۳۷۷)، ص ۱۴۲}

توقف و زمین گیر شدن دشمن* نمایانگر صحت و موفقیت استراتژی نیروهای انقلابی در جنگ بود که اساساً در محاسبات دشمن هیچ نقش و جایگاهی نداشتند. بنابراین، ایجاد تاخیر در حرکات دشمن و ایجاد شکاف بین یگان‌های ارتش عراق و مجموعه تلاش‌ها و اقداماتی که منجر به تاخیر در سقوط خرمشهر و جلوگیری از سقوط آبادان شد، ناکامی ارتش عراق در رسیدن به اهدافش را رقم زد و این رخداد اساساً متأثر از نتایج استراتژی نیروهای انقلابی و مردمی بود. نقاط قوت نیروهای خودی علاوه بر نقش محوری و تعیین کننده امام در مهار بحران و سازمان‌دهی و بسیج و تهییج نیروهای انقلابی و مردمی، متأثر از حضور گسترده مردم و همچنین نیروهای حزب‌اللهی ارتش بود. چنان‌که بعدها امام خمینی فرمودند که عراقی‌ها در محاسبات خود نقش مردم و تحولی را که ارتش صورت گرفته است، نادیده گرفتند. در عین حال حضور بنی‌صدر در راس سیستم اجرایی کشور و نیز به عنوان فرماندهی کل قوا، فقدان استراتژی و طرح مناسب دفاعی و عدم آمادگی نیروهای نظامی و همچنین توطئه عناصر ضدانقلاب در درون ارتش از جمله معایبی بود که سبب گردید علی‌رغم زحمات و جان‌فشانی‌هایی که انجام گرفت، دشمن برخی از مناطق مرزی و شهرها را محاصره و یا اشغال کند.

علل توقف ارتش عراق و نظریات موجود

ارزیابی استراتژی نیروهای انقلابی و تلاش‌های سپاه می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد که «چه عواملی در شکست ارتش عراق تاثیر داشت؟» در این زمینه تاکنون نظریات مختلفی بیان شده است. که اجمالاً به بخشی از آنها اشاره می‌شود:^{xx}

الف: ارتش عراق بنا به ملاحظات سیاسی و برخی محاسبات غلط نظامی، سرانجام به ارتش در حال پیشروی خود، دستور توقف داد. برخی از کارشناسان نظامی و همچنین برخی از اسیران عراقی بر این نظر پافشاری می‌کنند. به عنوان مثال یکی از فرماندهان لشکر ۱۰ ارتش عراق می‌گوید: «ما برای پیشروی در منطقه غرب رودخانه کرخه، عمق محدودی را پیش‌بینی کرده بودیم، لیکن هشام فخری

* سردار محسن رضایی فرمانده محترم سپاه ایجاد فاصله بین یگان‌های ارتش و «تأخیر در پیشروی» نیروهای عراقی را تنها بخشی از نتایج مقاومت نیروهای مردمی و تاثیر آن در زمین گیر شدن دشمن ذکر می‌کند.

(دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۴/۱۵، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق)

** محمد درودیان، «علل تهاجم و توقف اولیه عراق، بررسی نظریه‌های موجود» مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۶-۱۵، سال چهارم (۱۳۷۵)، ص ۹۰-۵۹

فرمانده لشکر از ما سؤال کرد که چرا تصرف مسجد سلیمان را در اهداف خود پیش‌بینی نکرده‌اید؟ وقتی ما طی چهار روز به سهولت به ساحل رودخانه کرخه رسیدیم، اصرار داشتیم از رودخانه عبور کنیم و جاده اهواز - اندیمشک را قطع و به سمت اندیمشک و دزفول پیشروی کنیم، لیکن فرمانده لشکر مخالفت کرد و ما احساس کردیم تصمیم فرماندهی رده بالاتر این است که فعلاً در مواضع تصرف شده متوقف شویم.^{۱۰} طبق این توضیح، در واقع دستور توقف در این محور به دلیل ملاحظات بود که به هیچ وجه با مقاومت نیروهای خودی در برابر نیروهای لشکر ۱۰، ارتباطی نداشت بلکه متاثر از ملاحظات سیاسی و نظامی دیگری بود که در سطح فرماندهی رده بالاتر مورد توجه قرار گرفته بود.

ب: مقاومت نیروهای مردمی در شهرها، عامل اصلی کندی پیشروی ارتش عراق و شکست آن بوده است، چنان‌که ارتش عراق عمق ۵۰ تا ۸۰ کیلومتری در غرب رودخانه کرخه را بنابه اظهارات اسیران عراقی در چهار روز طی کرد، حال آنکه در محور خرمشهر فاصله ۷ کیلومتری مرز تا پل نو را در ۷ روز پشت‌سر گذاشت. در واقع در منطقه غرب کرخه به‌طور میانگین روزی ۲۰ کیلومتر پیشروی کرده بود حال آنکه در محور خرمشهر روزی یک کیلومتر، آن‌هم با تحمل تلفات نسبتاً فراوان. به این ترتیب مقاومت مردمی در خرمشهر در چارچوب استراتژی نیروهای انقلابی سبب گردید ارتش عراق که تنها یک گردان نیروی مخصوص برای اشغال خرمشهر اختصاص داده بود، نیرویی افزون از دولشکر به منطقه اعزام نماید و سرانجام پس از ۳۴ روز درگیری و توقف در برابر پایداری مردم، خرمشهر را اشغال کرد. در عین حال یگان‌های متجاوز بر اثر مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی در خرمشهر دچار صدمات و ضعف روحی و در نتیجه کندی در پیشروی شدند که به سبب آن، حرکت کلی ارتش عراق نیز با ناهماهنگی همراه شد و سرانجام از دستیابی به اهداف خود ناکام ماند.^{*}

^{*} رژیم شاه به دلیل برعهده داشتن مأموریت دفاع از منافع آمریکا در منطقه و همچنین اعتماد آمریکا به رژیم که متاثر از وابستگی شدید آن بود، ایران را به انبار تسلیحات تبدیل کرده بود. در واقع بخش هنگفتی از ارز حاصله از افزایش قیمت نفت در سال‌های پایانی عمر رژیم صرف خرید تجهیزات نظامی شده بود، بنابراین در این زمینه هیچ‌گونه کمبودی در مرحله آغازین جنگ وجود نداشت و اگر مسئله‌ای بوده، صرفاً در به‌کارگیری آنها بوده است. برادران ارتش به دلیل اینکه مأموریت دفاع از مرز و استقلال را برعهده داشته‌اند و کلیه امکانات موجود دفاعی کشور در اختیار آنان بود، ضمن بررسی علل پیشروی عراق، نقش ارتش در مقابله با نیروهای دشمن را مورد تأکید قرار داده‌اند و در مورد علل پیشروی ارتش عراق و استقرار در مواضع اشغالی، براین باور هستند که:

اگر دشمن در این مدت پیشروی کرده‌است به دلیل عدم برابری توان رزمی و برتری چشمگیر توان رزمی عراق در آغاز تهاجم بوده است. حداقل ۱ به ۱۰.^{۱۰}

(جزوه منتشره از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، اداره آموزش،

نقدی بر کتاب از خونین شهر تا خرمشهر، سال ۱۳۷۳، ص ۴)

در این تحلیل اساساً عنصر اصلی در پیشروی نیروهای عراقی برتری توان رزمی عراق به نسبت ۱ به ۱۰ مورد تاکید قرار گرفته است. برادران ارتش در عین حال در مورد عامل توقف ارتش عراق معتقدند:

عامل اصلی توقف حمله دشمن که برابر سوابق موجود در چندین مرحله، اجرا و همواره ناکام ماند، به کارگیری کلیه توان ارتش شامل نیروی هوایی قهرمان و ناوگان هلی کوپتری نزا که به علت عدم آسیب در طول انقلاب کماکان چهارمین قدرت جهان محسوب می گردید و با حملات مداوم و شکار تانک و ترکیب قدرت آتش آن با حجم عظیم آتش توپخانه که در هر مرحله به صورت سد آتش متجلی می گردید و همچنین به کارگیری زرهی و پیاده که سرعت بازسازی و به جبهه رهسپار می گردیدند، این عمل میسر شد.^{۱۰}

(ماخذ پیشین)

در این جا نوعی تناقض مشاهده می شود، بدین معنا که پیشروی ارتش عراق به دلیل برتری آنها به نسبت ۱ به ۱۰ ذکر می شود ولی در مورد نقش نیروهای ارتش به قدرت و وانایی آنها مبنی بر "چهارمین ارتش جهان" اشاره می شود. حال آنکه اگر این ادعا صحت داشت، مسلماً ارتش عراق در تصمیم گیری برای تهاجم به ایران دچار تردید می شد.

فصل چهارم

عملیاتهای ایران برای
متوقف کردن، تثبیت و
عقب‌راندن ارتش عراق

جمع‌بندی عملیاتهای جبهه‌های جنوب، میانی و غرب کشور

پس از تجاوز ارتش عراق در ۳۱ شهریور سال ۵۹ تا عملیات طریق‌القدس در آذرماه سال ۶۰، عملیاتهای زیادی توسط رزمندگان اسلام در جبهه‌های مختلف انجام شد. که در این عملیاتها تعداد قابل توجهی از ادوات و تجهیزات نظامی ارتش عراق منهدم و بخشی نیز به غنیمت نیروهای ایرانی درآمد.

به عبارت دیگر عملیات نیروهای خودی همزمان با تجاوزات ارتش عراق شروع شد. اولین عملیات نیروهای ایرانی که در منطقه جنوب در محور اهواز - حمیدیه - سوسنگرد انجام شد بنام شیخون شهید غیور اصلی معروف شد در این عملیات دشمن که تا حمیدیه پیش آمده بود و در آستانه دروازه اهواز قرارداشت چندین کیلومتر به عقب رانده شد بگونه‌ای که شهرهای سوسنگرد و بستان و چندین روستای منطقه از لوٲ عناصر دشمن پاکسازی شد. گرچه بدلیل عدم پشتیبانی، کمبود نیرو و سایر مشکلات خاص زمان اول جنگ دشمن بستان را مجدداً اشغال و سوسنگرد را پس از مدتی محاصره کرد ولی این اقدام نیروهای اسلام بیانگر سیاست تهاجمی نیروهای انقلاب بود که از همان ابتدای تجاوز دشمن توسط نیروهای خودی به اجرا درآمد.

در جبهه میانی در روز چهارم و پنجم جنگ تعدادی از برادران سپاه در یک یورش بخشی از ارتفاعات قراویز در محور سرپل‌ذهاب به قصرشیرین را آزادسازی کردند. در طول قریب به ۱۵ ماه نیروهای خودی که در سازماندهی‌ها و تحت عناوین مختلف از جمله جنگهای نامنظم دکترچمران، فدائیان اسلام، سپاه و بسیج شهرستانها به جبهه‌های نبرد گسیل شده‌بودند با انجام عملیاتهای پی‌درپی سازمان رزم خود در آینده را رقم می‌زدند. عدم‌تجربگی و همچنین نبود ساز و برگ نظامی در دست نیروهای مردمی و انقلابی موجب شده بود تا بعضاً این نیروها تحت پوشش یگانهای ارتش در مناطق مختلف مستقر و عملیات انجام بدهند. در همین مدت، تجربیات متعددی از حیث سازمان و فرماندهی توسط نیروها کسب گردید.

کم‌کم فرماندهی عملیات مشترک گردید و موفقیت محورهای تحت فرماندهی سپاه که سنگینی خاصی نسبت به موقعیت محورهای تحت فرماندهی نیروها سنتی نظامی داشت موجب گردید تا فرماندهان سپاه از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار شده و خود درصدد طراحی و انجام عملیاتی برآیند.

در یک جمع‌بندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در این دوره از جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انجام عملیاتهای متعدد توانست جایگاه ویژه‌ای در بین طراحان و فرماندهان نظامی برای خود بازکند. و با غنائم بدست‌آمده نیز توانست سرعت بیشتری به سازماندهی واحدهای مختلف خود بدهد. بخشی از اقدامات و عملیاتهای خودی در طول ۱۵ ماه اول جنگ در دو جبهه غربی و جنوبی به شرح زیر می‌باشد.

الف) عملیاتهای جبهه جنوب

نام عملیات: آزادی سوسنگرد (شهید غیور اصلی)

تاریخ عملیات: ۵۹/۷/۹

نوع عملیات: تک هماهنگ.

منطقه عملیات: حمیدیه - بستان.

مدت درگیری: ۱ روز.

مراحل عملیات: دو مرحله.

هدف: آزاد سازی شهرهای سوسنگرد و بستان و عقب راندن دشمن از غرب جاده اهواز - سوسنگرد.

فرماندهی: سپاه (شهید غیور اصلی).

سازمان رزم: یک دسته از سپاه اهواز به استعداد ۲۸ نفر.

پشتیبانی رزم: هوانیروز.

دشمن: یک گردان زرهی از تیپ ۴۳ لشکر ۹ و گروه جبهه التحریر شاخه سوسنگرد، بستان.

شمال کرخه در حد فاصل مرز تا شهر سوسنگرد تحت اشغال تیپ ۳۵ لشکر ۹ زرهی قرار داشت. شهر سوسنگرد نیز در تاریخ ۵۹/۷/۶ توسط لشکر ۹ اشغال گردیده و سپس به نیروهای خلق عرب واگذار شده بود. اما حد فاصل کرخه کور تا جاده حمیدیه - سوسنگرد، تحت اشغال تیپ ۴۳ زرهی در آمده بود.

دشمن با عبور از کرخه کور در صدد بود جاده حمیدیه - اهواز را در محدوده روستای سید نعیم تا روستای گلپهار مسدود کرده و با پیشروی محاصره اهواز را کامل کند.

شرح:

قبل از شروع حمله نیروهای سپاه از تاریکی شب استفاده کرده و در شمال جاده حمیدیه - سوسنگرد به صورت تیم‌های دو نفری و به فاصله ۱۰۰ متر از یکدیگر در محدوده خط خودی که از سه راه حمیدیه تا گلپهار امتداد داشت و طول آن به ۱،۴۰۰ متر می‌رسید آرایش گرفته بودند. در ساعت ۴ بامداد روز (۵۹/۷/۹)، با فرمان شهید غیور اصلی از ابتدا و انتهای خط خودی اجرای آتش به سوی دشمن شروع شد و تانکهای دشمن هدف گلوله‌های آرپی جی قرار گرفت. نیروهای دشمن که از این حمله غافلگیر شده بودند با به جای گذاشتن تعدادی تانک سالم به سوی کرخه کور عقب نشینی کردند. در جریان عقب‌نشینی هوانیروز که از قبل هماهنگ شده بود به تعقیب تانکهای دشمن پرداخت.

با عقب نشینی دشمن از جنوب جاده حمیدیه - سوسنگرد، جاده آزاد شد و امکان اجرای مرحله دوم عملیات ایجاد گردید. جهت تک در مرحله اول از شمال به جنوب بود. در مرحله دوم تک با ۹۰ درجه چرخش، به سمت غرب تغییر مسیر داد.

در این مرحله، نیروهای سپاه به منظور آزاد سازی سوسنگرد و سپس بستان، با حمایت هوانیروز عملیات را به سمت غرب ادامه دادند. یک یگان از تیپ ۳ لشکر ۹۲ نیز نقش 'دنبال‌پشتیبان' را ایفا می‌کرد. نیروهای جبهه التحریر که در سوسنگرد مستقر بودند، نتوانستند در برابر تهاجم خودی ایستادگی کنند، لذا نیروهای خودی بعد از آزادسازی جاده حمیدیه - سوسنگرد، وارد سوسنگرد شدند. پس از آزاد سازی سوسنگرد، عملیات تا بستان ادامه پیدا کرده و شهر بستان نیز آزاد شد.

در سوسنگرد نیروهای خلق عرب که با عراق همکاری می‌کردند دستگیر شده و بخشدار و فرمانداری که عراق در آنجا منصوب کرده بود، اعدام شدند. عراق که به جهت اتکاء به نیروهای جبهه التحریر، حضور ضعیفی در این جبهه داشت نتوانست نسبت به اقدامات سریع و گسترده خودی که با توان اندکی صورت گرفته بود، عکس‌العمل نشان دهد.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح تعداد زیادی.

اسیر: ۱۲ نفر.

غنائم: ۲۲ دستگاه تانک و نفر بر و مقادیر زیادی تجهیزات و مهمات.

انهدام تجهیزات:

خودی:

شهید: ۴ تن.

مجروح:

اسیر:

ملاحظه:

در این عملیات ۴ نفر از برادران سپاه شهید شدند که یکی از آنها برادر مراد اسکندری (معروف به زاپاتا) بود، و دیگری برادر غیور اصلی که در هنگام بازگشت از عملیات به شهادت رسید. این عملیات بعداً به شبیخون "غیور اصلی" مشهور شد. شهید غیور اصلی درجه دار انقلابی از ارتش بود، که به سپاه پیوسته و مسئولیت واحد آموزش سپاه اهواز را به عهده داشت.

نام عملیات: پل نادری

تاریخ: ۵۹/۷/۲۳

منطقه: جبهه جنوب - دزفول - غرب پل نادری.

فرماندهی: ارتش.

سازمان: ارتش.

استعداد خودی: ۱ لشکر پیاده (۳ تیپ پیاده و ۱ تیپ زرهی).

استعداد دشمن: ۱ لشکر زرهی + ۱ لشکر مکانیزه.

پس از آغاز جنگ، با توجه به مأموریت اصلی ارتش که همانا حراست از مرزها در برابر هجوم بیگانگان است، بطور بدیهی چشمها متوجه ارتش و فرمانده کل بنی صدر گردید. در فرماندهان وقت ارتش دو دیدگاه وجود داشت. دیدگاه اول که متعلق به فرمانده نیروی زمینی بود، حفظ دزفول و اندیمشک را مقدم می دانست و دیدگاه دوم که به تیمسار شهید فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش تعلق داشت، حفظ اهواز را تقدم اول می شناخت. به همین جهت فرماندهی دزفول را تیمسار ظهیر نژاد و فرماندهی اهواز و آبادان را شهید فلاحی عهده دار شدند.

اولین عملیات بزرگ خودی در جبهه دزفول به اجرا در آمد. در طرح پیش بینی شده بود که دشمن در مناطق اشغالی منهدم گردیده و سپس به منظور تعقیب

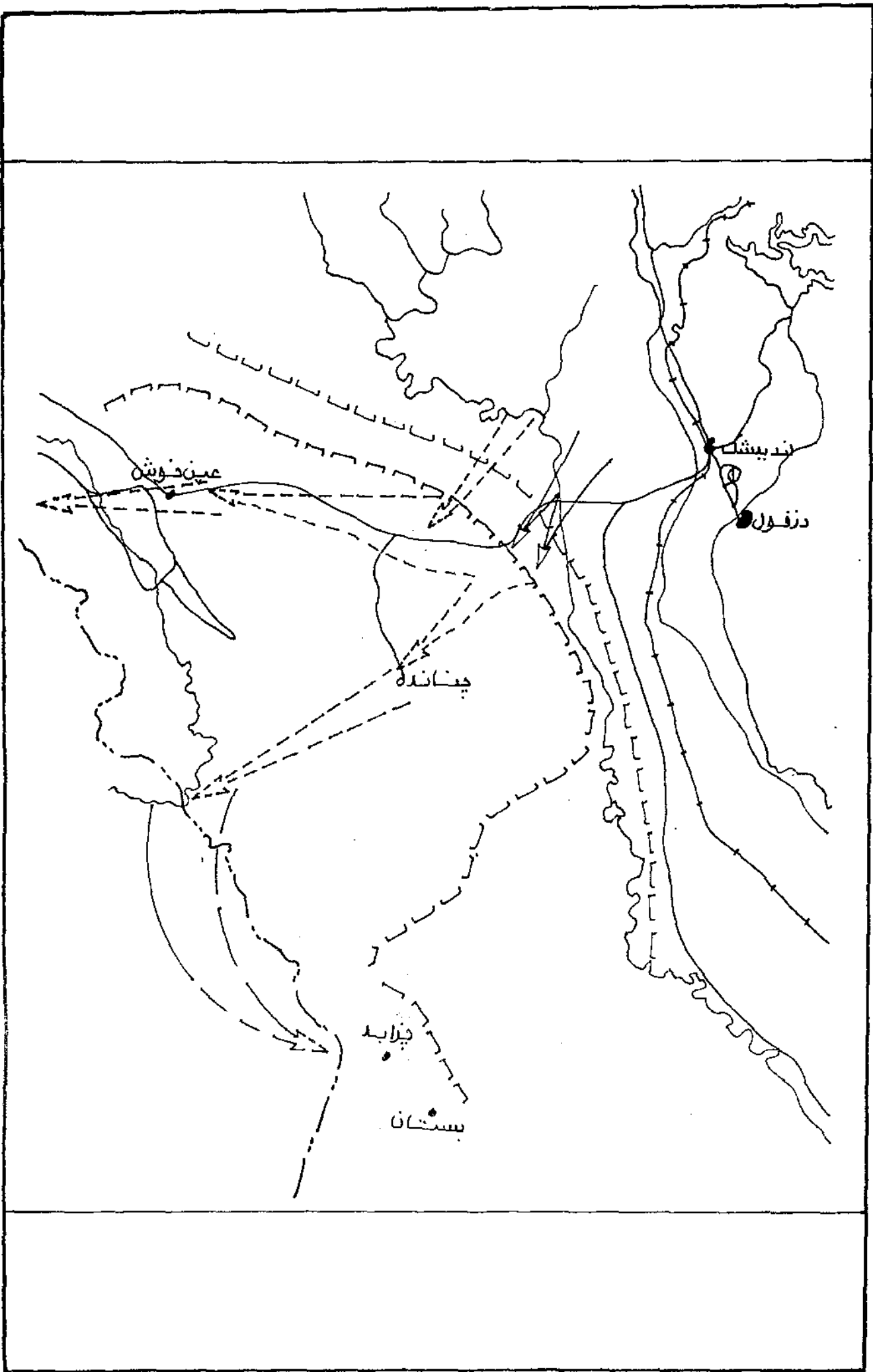
دشمن از مرز عبور نموده و به سمت حلفائیه و جزایه پیشروی شود تا عقبه نیروهای مستقر در بستان و سوسنگرد را بسته و آنها را به محاصره در آورند. ایده کلی، بسیار خوب بود و مسلماً در صورت موفقیت، در سرنوشت جنگ تاثیر می گذاشت. لیکن طرح ریزی مناسبی صورت نگرفته بود، به تاکتیک عملیات توجه کافی نشده بود و تدبیری برای شکستن خط وجود نداشت.

عملیات در ساعت ۷ بامداد روز ۵۹/۷/۲۳ آغاز شد. تانکهای خودی، بدون حمایت نیروهای پیاده در ستون و به موازات جاده دهلران، به سمت مواضع دشمن به حرکت در آمدند.

شیب زمین به گونه ای بود که تانکهای خودی در دید کامل دشمن قرار داشتند، لذا نیروهای ضد ذره عراقی در نزدیکی جاده دهلران موضع گرفته و قبل از دستیابی تانکها به خاکریز دشمن در حوالی کانال هندلی و در کنار جاده دهلران، به طرف آنها شلیک کردند.

در نتیجه حرکت ستون زرهی متوقف شد و عملیات چهار ساعت پس از آغاز با تحمل ضایعات قابل توجهی به پایان رسید.

نکته: عدم موفقیت در محور دزفول باعث گردید موقعیت صاحبان اندیشه ای که برای پدافند در محور اهواز اهمیت بیشتری قائل بودند تقویت شوند.



نام عملیات: جاده ماهشهر.

تاریخ: ۵۹/۸/۳

منطقه عمومی: شمال آبادان.

نوع: انهدامی.

مدت درگیری: ۱ روز.

هدف: آزاد سازی جاده ماهشهر - آبادان.

فرماندهی: ارتش - ستاد اروند.

سازمان رزم:

۱- محور ماهشهر - آبادان: گردان (-) ۱۴۴ پیاده از لشکر ۲۱، یک گروهان از تیپ ۳۷ به استعداد ۱۷ تانک و گردان ۲۱ به استعداد ۱۸۰ نفر ژاندارمری به فرماندهی ارتش.

۲- محور آبادان ماهشهر: محور آبادان - ماهشهر: ۲ گردان از سپاه و فدائیان اسلام به فرماندهی سپاه

۳- محور آبادان - اهواز: ۱ گردان از سپاه و کمیته به فرماندهی سپاه. پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش - گروه ۲۲.

استعداد دشمن: تیپ ۶ زرهی از لشکر ۳ زرهی.

طرح مانور: تک احاطه‌ای بر روی جاده ماهشهر آبادان به منظور آزاد سازی جاده و تک بر روی جاده آبادان اهواز به منظور تامین جناح چپ عملیات.

شرح:

در ساعت ۵ بامداد ۳۰ دقیقه آتش تهیه ریخته شد سپس تک زمینی آغاز شد تک در محور یک به زرهی اتکا داشت و با آتش ضد زره دشمن منوقف شد تک در محور دوم و سوم با موفقیت انجام شد.

نتیجه:

۱- به جهت توقف تک در محور اول الحاق بین محور اول و دوم صورت نگرفت لذا محور دوم و سوم عقب نشینی کردند.

۲- عقب نشینی تعجیلی صورت گرفت و شهدا و مجروحین جاماندند.

۳- ۳۴۷ نفر مفقود و ۵۴ نفر مجروح و ۹ نفر شهید شدند.

۴- ۱۵ تانک خودی منهدم شد.

۵- تیپ ۶ زرهی دشمن آسیب دید.

نکته:

- ۱- در این عملیات دشمن از تسلط هوایی کافی برخوردار بود.
- ۲- جسد جمعی از مفقودین این عملیات در تاریخ ۶۰/۲/۲۵ و پس از عقب نشینی عراق در ۶۰/۳/۳۱، یافت گردید.

عملیات: شوش و دزفول

منطقه عملیات: شوش و دزفول

تاریخ: ۵۹/۸/۴

شرح:

در تاریخ ۵۹/۸/۴ برادران سپاه دو عملیات جداگانه در محورهای شوش دزفول انجام دادند. در محور شوش با یورشهای پی در پی نیروهای خودی، دشمن مجبور شد در حدود سه چهار کیلومتر عقب نشینی کند. در محور دزفول نیز نیروهای خودی با هجوم به مواضع دشمن در منطقه دشت عباس و عین خوش، علاوه بر انهدام چهار نفربر و دو خودرو، ششصد نفر از نیروهای عراقی را به هلاکت رساندند.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح: ۶۰۰ نفر.
انهدام تجهیزات: ۴ دستگاه نفربر و ۲ دستگاه خودرو.
آزاد سازی قریب به ۲۰۰ کیلومتر مربع از منطقه غرب شوش.

عملیات: فارسباب

منطقه عملیات: فارسباب

تاریخ: ۵۹/۸/۴

شرح:

در تاریخ ۵۹/۸/۴ تعدادی از برادران سپاه در فارسباب مستقر بودند، با انجام یک عملیات غافلگیرانه، سی نفر از نیروهای دشمن را به هلاکت رساندند و شش نفربر و یک خودروی دشمن نیز منهدم گردید.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۳۰ نفر.

مجروح: تعداد زیادی.

خودرو: یک دستگاه.

نفربر: ۶ دستگاه.

عملیات: اسکله البکر (مروارید)

منطقه عملیات: شرق خلیج بارس

تاریخ: ۵۹/۹/۸

شرح:

در ساعت ۶،۳۰ دقیقه بامداد روز ۵۹/۹/۷ رزمندگان نیروی دریایی با پشتیبانی نیروی هوایی مجدداً به اسکله البکر عراق یورش بردند. در این عملیات رزمندگان اسلام پرچم جمهوری اسلامی ایران را در اسکله به اهتزاز در آوردند. در این عملیات ناوچه پیکان نیروی دریایی پس از انهدام چند شناور از جمله یک ناوچه اوزا مورد اصابت موشک واقع و غرق شد. بهمین مناسبت امروز روز نیروی دریایی نامیده شد.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح: بیش از ۱۰۰ نفر.

انهدام تجهیزات: انهدام و غرق ۱۰ شناور از جمله یک ناوچه موشک انداز اوزا و انهدام تاسیسات اسکله البکر بگونه‌ای تا ساعت‌ها شعله‌های آتش از دور نمایان بود.

عملیات: کوی ذوالفقار

منطقه: آبادان

تاریخ: ۵۹/۸/۹

شرح:

در بامداد روز ۵۹/۸/۹ دشمن با استفاده از پلی که شب گذشته بر رودخانه بهنشیر نصب کرده بود، نیروهای پیاده خود را وارد کوی ذوالفقاری کرد و هدف دشمن این بود که پس از گرفتن سرپل، یگانهای زرهی خود را برای اشغال آبادان گسیل کند، با اطلاع سپاه از پیشروی دشمن که توسط فردی بنام دریاقلی صورت می‌گردد. برادران سپاه، ارتش و نیروهای مردمی خود را به ذوالفقاری رسانده و پس از نبردی

تن به تن، ضمن به هلاکت رساندن تعداد قابل توجهی از متجاوزان، بقیه آنها را وادار به عقب نشینی کردند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۳۰۰ نفر.

اسیر: ۱۰۶ نفر.

انهدام تجهیزات: ۳۶ دستگاه تانک، ۴۵ دستگاه خودرو و ۶ دستگاه کامیون حامل مهمات.

غنائم: مقدار زیادی تجهیزات و مهمات.

نام عملیات: کوی ذوالفقاری

تاریخ: ۵۹/۸/۱۰

منطقه عمومی: جزیره آبادان.

نوع: آزاد سازی.

مدت درگیری: ۲ روز.

هدف: آزاد سازی جنوب بهمن شیر و تامین جزیره آبادان.

فرماندهی: سپاه آبادان.

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش.

استعداد دشمن: ۲ گردان از تیپ ۲۳ لشکر ۸.

طرح مانور: ۳ دسته (-) از دومحور با مانور جبهه‌ای و احاطه‌ای به دشمن هجوم آوردند. پل بهمن شیر را تامین کرده و دشمن را منهدم می‌کردند.

شرح:

در پی پیشروی دشمن در ۵۹/۸/۹ یک تیم تقویت شده آریبی جی زن با استعداد ۶ نفر از نیروهای دادگاه انقلاب حرکت دشمن را سد کردند سپس یک گروهان (-) به استعداد سه دسته ۱۳ نفره از ۲ محور به دشمن هجوم برد. یکدسته از کنار بهمن شیر و ۲ دسته دیگر از روبرو. پس از شروع درگیری نیروهای دنبال پشتیبانی وارد عملیات شدند و پس از ۱۵ ساعت نبرد به پل دست یافته، دشمن را محاصره کردند، انهدام دشمن و پاکسازی منطقه تا ۵۹/۸/۱۱ ادامه داشت.

سازمان رزم:

- ۱- یک گروهان ادغامی از سپاه، ارتش و مردم به دشمن تک می کرد.
- ۲- ۲ گروهان ادغامی از سپاه، ارتش و مردم دنبال پشتیبان نیروهای تک کننده بود.

نتایج:

- ۱- منطقه‌ای به وسعت کیلومتر مربع آزاد شد.
- ۲- ۲ گردان پیاده عراق ۱۰۰٪ منهدم شد.
- ۳- دشمن ۳۰۰ نفر کشته و ۱۳۰ نفر اسیر داد.
- ۴- ۲ هواپیمای دشمن سقوط کرد.
- ۵- یک لودر و چندین خودرو و انبار مهمات منهدم شد.
- ۶- آمار شهدا و مجروحین خودی در دست نیست.

نکته: فرماندهان سه دسته خط شکن عبارت بودند از شهید اکبر علی پور - شهید حمید قبادی و شهید غلام نوروزی.

نام عملیات: سوسنگرد.

تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲۶

منطقه: جبهه جنوب - سوسنگرد.

فرماندهی، مشترک (ارتش و سپاه).

سازمان: مشترک (ارتش، سپاه ستاد نیروهای نامنظم).

استعداد خودی: یک گردان از ستاد جنگهای نامنظم، دو گردان از سپاه و سه گردان از ارتش.

استعداد دشمن: دوتیپ زرهی.

سوسنگرد یکی از مناطقی است که به عرصه بروز و رشد نیروهای مردمی تبدیل گردید. منطقه‌ای که عمدتاً میعاد گاه پاسداران خوزستانی و آذربایجانی بود و از حمایت‌های امام جمعه شهید تبریز آیت ... مدنی برخوردار بود در این منطقه عملیات متعددی صورت گرفت و بزرگانی چون دکتر مصطفی چمران در سرزمین آن به شهادت رسیدند.

اما پاسداران خوزستان به فرماندهی شهید غیور اصلی در عملیاتی در ۵۹/۷/۱۰ آن را آزاد کردند و با کمک عوامل خود فروخته ۴۴ روز بعد در ۵۹/۸/۲۴ عراق مجدداً برای اشغال سوسنگرد اقدام کرد و شهر را از ۳ طرف به محاصره در آورد.

در حالی که عده‌ای پاسدار، ارتشی و ژاندارم در داخل شهر مقاومت می‌کردند، لذا طرحی برای شکستن محاصره سوسنگرد تهیه شد. تا نیروهای بیرون شهر به کمک آمده محاصره شکسته شود. بر اساس این طرح، می‌بایست دو حرکت اصلی در طرفین جاده حمیدیه - سوسنگرد و یک حرکت فرعی از میشداغ به سبحانیه انجام شود. مضافاً به اینکه نیروهای در محاصره نیز همزمان، دشمن را مورد هجوم قرار دادند. عملیات در ساعت ۶،۳۰ مورخ ۵۹/۸/۲۶ آغاز شد همزمان با اجرای آتش توپخانه روی عقبه دشمن، نیروهای پیاده با پیشروی به موازات جاده حمیدیه - سوسنگرد با حمایت هوانیروز تانکهای عراقی را که مدافعان شهر را تحت فشار قرار می‌دادند، منهدم کردند. لذا تانکهای سالم مانده عراقی به سمت رودخانه کرخه عقب نشینی کرد.

از ساعت ۱۳،۳۰ نیز نیروهای خودی که درون شهر در محاصره بودند، فشار خود به نیروهای عراقی را افزایش داده و آنها را به عقب نشینی مجبور کردند. همچنین، در محور سبحانیه نیروهای خودی موفق شدند دشمن را به عقب برانند. به این ترتیب، حلقه محاصره سوسنگرد شکسته شد و این شهر بطور کامل در اختیار نیروهای خودی قرار گرفت.

عملیات: دفع حمله دشمن

منطقه عملیات: محمدیه و سلمانیه.

تاریخ: ۵۹/۹/۹

شرح:

در ساعت ۷ بامداد روز ۵۹/۹/۹ نیروهای زرهی و پیاده دشمن به همراه پانزده تانک و نفربر زرهی و حدود ۳۰۰ نفر پیاده به مواضع برادران سپاه در روستاهای محمدیه و سلمانیه حمله کردند. رزمندگان پاسدار با هوشیاری از پیشروی آنها جلوگیری کردند و ضربه‌های سنگینی بر نیروهای متجاوز وارد آوردند، در این وضعیت نیروهای زرهی دشمن ۵ دستگاه تانک و نفربر سالم را رها کرده، به همراه نیروهای پیاده - که آنها نیز سلاحهای خود را انداخته بودند - از محل درگیری گریختند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۱۲ نفر.

مجروح: ۱۰ نفر.

اسیر: ۳ نفر.

انهدام تجهیزات: ۲ دستگاه تانک.

غنایم: ۴ دستگاه تانک و نفربر، چندین دستگاه بی سیم، چندین قبضه آرپی جی و چندین قبضه اسلحه سبک.

نام عملیات: سه راهی آبادان.

تاریخ: ۵۹/۹/۱۹

منطقه عمومی: شمال آبادان..

نوع عملیات: انهدامی.

مدت درگیری: یک روز.

هدف: سرپل درگیری در جنوب سه راهی آبادان.

فرماندهی: سپاه.

طرح مانور: نیروهای خودی پس از عملیات سرپل گیری در حد فاصله رودخانه بهمن شیر تا شمال جاده ماهشهر در سه محور راست، وسط و چپ با مانور جبهه‌ای به دشمن تک می کردند.

سازمان رزم: ۷ گروهان ۷۰ نفره، ۵ گروهان از سپاه و ۲ گروهان داوطلب از ارتش.

پشتیبانی رزم: ادوات سپاه.

شرح عملیات:

قریب یک ماه پس از عملیات ذوالفقاریه نیروهای خودی سرپلی را در ایستگاه ۷ آبادان گرفته و در ۲ کیلومتری دشمن خط پدافندی تشکیل دادند و پس از شناسایی دشمن در ۵۹/۹/۱۹ اقدام به عملیات کردند. حرکت از نقطه رهایی ساعت ۲۳ شروع شد. در ساعت ۲ بامداد بجز نیروهای جناح راست که به میدان مین برخورد کرده بودند دو جناح دیگر در ۷۰ متری دشمن مترصد رمز عملیات بودند. ولی ۸ دقیقه قبل از اعلام رمز، دشمن با توپ، خمپاره و تانک و چهار لول نیروهای خودی را زیر آتش گرفت.

آتش سنگین دشمن باعث زمین گیر شدن خودی شد و این وضعیت تا ساعت ۲،۳۰ ادامه داشت در این ساعت دستور عقب نشینی صادر شد لازم بذکر است که

در این مدت یکدسته از نیروهای جناح راست پس از عبور از میدان مین خود را به خط دشمن رسانده آن را شکستند و از دشمن تلفات گرفتند این عده که بالغ بر ۳۰ نفر بودند به همراه ۱۰ نفر دیگر که در همین جناح خط را شکسته و دشمن را منهدم کرده بودند همگی شهید شدند.

۱- در هنگام عقب نشینی درخواست ضد آتشبار شد لیکن تا صبح توپخانه خودی خاموش بود و تنها با حمایت ۳ قبضه خمپاره ۱۲۰ که ۳۰۰ گلوله بر سر دشمن خالی کرد عقب نشینی انجام شد. و نیروهای خودی در ۸۰۰ متری دشمن مستقر شدند.

۲- ۲ تانک، یک کامیون دشمن منهدم شد و تعدادی از آنها کشته شدند.

۳- نیروی خودی ۲۵ نفر شهید و ۵۸ نفر مفقود داد.

نکته:

۱- برادر عظیمی از سپاه، برادر سید آقا از کمیته، ستوان عبدی و سروان صفری هر کدام یک گروهان را هدایت می کردند این ۴ فرمانده همگی در حین عملیات شهید شدند.

۲- فرماندهی و عناصر یگان ادوات را سپاه ارومیه تشکیل داده بود و دیده‌بانی سپاه در این عملیات به عهده شهید حسن شفیع زاده بود

۳- اکثر شهدای مفقود در این عملیات پس از آزادی تپه‌های مدن در ۶۰/۲/۲۵ تخلیه شدند.

۴- رمز این عملیات چنین بود: "خدا همیشه با ما است."

نتایج:

خط خودی ۱۲۰۰ متر به دشمن نزدیک شد.

نام عملیات: چینات.

تاریخ: ۵۹/۹/۲۳

نوع عملیات:

منطقه عملیات: شمالغرب سوسنگرد.

مدت درگیری: ۱ روز.

مراحل عملیات: یک مرحله.

هدف: آزاد سازی روستای چینات.

فرماندهی: سپاه.

سازمان رزم: یک دسته.

شرح:

نیروهای خودی طی یک عملیات روستای چینات در شمالغربی سوسنگرد را آزاد کردند و بدین ترتیب آن دسته از آتش خمپاره‌های دشمن که از آن منطقه روی شهر سوسنگرد اجرا می‌شد، متوقف گردید.

عملیات: نصر

منطقه عملیات: جنوب اهواز

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۵

شرح:

از ساعت ۱۰ صبح روز ۵۹/۱۰/۱۵ عملیات با آتش شدید توپخانه آغاز شد تیپ ۳ لشکر ۱۶ از جاده حمیدیه - سوسنگرد بسرعت حرکت خود را انجام داد به طوری که نیروهای دشمن که بر اثر آتش توپخانه به سوسنگرد رفته بودند، غافلگیر شدند. تیپ یک لشکر ۱۶ نیز به همراه یک گردان از سپاه پیشروی خود را از جنوب هویزه آغاز کرد. تیپ ۳ پس از عبور از کرخه تا ۲۰ کیلومتری شرق هویزه پیش رفت. در این روز تلفات و خسارتهای فراوانی به دشمن وارد شد. از سوی دیگر نیروهای خودی به دلیل پیشروی سریع از پیش بینی غافل ماندند. با ادامه عملیات در ساعت ۸ صبح روز ۵۹/۱۰/۱۶ نیروهای زرهی و پیاده به سوی جفیر و حمیدیه پیش رفتند، در این وضعیت نیروهای سپاه در حدود یک کیلومتر جلوتر از نیروهای زرهی بودند. در منطقه سه راهی جفیر و پادگان حمید تعداد بسیاری تانک، نفربر، وسایل مهندسی و خودرو از دشمن آماده بودند و نیروهای خودی را که به نزدیکی آنها رسیده بودند بشدت زیر آتش گرفتند. هواپیماهای دشمن نیروهای خودی را بمباران می‌کردند در حالی که حتی یک ضد هوایی به آنها شلیک نمی‌کرد. در ساعت ۴ بعدازظهر نیروهای زرهی عقب نشستند و برادران سپاه در محاصره دشمن ماندند که بسیاری از آنان به شهادت رسیدند. به گفته تیمسار فلاحی (فرمانده نیروی زمینی ارتش)، فرمانده تیپ به توپخانه دستور یک خیز عقب نشینی داده بود لیکن بقیه نیروها به اشتباه عقب نشینی کردند.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح: ۱۷۰۰ نفر.

اسیر ۳۰۰ نفر.

انهدام تجهیزات: ۴۰۰ دستگاه انواع خودرو و زهی.

نام عملیات: هویزه (نصر)

تاریخ: ۱۵ - ۱۳۵۹/۱۰/۱۸

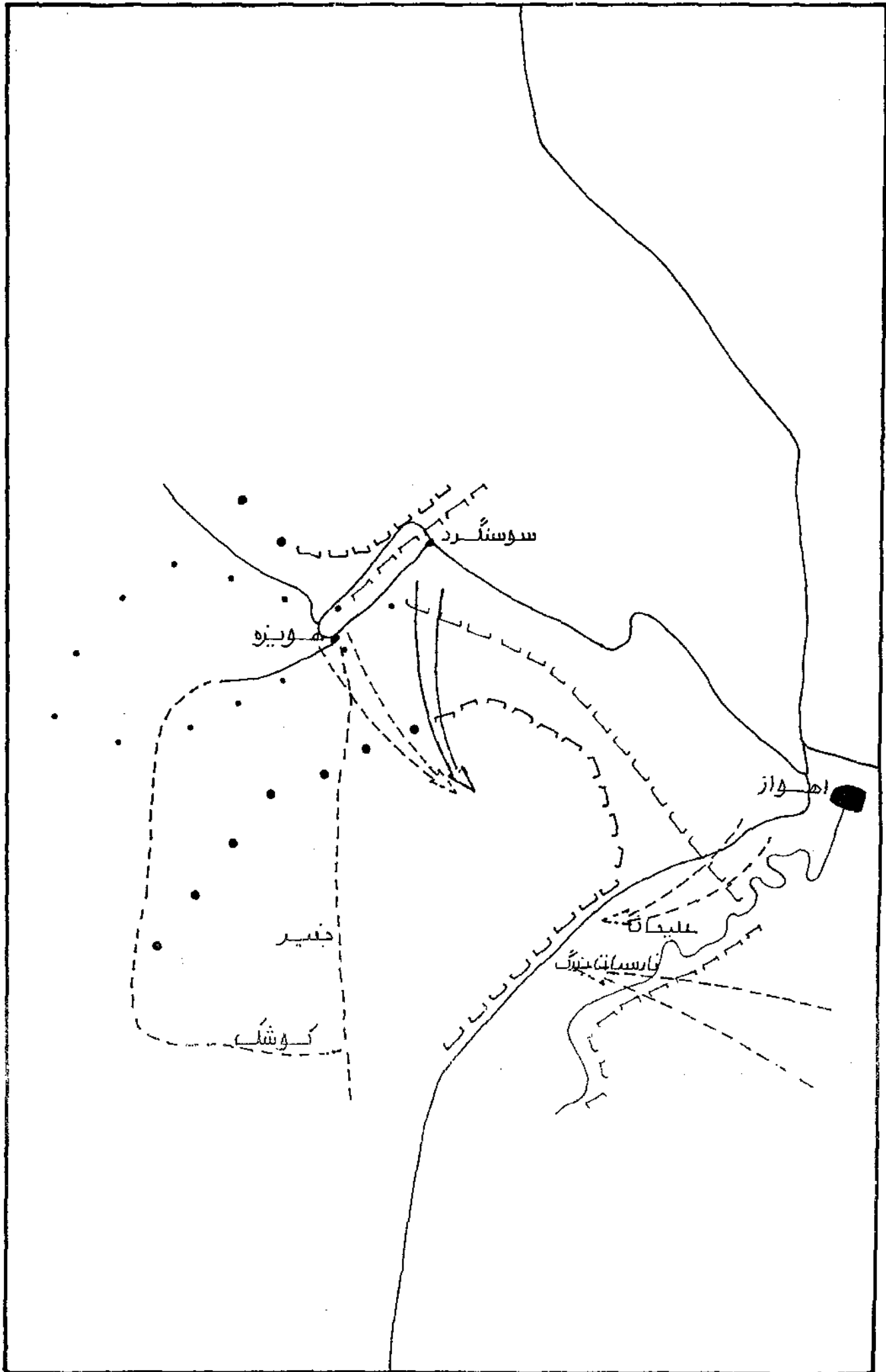
سازمان: مشترک (سپاه و ارتش)

استعداد خودی: دو لشکر زرهی از ارتش + یک گردان پیاده از سپاه.

استعداد دشمن: دولشکر زرهی و یک لشکر مکانیزه.

عدم الفتح در عملیات پل نادری، فشار افکار عمومی را نسبت به ارتش افزایش داده بود. مردم و شخصیت‌های غیر نظامی همچنان چشم انتظار عملیات موفقیت آمیز ارتش بودند. لذا بنی صدر از فرماندهان ارتشی می‌خواست که هر چه سریعتر دست به اقدام بزنند. بر این اساس ستاد مشترک ارتش طرحی را تهیه کرد که مبنای عملیات نصر (هویزه) قرار گرفت. در این طرح چهار پیش بینی شده بود که در مرحله اول، جفیر و پادگان حمید، در مرحله دوم، کوشک و طلائییه و ایستگاه حسینییه، در مرحله سوم، خرمشهر آزاد می‌شد و در مرحله چهارم، تک به داخل خاک عراق، به منظور تصرف حومه بصره (تنومه) ادامه می‌یافت.

عملیات از ساعت ۱۰ صبح روز ۵۹/۱۰/۱۵ پس از ۱۵ دقیقه اجرای آتش تهیه، شروع شد و در همان روز مرحله اول آن با پیروزی به پایان رسید، ۸۰۰ نفر اسیر شدند و تانک‌های زیادی غنیمت گرفته شد. روز دوم عملیات در ساعت ۹،۵۰ با پاتک‌های متوالی دشمن آغاز شد با شروع پاتک دشمن، سازمان نیروی خودی را که آرایش مناسبی نداشتند، به هم ریخت گروهی به محاصره تانک‌های عراقی در آمده و عده‌ای به شهادت رسیدند. اکثر شهدا را نیروی سپاه و دانشجویان پیرو خط امام که در پیشانی عملیات قرار داشتند تشکیل می‌دادند، بعد از آن دشمن دو روز دیگر به حملات خود ادامه داد و مناطق آزاد شده را مجدداً اشغال کرد. بدین ترتیب عملیاتی که در مرحله اول با پیروزی چشمگیری روبرو بود، به ناموفقیت انجامید، تعداد قابل توجهی شهید شدند و غنائم بدست آمده مجدداً بدست دشمن افتاد. در نتیجه جو جامعه که از نتایج مرحله اول عملیات رضایت مند بنظر می‌رسید، با نتایج بعدی خصوصاً پس از انتشار خبر محاصره و شهادت دانشجویان خط امام باران انتقاد متوجه فرماندهی جنگ و ارتش شد.



منطقه عدوی غربی اهواز - علیات نصر ۱۵/۱۰/۵۹

عملیات: غرب سوسنگرد

منطقه: سوسنگرد

تاریخ: ۴ الی ۱۹/۱۰/۵۹

شرح:

در تاریخ ۵۹/۱۰/۴ برادران سپاه با شبیخون به متجاوزان عراقی در منطقه غرب سوسنگرد، بمدت اندکی یازده تانک آنها را منهدم کردند و ۱۵۰ را نیز به هلاکت رساندند. برادران سپاهی در مورخه‌های ۵۹/۱۰/۷، ۵۹/۱۰/۸، ۵۹/۱۰/۱۷ و ۵۹/۱۰/۱۹ مواضع متجاوزان عراقی را در غرب سوسنگرد و جنوب غربی آن (دغاغله) مورد حمله قرار دادند که در این یورشها بخشی از تجهیزات دشمن منهدم شد و تعداد زیادی از نیروهای آنها کشته یا زخمی شدند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۲۰۰ نفر.

مجروح: تعداد زیادی.

انهدام تجهیزات: ۱۶ دستگاه تانک، یک نفربر پی‌ام‌پی و تانکر بنزین.

نام عملیات: توکل (آبادان)

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۰

منطقه: جبهه جنوب - شمال آبادان - جاده ماهشهر و آبادان

فرماندهی: ارتش.

سازمان: مشترک (سپاه، ارتش و فدائیان اسلام)

استعداد خودی: ۱ تیپ و ۱ گردان مستقل پیاده و نیز ۱ تیپ و ۱ گردان مستقل زرهی از ارتش + ۱ گردان از ژاندارمری + نیروهای سپاه و بسیج و ستاد جنگهای نامنظم.

استعداد دشمن: ۲ تیپ پیاده زرهی + ۲ تیپ مکانیزه.

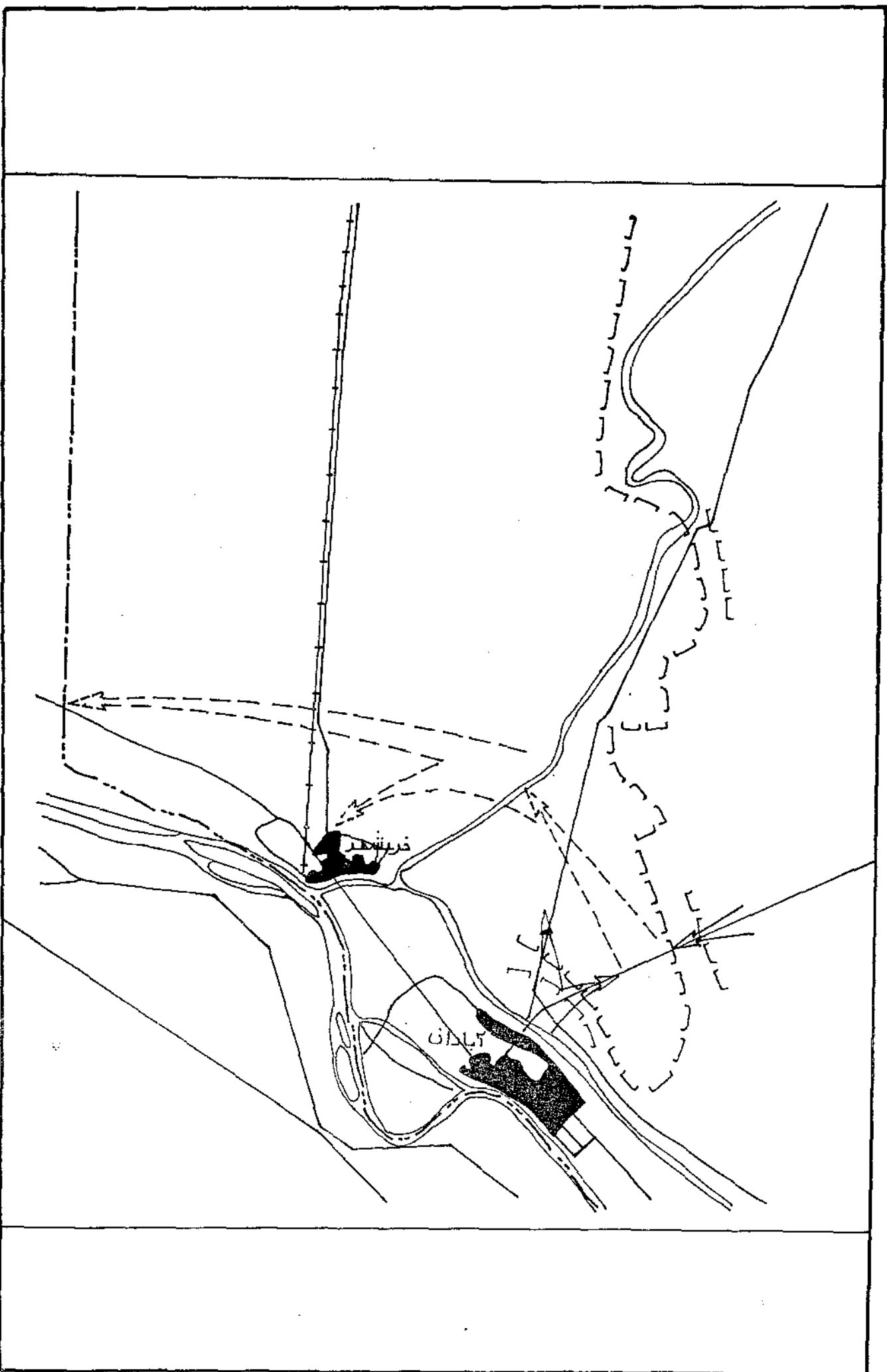
موقعیت آبادان بسیار حساس بود، در صورت سقوط آبادان، دشمن به حداقل خواسته خود در جنگ دست می‌یافت و به همین جهت امام خمینی در همای روزهای اول جنگ، دستور به شکستن حصر آبادان داد، این در حالی بود که بنی صدر و فرماندهان نظامی، آبادان را از دست رفته می‌دیدند و معتقد بودند، باید

زمین بدهند تا زمان بدست آورند؟ لیکن امام با این ایده مخالفت کرد. لذا بنی صدر و فرماندهان نظامی علیرغم پینش خود، بایست نظرات امام را عملی سازند ارتش اولین عملیات با هدف شکستن حصر آبادان را در ۵۹/۸/۳ به اجرا در آورد، لیکن با موفقیت قرین نشد. در عملیات بعدی ۵۹/۱۰/۲۰ ارتش همان حرکت ۸/۳ را ادامه داد با این تفاوت که نیروهای سپاه و فدائیان اسلام نیز در عملیات به کار گرفته شده بودند.

هدف آزادی جاده، ماهشهر آبادان بود. لذا از دو سو برای در دست گرفتن جاده عملیات می‌شد، از یکسو نبردهای زرهی از شرق به غرب، در امتداد جاده به دشمن یورش می‌بردند و از دیگر سو نیروهای مردمی از ۳ راهی آبادان به سمت شرق، حمله کردند.

حمله در اولین دقایق روز ۵۹/۱۰/۲۰ آغاز شد. در محور ماهشهر که عملیات به نیروی زرهی متکی بود، یک تیپ زرهی خودی با ۳۱ تانک به سوی دشمن حرکت کرد که هدف واحدهای ضد زره قرار گرفت و منهدم شد در نتیجه تلاش اصلی عملیات ناکام ماند. در تلاش دیگری که از محور آبادان انجام می‌شد، نیروهای مردمی خط پدافندی نیروهای عراقی را شکسته و تعدادی از آنها را به اسارت در آوردند، لیکن از آن جهت که نتوانستند با فلش دیگری الحاق کنند و آرایش پدافندی مناسبی هم نداشتند، در برابر پاتک دشمن مجبور به عقب نشینی شدند. همچنین در هنگام عقب نشینی شهدا و بسیاری از مجروحین جاماندند.

نکته: این عملیات آخرین تلاش بنی صدر بود. پس از آن وی از یافتن راه حل نظامی برای جنگ مایوس شد و این حالت تا عزل وی ادامه داشت.



سد تالابان و خردین

عملیات: بهمنشیر - مارد
منطقه عملیات: شمال آبادان.

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۰

شرح:

رزمندگان اسلام در جبهه ذوالفقاری، بهمنشیر و مارد ضمن وارد آوردن ضربه‌های سنگین بر دشمن تعدادی از آنها را در چند نقطه محاصره کردند و به عده‌ای از این متجاوزان که ارتباط تدارکاتی آنها قطع شده بود، فرصت تسلیم شدن دادند. دشمن نیز به تلافی پیروزی رزمندگان اسلام، شهر آبادان را بشدت زیر آتش سلاح‌های سنگین خود گرفت و ضمن ویران کردن منطق مسکونی و صنعتی، هشت تن را شهید و ۹۹ نفر را مجروح کرد. گروه فدائیان اسلام نیز در ساعت ۱۶،۱۵ دقیقه از محور ایستگاه ۷ در مسیر جاده آبادان - ماهشهر به سمت آبادان مقداری پیشروی کردند.

عملیات: روستای ساریه

منطقه عملیات: ساریه و مالکیه

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۷

شرح:

دشمن در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۷ روستای ساریه را تصرف کرد و نیروهای پیاده آنها تا نزدیکی روستای مالکیه پیش آمدند. در ساعت ۱۶ همین روز برادران سپاه با نیروهای خط مقدم دشمن درگیر شدند که تعدادی از متجاوزان را به هلاکت رسانده، تعدادی را زخمی و چهار نفر را نیز اسیر کردند.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح: تعداد نامعلوم.

اسیر: ۴ نفر.

غنیمت: ۱ دستگاه تانک.

عملیات: روستای عباویه.

منطقه عملیات: فارسیات.

تاریخ: ۳ الی ۵۹/۱۰/۳۰

شرح:

از ساعت ۱۶،۳۰ دقیقه روز ۵۹/۱۰/۳ در یک عملیات هماهنگ که رزمندگان اسلام در روستای عباویه واقع در کنار جاده اهواز - خونین شهر از منطقه عمومی فارسیات انجام دادند، پنج دستگاه تانک و یک عراده توپ دشمن منهدم شد. در این عملیات یک تن از برادران پاسدار مجروح گردید. نیروهای خودی در مورخه ۵۹/۱۰/۸ در شرق صفحه یک با انجام دادن عملیات ایذایی موفق شدند که یکصد نفر از نیروهای دشمن را به هلاکت برسانند و خسارتهای قابل توجهی نیز به آنان وارد آوردند، همچنین برادران سپاه در منطقه غرب کارون یک میدان مین دشمن را کشف و ۱۵۰ مین ضد تانک و ۳۶ مین ضد نفر را خنثی کردند. در این عملیات به هیچ یک از برادران پاسدار آسیبی نرسید. در روزهای ۲۹ و ۵۹/۱۰/۳۰ برادران سپاه با اجرای آتش خمپاره به روی مواضع دشمن و محور فارسیات، ۳۵ نفر از متجاوزان را به هلاکت رسانده و تعدادی از جنگ افزارهای آنان را نیز منهدم کردند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۱۴۵ نفر.

انهدام تجهیزات: ۱۵ دستگاه تانک، ۱ دستگاه نفربر، ۳ خودرو، ۱ عراده توپ و ۵ مکان اجتماعی.

عملیات: کرخه کور

منطقه عملیات: روستای سید خلف

تاریخ: ۱ و ۵۹/۱۱/۳

شرح:

در تاریخ ۵۹/۱۱/۱ برادران سپاه در یک عملیات شبانه در محور کرخه کور تعدادی از نیروهای دشمن را به هلاکت رسانده و یک دستگاه تانک را نیز منهدم کردند. در عملیات دیگری در همین تاریخ سد خاکی دشمن در شرق روستای سید خلف و شمال کرخه منهدم شد و بر اثر سرازیر شدن آب سد، دشمن تا دوازده کیلومتری شمال غرب سوسنگرد در شمال کرخه عقب نشینی کرد و شش دستگاه تانک که در پشت سد بود، ده کیلومتر به عقب رفتند. همچنین سه دستگاه بولدوزر دشمن نیز در گل فرو ماندند.

سپاه پاسداران در تاریخ ۵۹/۱۱/۳ با اجرای آتش روی مواضع دشمن در محور کرخه کور تلفات و خسارتهای قابل توجهی به دشمن وارد آورد به طوری که تا پاسی از شب آمبولانسها و حتی نفربرهای دشمن مشغول انتقال زخمیها و کشتهها بود.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۳۰ نفر.

مجروح: ۶۵ نفر.

انهدام تجهیزات: ۳ دستگاه تانک و نفربر، ۱ دستگاه کامیون مهمات.

غنائم: ۳ دستگاه بولدوزر.

عملیات: حمیدیه

منطقه: حمیدیه

تاریخ: ۴ و ۵۹/۱۱/۶

شرح:

در تاریخ ۵۹/۱۱/۴ برادران سپاه که در حمیدیه مستقر بودند با اجرای آتش روی مواضع دشمن در منطقه حمیدیه، تلفات و خسارتهایی را به دشمن وارد کردند. برادران سپاه مستقر در حمیدیه در تاریخ ۵۹/۱۱/۶ با انجام دادن عملیات در محور حمودی (جنوب سوسنگرد)، ضمن انهدام بخشی از تجهیزات دشمن، تعدادی از نیروهای آنها را نیز کشته و زخمی کردند.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح: بیش از ۴۳ نفر.

انهدام تجهیزات: ۱۲ دستگاه تانک و نفربر، تعداد ۳ دستگاه خودرو و ۵ قبضه تیربار.

عملیات: روستای آلبوعفری جنوب

منطقه عملیات: جنوب غربی سوسنگرد.

تاریخ عملیات: ۵۹/۱۱/۱۸

شرح:

از ساعت ۷ صبح سه گروه از برادران سپاه (در مجموع ۷۰ تن) از سه نقطه حمله خود را به سمت روستای آلبو عفری جنوبی آغاز کردند که در مدت ۱۵ دقیقه آغاز عملیات این روستا آزاد گردید. اما به دلیل اجرای آتش شدید دشمن و قطع آتش پشتیبانی خودی، نیروهای مستقر در روستای آلبو عفری جنوبی بعد از ساعتها مقاومت، به مواضع قبلی خود باز گشته. همچنین به دلیل نبودن قایق برای عبور از رودخانه و نیز تیراندازی دشمن از غرب رودخانه نیسان به سوی نیروهای خودی، در محور آلبو عفری شمالی عملیات انجام نشد.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح: ۱۰۰ نفر.

اسیر: ۸ نفر.

غنایم: ۲ قبضه تیربار و تعداد زیادی اسلحه سبک.

عملیات: تک دشمن

منطقه عملیات: میشداغ

تاریخ: ۵۹/۱۲/۴

شرح:

در ساعت ۹،۳۰ صبح روز ۵۹/۱۲/۴ تعداد ۷ فروند هلی کوپتر دشمن به کوههای میشیداغ نزدیک شدند و در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر تکاور را به روبروی روستای رحیمی در دو طرف تنگه صعده پیاده کردند، این تکاورها نیروهای خودی را که حدود ۹۰ - ۸۰ نفر بودند محاصره می کنند که برادران ارتشی و عشایر منطقه به مقابله با آنها پرداختند و پس از گذشت یک ساعت از درگیری، چهار فروند هلی کوپتر به کمک نیروهای خودی آمده و حدود ده تا دوازده نفر از متجاوزان عراقی را به هلاکت رساندند. در این درگیری یک افسر و یک درجه دار ارتش شهید شدند و یک سرباز نیز زخمی شد.

نتایج:

۱۲ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند.

عملیات: تک دشمن

منطقه عملیات: میشداغ

تاریخ: ۵۹/۱۲/۱۱

شرح:

در ساعت ۷ صبح روز ۵۹/۱۲/۱۱ نیروهای دشمن که شبانه در نزدیکی تنگه صعده مستقر شده بودند، همزمان با اجرای آتش توپخانه قصد پیشروی و تصرف تنگه صعده را داشتند که با مقاومت برادران سپاه و ارتش، پس از دادن تلفات مجبور به عقب نشینی شدند، اما دشمن بعد از مدت کوتاهی با پشتیبانی هلی کوپترهای خود بمنظور تصرف تنگه و ارتفاعات میشداغ اقدام به حمله کرد که در این هنگام هلی کوپترهای هوانیروز به مقابله با دشمن برخاستند. این بار نیز متجاوزان عراقی پس از دادن کشته و مجروحانی بسیار، عقب نشینی کردند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۱۰۰ نفر.

انهدام تجهیزات: ۲ دستگاه نفربر.

عملیات: تک دشمن

منطقه عملیات: شوش، تنگه رقابیه

تاریخ ۵۹/۱۲/۱۷

شرح:

در حمله‌ای که دشمن به تنگه رقابیه (از محورهای جبهه شوش) انجام داد، این منطقه را به اشغال خود درآورد و تعداد هشت دستگاه تانک، سه دستگاه نفربر و در حدود ۱۵۰ نفر نیروی پیاده را در این تنگه مستقر کرد. در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۹ بین برادران سپاه و متجاوزان عراقی در جبهه شوش درگیری پیش آمد که پنجاه نفر از نیروهای دشمن با آتش سلاحهای انفرادی رزمندگان اسلام به هلاکت رسیدند و بیست نفر دیگر نیز با آتش خمپاره‌اندازهای سپاه از پای درآمدند.

نتایج:

هلاکت ۷۰ نفر از نیروهای دشمن.

عملیات: امام مهدی

منطقه عملیات: غرب سنوسنگرد

تاریخ: ۵۹/۱۲/۲۶

شرح:

در این عملیات سه طرح عبور به اجرا گذاشته شد: ۱- عملیات ایدایی: از وسط سمت چپ و راست در فاصله ۴۰۰ تا ۵۰۰ متری دشمن در کانالی که از قبل داخل آن سنگر کنده شده بود. ۲- عملیات نیمه ایدایی: در دو طرف جاده سوسنگرد - بستان به فاصله ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری از دشمن. ۳- عملیات اصلی: در جناح چپ و راست.

طبق برنامه در ساعت ۷،۳۰ دقیقه بامداد توپخانه ارتش به مدت ۳۰ دقیقه دهکده احمر را زیر آتش شدید گرفت، سپس در ساعت ۸ پیشروی نیروهای خودی آغاز شد و در مدت دو ساعت توانستند حدود ۴ کیلومتر (تا پشت مرغداری) دشمن را عقب برانند و عملیات در ساعت ۱۰ صبح با موفقیت انجام شد، اما چون توپخانه و نیروهای پشتیبانی در مناطق پاکسازی شده مستقر نشدند، دشمن با تجهیز نیروهای پشتیبانی خود - که در ۶ تا ۲۲ کیلومتری غرب سوسنگرد بودند، به استعداد ۲ گروهان تانک و یک گروهان نفربر پاتک کرد و نیروهای خودی پس از ساعتها مقاومت، در بعد از ظهر همان روز به مواضع پیشین خود بازگشتند.

نتایج:

دشمن:

کشته و مجروح: ۲۰۰ نفر.

اسیر: ۶۰ نفر.

نام عملیات: ۱۲ فروردین.

تاریخ عملیات: ۶۰/۱/۱۲

نوع عملیات: انهدامی.

منطقه عملیات: غرب سوسنگرد.

مراحل عملیات: یک مرحله.

مدت درگیری: ۱ روز.

فرماندهی: سپاه سوسنگرد.

سازمان رزم: سپاه سوسنگرد - تیپ ۵۵ هوابرد.

طرح مانور:

هدف: انهدام دشمن و تضعیف روحیه.

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش.

شرح:

در ساعت ۱۵ روز ۶۰/۱/۱۲ به مناسبت دومین سالگرد نظام جمهوری اسلامی، سپاه سوسنگرد به همراه تیپ ۵۵ هواپرد ارتش، اقدام به عملیات کرد. این عملیات که با هدف انهدام موضعی دشمن صورت می‌گرفت با موفقیت به پایان رسید.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۱۵ نفر.

مجروح: —

أسیر: —

انهدام تجهیزات: ۲ دستگاه نفربر، ۳ سنگر اجتماعی و ۴ دستگاه تانک.

خودی:

شهید: ۱ نفر.

مجروح: چند نفر.

انهدام تجهیزات:

عملیات: امام مهدی

منطقه عملیات: غرب کرخه

تاریخ: ۶۰/۱/۲۵

شرح:

عملیات در ساعت ۵ بامداد روز سه شنبه ۶۰/۱/۲۵ از شش نقطه و با توجه به اصل غافلگیری، بدون آتش تهیه آغاز شد. جناح راست و چپ را سپاه و ارتش با موشک تاوو تفنگ ۱۰۶ م.م تامین کردند. تا ساعت ۸ صبح اکثر گروهها موفق شدند که پس از وارد آوردن تلفات و خسارتهای فراوان به دشمن، اهداف مورد نظر را تصرف کنند. دشمن برای جبران این شکست، در دو نوبت و هر بار یک گروهان تانک و پشتیبانی آتش شدید توپخانه اقدام به پاتک کرد که با مقاومت رزمندگان اسلام مجبور به عقب نشینی شد، اما در پاتک سوم که دشمن با یک گردان پیاده و یک گردان زرهی انجام داد، پس از ساعتها درگیری و مقاومت دلیرانه نیروهای خودی، مواضع تصرف شده بار دیگر به اشغال دشمن درآمد و رزمندگان اسلام به مواضع پیشین خود بازگشتند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۱۰۰ نفر.

اسیر: ۲۲ نفر.

انهدام تجهیزات: ۲۲ دستگاه تانک و ۱۵ دستگاه خودرو.

نام عملیات: تپه چشمه.

تاریخ عملیات: ۶۰/۲/۲۱

منطقه عمومی: دزفول.

نوع عملیات: تک غافلگیری

مدت درگیری: ۳ روز.

فرماندهی: تیپ ۱ لشکر ۲۱ ارتش.

هدف: تصرف ارتفاع ۲۴۲ معروف به تپه چشمه.

سازمان رزم: نیروهای هوایر و بسیج عشایری.

طرح مانور: یک فلش از شمال به جنوب، از تپه سپتون به چشمه اجرا شد.

دشمن: گردان ۳ مکانیزه تیپ ۲۴ لشکر ۱۰.

نیروهای کمکی دشمن: گردان ۲ تیپ ۴۴ لشکر ۱۱ و گردان ۶ تیپ ۱۷ از

لشکر ۱۰.

شرح:

عملیات در ۴ صبح آغاز شد. نیروهای گروهان سوم مکانیزه از گردان سوم تیپ ۲۴ در خط قرار داشتند. دشمن علیرغم هوشیاری قبلی نسبت به زمان حمله غافلگیر شد.

پس از تصرف تپه چشمه در عصر همان روز دشمن ۲ بار پاتک کرد که در هر دو بار ناموفق ماند. روزهای ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت منطقه آرام بود. ولی در ۶۰/۲/۱۴ دشمن با گردان ۶ تیپ ۱۷ و نیز گروهان سوم از گردان دوم تیپ ۴۴ پاتک کرد. که تا ساعت ۱۵ با از دست دادن ۷ پاتک و نفربر، اسارت ۱۰ نفر و پناهندگی ۹ تن، عقب نشینی کرد و موقعیت خودی تثبیت شد.

نتیجه: در این عملیات منطقه‌ای به وسعت ۱۶ کیبومتر مربع آزاد شد و ۳ گردان دشمن از تیپ‌های ۲۴ و ۱۷ لشکر ۱۰ و تیپ ۴۴ لشکر ۱۱ آسیب دیدند.

۱- احتمال دارد گردان ۱۴ باشد.

تلفات انسانی دشمن:

کشته: ۱۰۰ نفر.

مجروح: ۱۵۰ نفر.

اسیر: ۵۰ نفر.

پناهنده: ۹ نفر.

آنهدام لجستیک دشمن:

۱۰ دستگاه تانک.

خودی:

شهید: صفر

مجروح: ۳۰ نفر.

عملیات: شیخ فضل الله نوری

منطقه عملیات: آبادان

تاریخ: ۶۰/۲/۲۵

شرح:

در این عملیات دو گروهان ۶۰ نفره از سپاه و بسیج و ارتش به فرماندهی شهید مودنی و مرتضی قربانی شرکت داشتند که دسته‌های سپاه و بسیج در جلو دسته‌های ارتش به عنوان نیروهای تامین در پشت سر قرار داشتند. شب عملیات قبل از شروع حمله باد شدیدی معروف به (باد سرخ) منطقه را در پوششی از گرد و غبار فرو برد که بر اثر آن دید دشمن نیز از بین رفت و رزمندگان اسلام با مغتنم شمردن این وضعیت، در ساعت ۲۰،۳۰ دقیقه از سمت چپ و راست تپه‌ها حمله خود را آغاز کردند و با دور زدن تپه‌ها دشمن را که پشت سر آنها (فاصله بین تپه‌ها و خط مقدم دشمن) مین گذاری کرده بود و راه عقب نشینی آنها به خط مقدم خودشان بسته شده بود، در محاصره قرار دادند. نیروهای خودی پس از درگیر شدن با دشمن، که تا ساعت ۲ بامداد روز ۶۰/۲/۲۶ ادامه داشت، موفق شدند آنها را شکست داده و تپه‌ها را تصرف کنند، اما در ساعت ۵ بامداد همان روز دشمن با چند دستگاه تانک و نفربر اقدام به پاتک کرد و توانست در چند ساعت تپه‌ها را اشغال کند که رزمندگان اسلام بار دیگر با همان آرایش شب پیش به آنها حمله کردند و موفق شدند ضمن عقب راندن دشمن تا جاده آبادان، ماهشهر، در

ساعت ۹ صبح تپه‌ها را از وجود نیروهای متجاوز پاک کنند. و به تصرف خود درآورند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۸۰ نفر.

اسیر: ۷۰ نفر.

انهدام تجهیزات: ۱۵ دستگاه تانک و نفربر و ۵ باب انبار مهمات.

غنائم: ۲ دستگاه نفربر و مقدار زیادی مهمات.

نام عملیات: امام علی (ع)

تاریخ عملیات: ۲/۳۱ - ۶۰/۳/۵

نوع: تک هماهنگ.

منطقه: جبهه جنوب، سوسنگرد، تپه‌های الله اکبر.

فرماندهی: مشترک (سپاه و ارتش)

سازمان: مشترک (ارتش، سپاه و ستاد جنگهای نامنظم چمران)

شرح:

پس از عملیات مورخ ۵۹/۸/۲۶ که به عقب راندن دشمن از شمال و شمالغرب سوسنگرد انجامید، نیروهای خودی با رها کردن آب در حد فاصله کرخه تا تپه‌های الله اکبر نه تنها از پیشروی مجدد نیروهای عراقی جلوگیری کردند، بلکه آنها را طی چند مرحله از روستای هوفل تا مقابل روستای سید خلف ناگزیر به عقب نشینی کردند. پس از آن عراقیها در چند نوبت با احداث سد خاکی کوشیدند ضمن خشک کردن زمین، خط پدافندی خود را گسترش دهند. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه با پایان یافتن فصل زمستان، منطقه شمال کرخه به تدریج خشک شد. به همین خاطر از یک طرف نیروهای خودی خط خود را تا مقابل روستای سید خلف جلو کشیدند، و از طرف دیگر دشمن نیز طی سه نوبت تلاش کرد مواضع از دست داده را باز پس گیرد، ولی هر بار ناکام ماند.

در چنین وضعیتی، قوای خودی زمینه لازم برای عملیات در این منطقه را فراهم دیده و با تهیه طرحی در صدد بر آمدن تا بطور همزمان در غرب سوسنگرد و تپه‌های الله اکبر وارد عمل شوند. عملیات تپه‌های الله اکبر به عنوان تک اصلی و عملیات غرب سوسنگرد به عنوان تک پشتیبان محسوب می‌شود. فرماندهی تک

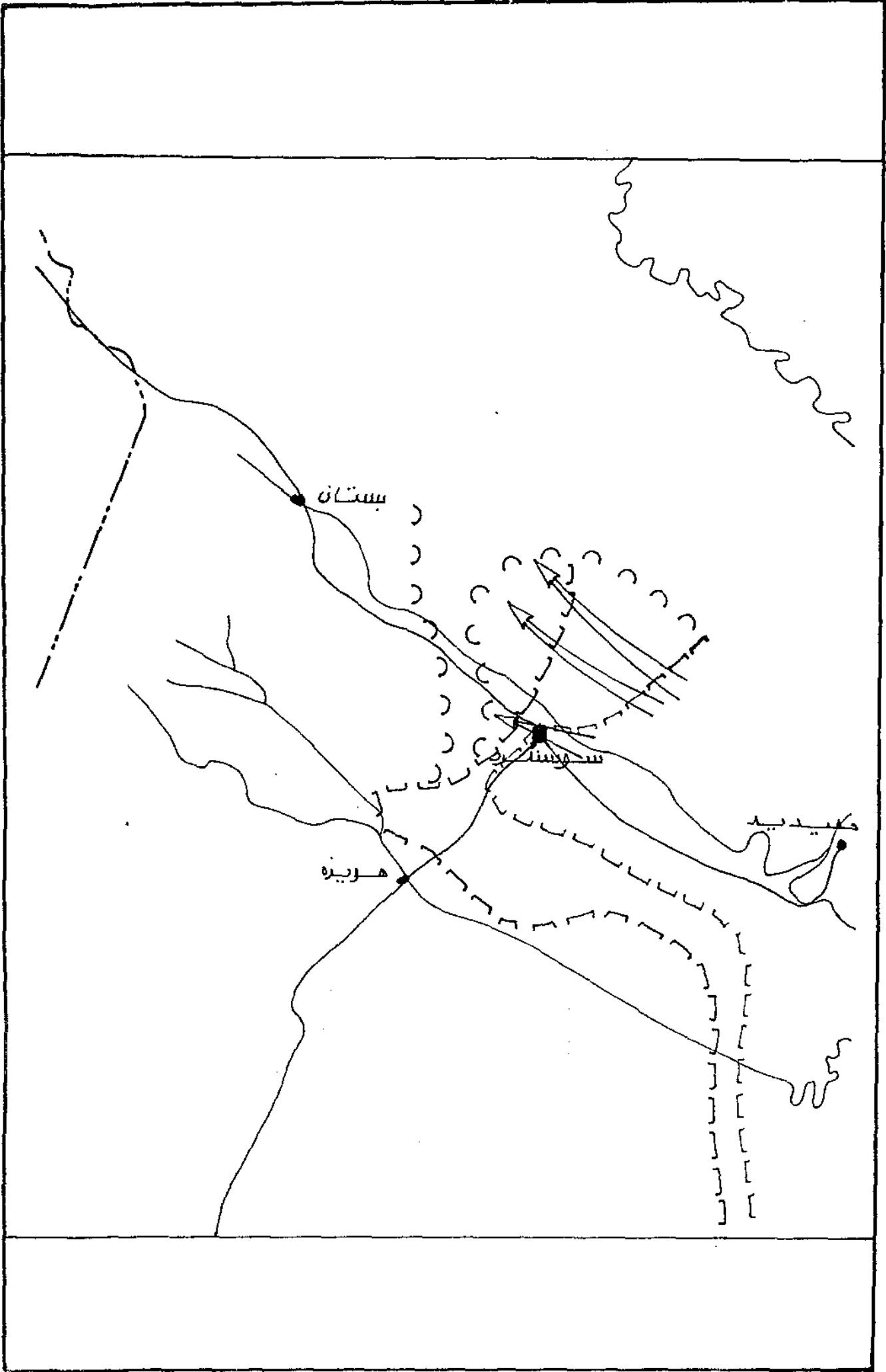
اصلی را برای اولین بار، سپاه و ارتش بطور مشترک هدایت کردند و تک پشتیبانی به فرماندهی سپاه سوسنگرد به اجرا درمی‌آمد.

استعداد خودی: ۲ گردان تانک و ۲ گردان مکانیزه از ارتش + ۴ گردان پیاده از سپاه + ۲ گردان از ستاد جنگ‌های نامنظم (نیروهای شهید چمران).
استعداد دشمن: ۱ تیپ زرهی + ۲ تیپ مکانیزه.

در ۳ بامداد ۶۰/۲/۳۱ عملیات پشتیبانی همزمان با عملیات اصلی شروع شد و ۲ گردان پاسدار با ۳ کیلومتر پیشروی در کانالی که طی ۳ ماه تلاش حفر کرده بودند از پشت به دشمن حمله کرده و خط اول، دوم و سوم دشمن را تصرف کردند، ۲۵ تانک را منهدم کرده، ۴۰۰ نفر را به اسارت گرفتند تک اصلی نیز در همان زمان با اجرای آتش تهیه توپخانه آغاز شد. نیروهای عمل کننده از سه جناح به خطوط مستحکم دشمن واقع در تپه‌های الله اکبر هجوم برده و پس از وارد آوردن تلفات و خسارات زیادی به دشمن، هدف را تا ساعت ۱۲ تامین کردند.

در محور شحیطه ابتدا عملیات قفل کرد، اجرای تک جبهه‌ای و وجود میدان مین موجب توقف عملیات شد، و تا چند روز ادامه داشت لیکن موقعیت جدید خودی در تپه‌های الله اکبر دشمن را مجبور کرد به تدریج شحیطیه را تخلیه و با ۶ کیلومتر عقب نشینی، از تپه طحیل تا حمودی عاصی اشغال موضع کند.

نتایج: طی این عملیات حدود ۱۰۰ کیلومتر مربع از اراضی شمالی سوسنگرد از جمله تپه‌های الله اکبر و شحیطیه آزاد شد و شهر سوسنگرد نیز از برد سلاحهای سنگین دشمن خارج گردید.



نام عملیات: فرمانده کل قوا

تاریخ عملیات: ۳/۲۱ - ۶۰/۳/۲۵

نوع: تک هماهنگ.

منطقه: جبهه جنوب - دار خونین.

فرماندهی: سپاه

سازمان: سپاه

عملیات فرمانده کل قوا، تبلور اراده سپاه و اعلام آمادگی آن برای ادامه جنگ بود. این عملیات نشان می‌داد در شرایطی که فرماندهان سنتی توانایی ارائه راه کارهای عملیاتی ندارند و بنظر می‌رسید جنگ به بن بست رسیده، فرماندهان انقلابی علیرغم امکانات بسیار اندک خود، بدون اتکا به دیگران قادر به ادامه جنگ می‌باشند و مسلماً اگر امکانات موجود در کشور در اختیار سپاه قرار گیرد تحول در جنگ صورت خواهد پذیرفت.

انتخاب نام عملیات نیز خود مسئله قابل توجه دیگری بود. قبلاً پیش بینی شده بود که نام آن "امام حسین (ع)" باشد ولی پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل، نام عملیات تغییر کرد و فرمانده کل قوا خمینی روح خدا نام گرفت تا بدین وسیله، در آن شرایط بحرانی بر پیوند سپاه با امام تاکید گردد.

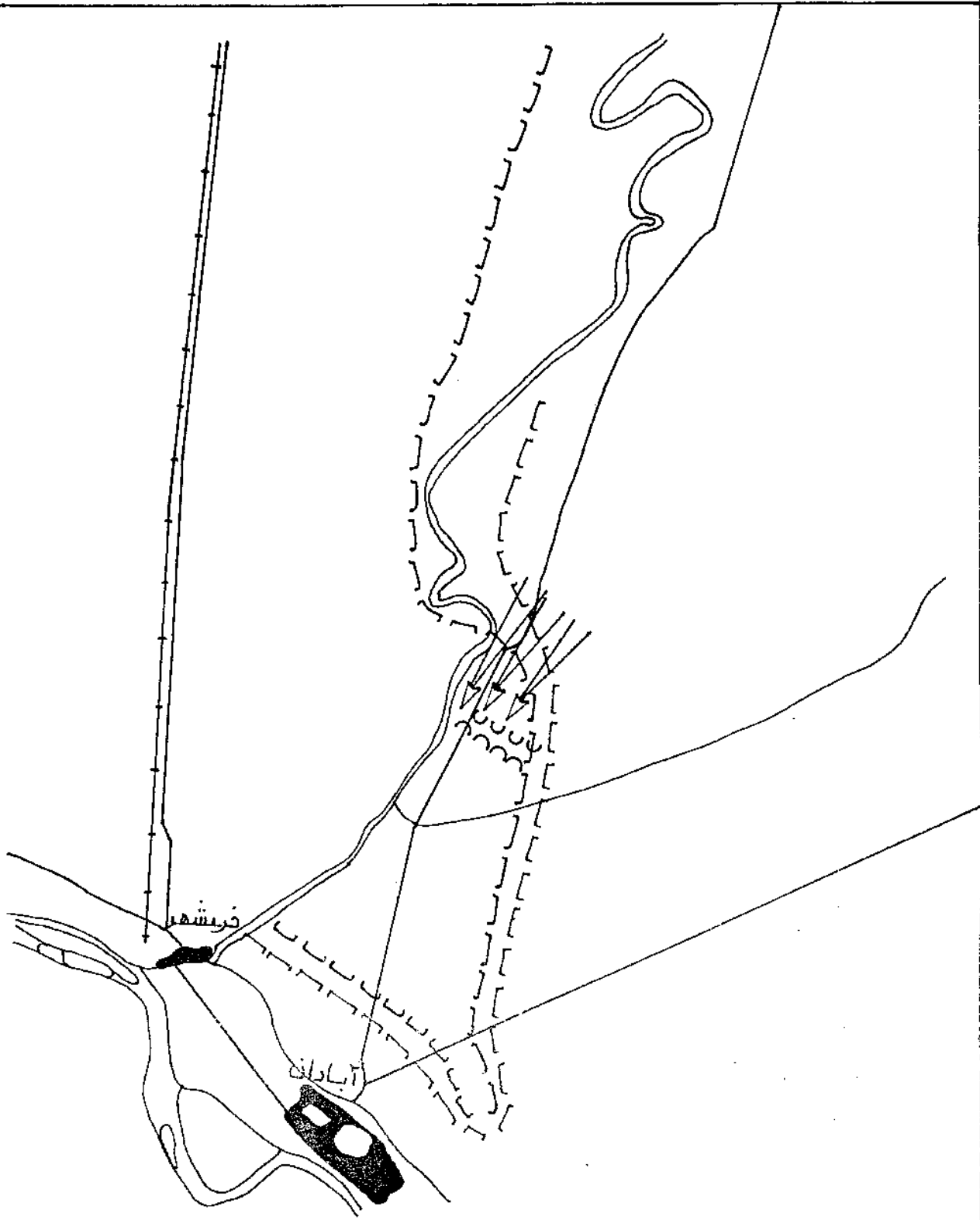
در طرح ریزی عملیات پیش بینی شده بود، به منظور کوتاه کردن فاصله خودی از خط دشمن که به ۲ کیلومتر می‌رسید، کانالی حفر گردد. بدین لحاظ طی سه ماه تلاش، کانالی به طول ۱۷۵۰ متر و به عمق ۱۸۰ سانتی متر از سطح زمین حفر گردید و برای هجوم به دشمن آماده شد. یک روز پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا مورد بهره برداری قرار گرفت.

استعداد خودی: ۱ گردان پیاده (پاسدار).

استعداد دشمن: ۱ تیپ پیاده + ۲ گردان نیروی مخصوص + ۱ گردان (+) زرهی. در ساعت ۳،۴۰ دقیقه بامداد ۶۰/۳/۲۱، عملیات پس از اجرای ۱۰ دقیقه آتش تهیه آغاز شد. همزمان با حرکت نیروها از دو محور اصلی، نیرویی به استعداد ۶۶ نفر نیز که از درون کانال عبور می‌کردند، از کانال بیرون آمده در سطح زمین آشکار شده و دشمن را غافلگیر کردند. بدین ترتیب تا ساعت ۷ صبح موفق شدند ۶ کیلومتر پیشروی کنند.

عکس العمل دشمن در این عملیات بسیار شدید بود و چهار روز پیاپی کوشید منطقه آزاد شده را تصرف کند. نیروی خودی نیز در همان روز اول برای بهبود موقعیت بخشی از زمین‌های آزاد شده را تخلیه کرد، و با اتکا به خاکریزی که در شب اول عملیات احداث کرده بود، موفقیت خود را تثبیت کرد و پاتک‌های دشمن را ناکام گذاشت.

نکته: در این عملیات یک تانک دشمن به غنیمت در آمد که مبداء تشکیل واحد زرهی در سپاه پاسداران شد.



مندیان آفریننده کس قوا

نام عملیات: شهید رستمی

تاریخ عملیات: ۶۰/۳/۲۶

منطقه عملیات: دهلاویه

نوع عملیات:

مدت درگیری: دو روز.

مراحل عملیات: ۱ مرحله.

هدف: تصرف روستای دهلاویه در غرب سوسنگرد.

فرماندهی: مشترک سپاه و ستاد جنگهای نامنظم.

سازمان رزم: سپاه مشهد و سوسنگرد و نیروهای نامنظم شهید چمران و عناصری

از ژاندارمری جمعاً به استعداد ۱ گردان (+).

پشتیبانی رزم:

طرح مانور:

۱- نیروهای ادغامی جنگهای نامنظم و عناصری از ژاندارمری به همراه سپاه مشهد با عبور از کرخه از شمال به جنوب، از منطقه سید خلف به سمت دهلاویه تک می کردند.

۲- نیروهای سپاه سوسنگرد از شرق به غرب از دحیماویه به سمت دهلاویه تک می کردند.

دشمن: در حد فاصل منطقه بستان، دهلاویه دو گردان نیروی مخصوص و حدود دو گردان تانک و ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر ارتش خلق جیش الشعبی مستقر بود.

سابقه: بدنبال عملیات ۶۰/۲/۳۱ و پیشروی نیروها خودی در شمال کرخه و جنوب تپه‌های الله اکبر موقعیت دشمن در حد فاصل کرخه تا ساپله به خطر افتاد ضمن آنکه اقدامات ایذایی خودی نیز بر آسیب پذیری دشمن در این منطقه افزوده بود. دشمن که در وضعیت موجود قادر به دفاع از منطقه اشغال شده نبود از تاریخ ۶۰/۳/۱۹ از غرب منطقه احمیر تا دهلاویه ۵ کیلومتر بدون درگیری عقب نشینی کرد که در نتیجه دو روستای دهلاویه و بردیه از دشمن خالی گردید.

شرح:

در ساعت ۴/۳۰ عملیات بطور هماهنگ از دو سمت آغاز شد.

پیشروی نیروهای خودی با موفقیت همراه بود و در همان ساعات اولیه علاوه بر تصرف روستای دهلاویه روستای آزادی در یک کیلومتری غرب دهلاویه نیز آزاد شد. قوای دشمن که در اثر قدرت تهاجم خودی مجبور به عقب نشینی شده بود در ساعت ۹ صبح اقدام به پاتک کرد. اما با مقاومت نیروهای خودی این اقدام دشمن دفع شد.

در ساعت ۱۶،۳۰ دشمن باز دیگر پاتک کرد و با آرایش ۲۲ دستگاه تانک و یک گردان پیاده پاتک کرد. در این اقدام فشار متمرکز دشمن که با اجرای آتش توپخانه همراه بود، موثر افتاد. لذا نیروهای عمل کننده که بر اثر شدت آتش دشمن متحمل تلفاتی شده بودند مجبور به عقب نشینی از دهلاویه و ترک مواضع متصرفه شده و در ۳۰۰ متری شرق دهلاویه موضع گرفتند.

چهار روز بعد در تاریخ ۶۰/۳/۳۰ نیروهای جنگهای نامنظم در یک تلاش دوباره به روستای دهلاویه شبیخون زده که علاوه بر وارد آوردن تلفاتی به نیروهای عراقی، ۶ دستگاه تانک دشمن را منهدم کرده و ۲ انبار مهمات را به آتش کشیدند. در این عملیات سروان رستمی فرمانده عملیات جنگهای نامنظم دکتر چمران و ۳ تن از نیروهای عمل کننده شهید و ۱۶ نفر مجروح شدند. فردای این روز در تاریخ ۶۰/۳/۳۱ دکتر چمران که به منظور بازدید و معرفی فرمانده جدید به شمال دهلاویه رفته بود بر اثر ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل شد.

نام عملیات: شهید چمران

تاریخ عملیات: ۶۰/۵/۴

منطقه عمومی: شمال آبادان.

نوع: انهدامی.

مدت درگیری: ۱ روز.

فرماندهی: ارتش تیپ ۱ لشکر ۷۷.

هدف: آزاد سازی جاده آبادان - ماهشهر.

طرح مانور: تک احاطه‌ای از دو محور آغاز شده و پس از شکسته شدن خط روی جاده الحاق صورت می گرفت.

سازمان رزم: ۴ گروهان ۶۰ نفره به ترتیب زیر:

۱- در محور سمت راست یک گروهان ادغامی به فرماندهی ارتش.

۲- در محور سمت چپ یک گروهان ادغامی به فرماندهی سپاه.

۳- برای هر محور یک گروهان احتیاط در نظر گرفته شده بود.

۴- نیروهای خط شکن گروههای ۱۰ نفره‌ای بودند شامل ۵۰ نفر سپاهی و ۵ نفر سرباز داوطلب.

پشتیبانی رزم: ۴ قبضه توپ از ارتش.

استعداد دشمن: گردان ۲ پیاده از تیپ ۴۹ لشکر ۱۱.

شرح:

حرکت از نقطه‌ای رهایی به جهت انحراف در حرکت نیروهای محور راست، با ۲ ساعت تاخیر انجام شد با این وجود نیروهای سمت راست در ساعت ۲،۳۰ به پای کار رسیدند. حرکت نیروهای سمت چپ که همزمان با محور راست از نقطه رهایی آغاز شده بود با کندی صورت می‌گرفت، طولانی بودن مسافت، نگرانی از برخورد با میدان مین و روبرو شدن با آن در ۷۰ متری دشمن، سبب شد تا قبل از ساعت ۴،۴۵ به پای کار نرسند در این ساعت هر دو محور پای کار بودند ولی دیگر صبح شده و هوا رو به روشنایی می‌رفت. لذا نیروهای خودی توسط دیده‌بانان دشمن شناسایی شدند در نتیجه درگیری آغاز شد. اندکی بعد خط در هر دو محور شکست در محور چپ خط پاکسازی شد. ولی در محور راست در حالی که پاکسازی خط ادامه داشت عقب نشینی ناهماهنگی صورت گرفت. در پی این دستور عقبه نیروها خودی در خط خالی شد. و خط شکنان در حالی که مقاومت می‌کردند شهید شدند.

انهدام تجهیزات: چند نفربر و انبار مهمات منهدم شد.

نیروهای خودی ۵۰ نفر شهید و ۱۴۰ نفر مجروح دادند.

نکته:

۱- پس از عقب نشینی ۴ کیلومتری عراق در جنوب جاده ماهشهر - آبادان نیروهای ارتشی که در منطقه پدافند می‌کردند، جای خود را به نیروهای سپاه دادند و سپاه به ترتیب زیر در منطقه مستقر شد:

جاده ماهشهر - آبادان - سپاه ماهشهر.

جنوب جاده ماهشهر - آبادان - سپاه فارس.

ایتسگاه ۷ و ۱۲ سپاه خمینی شهر.

۲- در این عملیات ۱ گروه از فدائیان اسلام، ۱ گردان از فارس و ۱ گروهی از سپاه ماهشهر و ۱ گروهی از ارتش حضور داشتند.

۳- فرماندهی گروهان سمت چپ را برادر ابراهیم ایل بعهدہ داشت. وی در عملیات خیبر به شہادت رسید.

نام عملیات: شہید چمران

تاریخ عملیات: ۶۰/۵/۵

نوع عملیات: تک ہماہنگ

منطقہ عملیات: جنوب جادہ حمیدیہ - سوسنگرد (غرب طراح و جنوب ساجت)

مدت درگیری: ۲ روز

مراحل عملیات: دو مرحلہ

هدف: پاکسازی جنوب جادہ حمیدیہ - سوسنگرد تا کرانہ شمالی کرخہ کور

فرماندہی: ارتش - لشکر ۱۶ (تیپ ۳)

سازمان رزم:

۱- محور ساجت، ارتش و سپاہ بہ استعداد.

۲- محور طراح، ارتش و گروہ نامنظم دکتر چمران .

پشتیبانی رزم: توپخانہ ارتش.

طرح مانور: در این عملیات دو عملیات بہ اجرا در آمد ۱- عملیات اخذ تماس. ۲- تک ہماہنگ شدہ.

دشمن: منطقہ کرخہ کور در اشغال تیپ ۴۳ لشکر ۹ بود و گردانہای تانک فکہ، غزہ، حیفا و گردان ۱۰ مکانیزہ را تحت امر داشت.

موقعیت منطقہ تحت اشغال دشمن قبل از عملیات:

دشمن در شمال رودخانہ کرخہ کور در تاریخ ۶۰/۵/۴ منطقہای بہ عرض ۷ کیلومتر و بہ عمق ۷/۵ کیلومتر را در اشغال خود داشت. کہ دو جناح شرقی و غربی دشمن، در این جہہہ آبگرفتہ بود. دشمن با تصرف این منطقہ دو ہدف را دنبال می کرد: ہدف اول تہدید جادہ حمیدیہ - سوسنگرد و ہدف دوم جلوگیری از دسترسی نیروہای خودی بہ رودخانہ کرخہ کور بود کہ آزاد سازی کرخہ کور بدست نیروہای خودی، موقعیت نیروہای عراق در منطقہ غرب اهواز را بہ خطر می انداخت. با وجود آب گرفتگی در دو جناح نیروہای عراق، آنها را از جناحین

خود مطمئن کرده بود. عراق همچنین با ایجاد یک خاکریز نیم دایره‌ای که کرخه کور را قطع می‌کرد و با استفاده از میدانهای مین و سیم خاردار جبهه مستحکمی را ترتیب داده بود.

سابقه:

پس از اجرای عملیات موفقیت آمیز غیور اصلی در تاریخ ۵۹/۷/۹ جاده حمیدیه سوسنگرد آزاد شد. ولی همچنان نیروهای دشمن شمال کرخه کور را در اشغال خود داشتند. از تاریخ ۵۹/۱۰/۱۵ نیروهای خودی عملیات نصر را در محور هویزه به اجرا گذارده و دشمن را از شمال کرخه کور عقب راندند، اما از روز دوم عملیات، اوضاع به نفع دشمن تغییر کرد، بطوریکه در روزهای بعد دشمن نه تنها مواضع از دست داده را مجدداً تصرف کرد، بلکه مناطق جدیدی را که شامل هویزه و اطراف آن بود تحت اشغال گرفت.

بعد از عدم موفقیت در اجرای عملیات نصر، نیروهای خودی با توسل به طرح دفاع آبی در مقابل دشمن ایجاد مانع نموده و بدین وسیله دشمن را در این منطقه زمین گیر و منفعل نمودند.

بطوریکه آب هدایت شده دشمن را از ۳ جناح (شمال - شرق - غرب) مورد تهدید قرار داده و متقابلاً دشمن جهت جلوگیری از پیشروی آب اقدام به احداث سد نمود ولی چندین بار سد احداثی دشمن توسط نیروهای خودی شکسته و آب به سمت مواضع دشمن سرازیر گردید، یکبار در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۴ نیروهای خودی طی اجرای عملیات مهندسی توانستند سد مستحکم دشمن را که در جبهه سعدون حمودی احداث شده بود منهدم و مواضع دشمن را به زیر آب ببرند در پی این اقدام موثر، دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد و نیروهای خودی خط دفاعی خود را تغییر داده و تا جنوب شرق ساجت پیش رفتند و در سنگرهای قبلی دشمن موضع گرفتند.

اما با تغییر فصل و کاهش فشار آب، دشمن نیروهای خود را در شمال کرخه کور تقویت کرده و مجدداً مواضع قبلی خود را در غرب طراح و جنوب شرق ساجت اشغال نمود.

ناگفته نماند که علیرغم جاری ساختن آب کرخه کور در نواحی شمالی کرخه کور بعلت ارتفاع زمین منطقه طراح را آب فرا نگرفت و متجاوزین این منطقه را بعنوان سرپل نگهداری کرده بودند و کماکان خطر بالقوه قطع جاده سوسنگرد - حمیدیه و

بستن عقبه نیروهای خودی در سوسنگرد وجود داشت، لذا اجرای عملیات ۶۰/۵/۵ در محور کرخه کور، ضروری و حتمی بنظر می‌رسد.

شرح:

عملیات در دو مرحله انجام می‌گرفت برای مرحله اول، عملیات اخذ تماس و برای مرحله دوم، تک هماهنگ شده پیش بینی شده بود. اجرای طرح بدین ترتیب بود که ابتدا خاکریزی به فاصله ۱،۵۰۰ متری خاکریز دشمن احداث شد و پس از مدتی تصمیم گرفته شد خاکریز جدیدتری در فاصله نزدیکتر به دشمن احداث شود. یادآوری می‌گردد که خاکریز دوم فقط در منطقه ساجت احداث گردید. خاکریز مزبور که بر خاکریز خط مقدم دشمن مسلط بود، به طور متوسط ۱۰۰۰ متر از خاکریز دشمن فاصله داشت. پس از احداث خاکریز دوم، اقدام بعدی حفر کانال بود تا از فاصله نیروهای خودی به دشمن کاسته شود، در این ارتباط سه کانال حفر شد که بعضاً طول آنها به ۴۰۰ متر می‌رسید.

بدین ترتیب با انجام عملیات اخذ تماس نیروهای خودی، در محور ساجت، می‌توانستند با تأمین، تا ۶۰۰ متری دشمن پیشروی کنند.

مرحله دوم عملیات، تک هماهنگ شده در ساعت ۴،۱۵ دقیقه صبح روز ۶۰/۵/۵ با اجرای آتش تهیه به مدت ۳۰ دقیقه آغاز گردید. پس از اجرای آتش تهیه، حمله نیروهای پیاده که در پشت خاکریز در محور طراح و در کانالها در محور ساجت منتظر فرمان بودند آغاز شد و در ساعت ۴،۵۰ نیروهای پیاده به خاکریز دشمن رسیدند، پس از برچیدن سیم‌های خاردار، بدنبال ده دقیقه درگیری، در ساعت ۵،۰۰ صبح، خط اول دشمن سقوط کرد.

در محور ساجت پس از سقوط خاکریز اول، دشمن در پشت خاکریز دوم با آتش نیربازهای خود توانست مدت کوتاهی مقاومت کند. اما پس از چند دقیقه خاکریز دوم دشمن که حدود چهارصد متر با خاکریز اول فاصله داشت نیز سقوط کرد. بعد از تصرف خاکریز دوم، به تدریج ادوات ضد تانک مانند موشک تاو و تفنگ ۱۰۶ م.م خودی وارد منطقه شدند و واحدهای زرهی توانستند در پشت خط مقدم دشمن موضع بگیرند.

تا ساعت ۶،۰۰ نیروهای پیاده موفق شده بودند تا سه کیلومتری جنوب خط مقدم دشمن پیشروی کنند، نیروهای عراقی به مقیاس وسیعی موفق به فرار از منطقه شدند حتی واحدهای زرهی عراقی تا جنوب کرخه کور عقب نشینی کرده بودند، و

در ساعت ۶،۳۰ صبح نیروی پیاده به کرانه شمالی کرخه کور رسیدند و پل حمودی فردوس را تصرف کردند. عراق در حدود سه کیلومتری شمال کرخه کور خاکریزی به موازات رودخانه و بطول ۵ کیلومتر احداث کرده بود که نیروهای خودی بعنوان خط پدافندی آن را مورد استفاده قرار دادند. لذا نیروهایی که تا کرخه کور پیشروی کرده بودند به پشت خاکریز مزبور بازگشتند. اجرای عملیات و پیشروی نیروهای خودی با موفقیت در همان ساعات اولیه روز به پایان رسید.

نکته:

همزمان با عملیات شهید چمران در دو جبهه الله اکبر . غرب سوسنگرد (سویدانی) تظاهر به تک شد که تانک و توپخانه در آن نقش اصلی داشتند. این عملیات آثار مثبتی را روی جبهه کرخه کور گذاشت، ضمن آنکه ۶ شهید و ۱۰ مجروح، برای نیروهای خودی در پی داشت.

پاتک دشمن:

در عصر روز ۶۰/۵/۵ تعداد ۱۰ دستگاه تانک از جنوب پل حمودی فردوس اقدام به حرکت و پاتک می کنند که نیروهای پیاده به جنوب کرخه کور رخنه کرده و با انهدام چهار دستگاه تانک دشمن، آنها را مجبور به عقب نشینی می کنند. پس از دفع پاتک دشمن، نیروهای خودی به منظور تحکیم مواضع خود در عصر روز ۶۰/۵/۵ تا ۳ کیلومتری شمال کرخه کور عقب نشینی کرده و در پشت خاکریزی که توسط دشمن احداث شده بود پدافند نمودند.

عملیات تا پایان روز اول با موفقیت همراه بود. در روز دوم نیز (۶۰/۵/۶) غیر از پاتک ده تانک در منطقه حمودی فردوس، پاتک دیگری وجود نداشت و منطقه نسبتاً آرام بوده است.

روز سوم عملیات (۶۰/۵/۷) دشمن در ساعت ۴ صبح پس از اجرای آتش تهیه، با استعداد یک گردان زرهی و یک گردان پیاده، پاتک کرد و پس از عبور از پل موجود در کنار روستای حنانه (پل شرقی) به طرف شمال غربی حرکت کرده و مواضع خودی را در سمت راست هدف قرار داد اما قبل از دستیابی به موفقیت با کمینهای نیروهای خودی مواجه شده و تا ساعت ۶ بامداد با دادن ۵۰ نفر کشته و زخمی و ۵۷ نفر اسیر و به جای گذاشتن چند دستگاه نفربر و خودرو عقب نشینی کرد. ولی در عین حال سرپلی را در شمال کرخه کور و در فاصله ۱۵۰۰ متری خاکریز خودی حفظ می کند. در ساعت ۹،۳۰ دشمن پاتک دیگری آغاز می کند.

پیاده و زرهی دشمن در این پاتک شرکت دارند، اما اقدام تسویخانه و نیروهای در کمین نشسته خودی، پیشروی دشمن را سد کرده، بیش از ۱۴ نفر اسیر می‌شوند، تعدادی دیگر تانک دشمن هدف قرار می‌گیرد و منهدم می‌شود. در بعد از ظهر روز سوم، عراق سه تانک و یک بولدوزر خودی را هدف قرار داده و منهدم می‌کند و چند نفر را شهید می‌نماید و پس از آن جبهه آرام می‌گیرد و اوضاع عادی می‌شود.

جمع آمار تلفات و خسارات خودی و دشمن (روزهای ۵ و ۶/۵/۶۰):

دشمن:

کشته و مجروح: ۱۰۰۰ نفر.

اسیر: ۱۵۱ نفر.

انهدام تجهیزات: ۱۱ دستگاه تانک، ۲۳ دستگاه نفر بر و خودرو.

غنایم: ۲۰ دستگاه تانک، نفربر و خودرو - ۴ دستگاه موشک انداز ضد تانک - ۲

دستگاه تفنگ ۱۰۶ م.م - ۷ دستگاه بولدوزر - ۱ قبضه ضد هوایی ۵۷ م.م - چند

قبضه خمپاره انداز ۶۰ و ۱۲۰ م.م.

خودی:

شهید: ۸ نفر.

مجروح: ۱۳ نفر.

انهدام تجهیزات خودی: ۲ دستگاه تانک و یک دستگاه بولدوزر.

عملیات: بهشت

منطقه عملیات: شوش

تاریخ: ۶۰/۵/۲۷

شرح:

در تاریخ حدود ۶۰/۴/۲۷ قرار بود که لشکر ۲۱ حمزه در منطقه جبهه شوش عملیاتی را انجام دهد که چون تیپ دو آماده نبود فقط تیپ یک و سه عملیات ناموفقی را انجام دادند و از آن زمان فرمانده لشکر ۲۱ اصرار داشت که تیپ دو باید در این منطقه عملیات کند. سرانجام این تیپ که آمادگی روحی نداشت، در تاریخ ۶۰/۵/۲۷، ساعت ۱۱ شب با گردان ۱۶۹ از سمت راست جبهه و گردان ۱۴۱ از سمت چپ، با حداکثر یک دسته پیاده و با این قصد که فقط به دشمن نزدیک شود و برگردد، تا به ظاهر وظیفه خود را انجام داده باشد، به طرف خط دشمن

حمله کردند و بدون ضربه زدن به خودی برگشتند. از آمار تلفات و خسارتهای دشمن اطلاعی در دست نیست.

در همین تاریخ (۶۰/۵/۲۷) قرار بود در شمال شلیبه عملیاتی بمنظور تصرف روستای شلیبه و ارتفاعات جنوبی آن انجام شود. پیش از عملیات، ارتش خواسته بود سرگروهها از ارتش باشند، فرماندهی عملیات به ارتش سپرده شود و از صدا و سیما هم عملیات را به نام ارتش گزارش کنند. سپاه با درخواستهای ارتش موافقت کرد، اما در روز حمله سرگروهها گفتند که امکان نفوذ نیست و در هنگام حمله نیز پس از مدت کوتاهی نیروهای پیاده ارتش برگشتند و گفتند نمی‌شود حمله کرد، چون تیر اندازی روی ما زیاد بود. عملیات مزبور در همین مرحله پایان گرفت (در واقع انجام نشد).

در ساعت ۳ بامداد روز ۶۰/۶/۳۰ عملیاتی سپاه و ارتش در محور عنکبوت انجام شد که نزدیک به ۳ ساعت طول کشید و به دلیل هوشیاری دشمن موفقیت آمیز نبود، در این عملیات آتش سنگینی روی دشمن ریخته شد.

نام عملیات: شهید رجایی و باهنر (نور)

تاریخ عملیات: ۶۰/۶/۱۰

منطقه عملیات: حمیدیه - کرخه کور.

نوع عملیات: تک هماهنگ.

مراحل عملیات: یک مرحله.

مدت درگیری: دو روز.

هدف: آزادسازی کامل شمال کرخه کور.

فرماندهی: ارتش لشکر ۱۶.

استعداد دشمن: یک تیپ.

سازمان رزم: سپاه، ارتش و نیروهای جنگهای نامنظم دکتر چمران.

طرح مانور: در این عملیات مانور بصورت تک جبهه‌ای به اجرا گذارده شد.

پشتیبانی: توپخانه ارتش.

سابقه:

بعد از اجرای عملیات ۶۰/۵/۵ نیروهای خودی به منظور تثبیت موقعیت بهتر در پشت خاکریز احداث شده توسط دشمن در شمال کرخه کور، ایجاد موضع نمودند.

این خاکریز به فاصله ۳ کیلومتر از شمال کرخه کور احداث شده بود و به موازات رودخانه کرخه کور از شرق به غرب بطول ۵ کیلومتر امتداد داشت.

خاکریز مذکور بعد از عملیات ۶۰/۵/۵ عامل تعیین کننده‌ای برای حفظ مواضع متصرفه از سوی نیروهای خودی بود. از سوی دیگر قوای دشمن که بطور پراکنده در شمال و جنوب کرخه کور در تاریخ ۶۰/۵/۱۷ در ۲۰۰ الی ۴۰۰ متری شمال کرخه کور اقدام به احداث خاکریز بطول ۱،۲۰۰ متر در مقابل نیروهای خودی نموده و در پشت خاکریز احداثی مشغول تقویت استحکامات خود شدند.

علیرغم شرایط موجود در این جبهه که به نفع نیروهای خودی بود ولی بدلیل حضور قوای دشمن در شمال کرخه کور، تهدید از سوی آنها همچنان باقی بود و لذا نیروهای خودی بمنظور تکمیل اهداف عملیات ۶۰/۵/۵ و آزاد سازی کامل شمال کرخه کور از وجود دشمن، عملیات ۶۰/۶/۱۰ را طراحی و به اجرا گذاردند.

شرح:

در ساعت ۴،۴۰ بامداد روز ۶۰/۶/۱۰ عملیات بدون اجرای آتش تهیه و با حفظ غافلگیری از ۳ جناح آغاز شد.

ارایش نیروهای خودی بدین گونه بود که در جناح غربی (سمت راست) نیروهای سپاه، در جناح میانی نیروهای ارتش و در جناح شرقی (سمت چپ) نیروهای ستاد جنگهای نامنظم شرکت داشتند.

نیروهای عمل کننده که حدود ۳ ساعت قبل، از نقطه رهایی به پای کار رسیده بودند و در ۵۰ متری خاکریزهای دشمن منتظر شروع عملیات بودند، با آغاز حمله طی یک پیشروی هماهنگ توانستند تا ساعت ۵،۱۵ دقیقه خاکریزهای دشمن در شمال کرخه کور را به تصرف خود درآورند. با توجه به غافلگیر شدن دشمن، مقاومتی از سوی آنها صورت نگرفت، بیشترین مقاومت آنها در محور غربی با نیروهای سپاه و بسیج بوده که این مقاومت هم تا ساعت ۵،۲۰ دقیقه در هم شکسته شد و قوای دشمن مجبور به فرار شدند. با سقوط خاکریزهای دشمن، بلدوزرهای خودی به طور فعال اقدام به احداث خاکریز در منطقه نمودند.

عملیات با موفقیت تا ساعت ۹ صبح ادامه پیدا کرد و نیروهای عمل کننده توانستند قوای دشمن را تا جنوب کرخه کور عقب برانند و ۴ پل احداثی بر روی کرخه کور را به تصرف خود در آورند. در ساعت ۱۶ دشمن اقدام به پاتک از جناح

وسط نموده که با عکس‌العمل نیروهای خودی و انهدام ۶ دستگاه از تانک‌های دشمن دفع گردید و قوای عراقی مجبور به عقب نشینی شدند. علی‌رغم دفع پاتک دشمن در جناح وسط، نیروهایی که طبق طرح، وظیفه حفظ و تامین این محور را داشتند به عقب برگشته و با حفظ فاصله در ۲۰۰ متری شمال کرخه کور در مقابل ۲ پل وسط در محدوده روستای حیانیه موضع گرفته و اقدام به پدافند کردند.

عقب نشینی خودی باعث گردید که، در شمال کرخه کور، سرپلی به عمق ۲۰۰ و به عرض ۶۰۰ متر در اختیار دشمن باقی بماند.

دشمن با در دست داشتن سرپل بدست آمده در صدد گسترش وضعیت بود. لذا در روز ۶۰/۶/۱۲ از ساعت ۵ بامداد با نیروی زرهی اقدام به ضد حمله مجددی نمود، اما نیروی پاتک کننده از سمت چپ خود مورد هدف سلاح‌های ضد تانک سپاه قرار گرفت و با انهدام ۲۰ دستگاه تانک و نفربر در کناره جنوبی کرخه کور و قبول تلفات انسانی بسیاری در ساعت ۲۱ عقب نشینی کرد و منطقه متصرفه تثبیت شد. در این عملیات منطقه‌ای به وسعت ۱۵ کیلومتر مربع آزاد گردید.

جمع نتایج بدست آمده از عملیات روزهای ۱۰ و ۶۰/۶/۱۲.

وسعت منطقه آزاد شده:

تلفات و خسارات وارده:

دشمن

کشته و مجروح: ۲۵۰ نفر.

اسیر: ۷۳ نفر.

انهدام تجهیزات: ۲۰ دستگاه تانک، ۱۵ دستگاه نفربر، ۱ دستگاه خودرو، یک قبضه موشک انداز کاتیوشا و یک فروند هلی‌کوپتر.

غنایم: ۵ دستگاه نفربر، چندین قبضه خمپاره‌انداز و تعداد قابل توجهی اسلحه سبک.

خودی

شهید: ۳۰ نفر

مجروح: ۳۰ نفر

انهدام تجهیزات: ۳ دستگاه تانک.

نام عملیات: عملیات نصر

تاریخ عملیات: ۶۰/۶/۱۱

منطقه عملیات: شحیطیه - جابر همدان

نوع عملیات: تک هماهنگ شده

مدت درگیری: ۲ روز

مراحل عملیات: ۲ مرحله

هدف: تصرف مواضع دشمن در شمال روستای جابر همدان.

فرماندهی: ارتش - تیپ ۳ لشکر ۹۲.

سازمان رزم: ارتش، سپاه و نیروهای نامنظم دکتر چمران.

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش.

طرح مانور: در این عملیات مانور بصورت تک احاطه‌ای به اجرا گذارده شد.

استعداد دشمن: به استعداد یک تیپ (-) شامل یک گردان (+) تانک و یک

گردان (+) پیاده.

شرح:

مطابق طرح ارائه شده این عملیات در دو مرحله می‌بایست به اجرا در می‌آمد.

مرحله اول عملیات که در غرب تپه‌های الله اکبر اجرا می‌شد پس از ۳۰ دقیقه

آتش تهیه در ساعت ۵ صبح از دو محور آغاز شد.

در جناح چپ، نیروهای عمل کننده از منطقه حمودی عاصی حرکت خود را به

سمت جابر همدان آغاز کردند. و در مراحل اولیه نبرد توانستند ضمن تصرف دو

روستای بیت ناجی و صالح حسن، ۶ کیلومتر پیشروی کرده و خود را به ۲۰۰

متری خاکریز (عصا شکل) جابر همدان برسانند. نزدیک شدن خودی به خاکریز

اصلی عکس العمل شدید و اجرای آتش سنگین دشمن و عدم پشتیبانی به موقع

واحدهای زرهی خودی پیشروی نیروهای پیاده را در این جناح متوقف کرده و

تلفات زیادی به آنها وارد آورد.

این در حالی بود که سمت چپ نیروهای این محور نیز پوشش نداشت و عملیات

مرحله دوم که می‌بایست در جنوب کرخه اجرا می‌شد و سمت چپ نیروهای

حمودی عاصی را پوشش می‌داد، اجرا نگردید و لذا نیروهای مزبور از جنوب کرخه

هدف آتش دشمن قرار گرفته بودند.

همزمان با عملیات در جناح چپ، جناح راست، نیروهای خودی، از منطقه عمومی شحیطیه، حرکت خود را به سمت تپه سبز در ۶ کیلومتری شمال روستای جابر همدان آغاز کردند. وجود رملها، حرکت و پیشروی در این جناح را کند کرده بود با این وجود پس از ۴ ساعت حرکت و در ساعت ۹ صبح نیروهای خودی به شمالی‌ترین نقطه خاکریز دشمن دست یافتند و تلفات و خساراتی به دشمن وارد آوردند.

تلاش برای تصرف کامل نیمه شمالی خاکریز دشمن تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه پیدا کرد. اما مقاومت دشمن مانع رخنه بیشتر شده و توسعه در این جناح صورت نگرفت. در روز بعد عملیات نیروهای خودی در جناح راست به منظور تکمیل اهداف تعیین شده ادامه یافت. هدف در این عملیات تصرف قسمت دیگری از خاکریز عصا شکل بود که با موفقیت اجرا شد. نیروهای خودی علاوه بر تصرف قسمت راست و شمال خاکریز و ضمن وارد آوردن خسارات به دشمن، تپه دیدبانی دشمن، معروف به تپه سبز را که در فاصله ۸۰۰ متری خاکریز عصا شکل بوده و مشرف به مواضع دشمن بود به تصرف خود در آوردند.

نتایج:

دشمن:

کشته: ۱۰۰ نفر.

اسیر: ۶۶ نفر.

مجروح: قریب ۳۰۰ نفر.

انهدام تجهیزات: یک انبار مهمات*، ۶ دستگاه تانک و ۲ فروند هلی کوپتر.

خودی:

شهید: ۷۰ نفر.

مجروح: ۷۵ تا ۸۰ نفر.

انهدام تجهیزات: یک فروند هلی کوپتر.

نام عملیات: شهید مدنی.

تاریخ عملیات: ۶۰/۶/۲۷

نوع عملیات: تک هماهنگ شده.

* لازم بذکر است آمار انهدام تجهیزات در سند شماره ۰۰۵۹۱۵ شامل ۳۰ دستگاه تانک و نفربر ذکر شده است.

منطقه عملیات: جنوب جاده سوسنگرد - بستان، از دهلاویه تا دغاغله.

مدت درگیری: ۱ روز.

مراحل عملیات: یک مرحله.

هدف: تصرف خاکریز خط مقدم دشمن از دغاغله تا دهلاویه.

فرماندهی: مشترک

سازمان رزم:

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش.

استعداد دشمن: ۲ گردان تیپ ۳۵ زرهی از لشکر ۹ به همراه گردان تانک

قادسیه.

سابقه:

بعد از عملیات دهلاویه، دشمن علیرغم در اختیار داشتن دهلاویه، آن را تخلیه کرد و بین روستای آزادی و دهلاویه خاکریزی احداث کرده و پشت آن مستقر شد. بدین ترتیب روستای دهلاویه از دشمن خالی شده در حالیکه، در تصرف نیروی خودی نیز قرار نگرفت.

شرح:

طبق طرح، عملیات با دو محور موازی از احمیر و چولانه به سوی دهلاویه و سویدانی اجراء می‌گردید.

در غرب دهلاویه و شرق روستای آزادی، خاکریزی به طول ۳ کیلومتر قرار داشت که از جاده اسفالتی شروع شده و تا شط عباس امتداد می‌یافت.

آزاد سازی روستای دهلاویه و تصرف خاکریز غرب آن یکی از اهداف عملیات بود. در محور سویدانی نیز تصرف خاکریز احداثی دشمن از دغاغله تا دحیمی و آزاد سازی روستاهای سویدانی، رمله، مگاصیص، اهداف دیگر عملیات را در بر می‌گرفت.

محور دهلاویه:

نیروهای عمل کننده در این محور از ساعت ۲۲،۰۰ روز ۶/۶/۲۶ حرکت خود را از نقطه رهایی در مسیر کانالی که قبلاً شناسایی شده بود و تا پشت نیروهای عراقی امتداد داشت، آغاز کردند.

حرکت نیروها در مسیر کانال ادامه داشت تا اینکه علی‌رغم پیش‌بینی قبلی به مانع برخورد کردند. علاوه بر آنکه اجرای آتش سنگین دشمن امکان ادامه مسیر از

روبرو را سد کرد، لذا نیروها برای رسیدن به پای کار مسیر سمت راست را انتخاب کرده و تغییر جهت دادند و در پشت خاکریز (جناح راست) منتظر ساعت شروع عملیات شدند.

در ساعت ۴،۳۰ با اجرای آتش تهیه خودی عملیات آغاز شد. حرکت بمنظور تصرف خاکریز با فریاد الله اکبر نیروهای خودی آغاز شد. یک ساعت پس از شروع عملیات نیروهای عمل کننده توانستند ضمن انهدام تعداد زیادی از تانکهای دشمن، سنگرهای آنها را پاکسازی کرده و خاکریز اول دشمن را به تصرف خود در آورند.

به دنبال این موقعیت حرکت بسمت خاکریز دوم دشمن ادامه یافت، و نیروهای خودی به سمت چپ خاکریز (به سمت شط عباس) گسترش یافتند. پس از تصرف خاکریز دوم پیشروی همچنان ادامه یافت و خاکریز سوم نیز تصرف گردید. با روشن شدن هوا، پاتکهای دشمن شروع شد. نقطه آسیب پذیر نیروهای خودی از جناح چپ خاکریز، سمت شط عباس بود. درگیری در این نقطه به شدت ادامه داشت. دشمن با آرایش تانکها توان خود را روی خاکریز، شط عباس متمرکز کرده بود.

این درگیری تا بعد از ظهر روز اول ادامه پیدا کرد و نهایتاً دشمن توانست با عقب راندن نیروهای خودی نیمی از خاکریز را باز پس گیرد. دشمن برای عقب راندن کامل خودی فشار می آورد ولی مقاومت نیروهای خودی پیشروی قوای دشمن را در این نقطه متوقف کرده و موقعیت نیروهای خودی در جناح راست (سمت دهلاویه) تثبیت شد.

محور سویدانی:

در ساعت ۲ بامداد نیروهای عمل کننده حرکت خود را از غرب چولانه - شرق سویدانی به سمت مواضع دشمن آغاز کرده و با عبور از موانع موجود تا عمق ۲۰۰ متری دشمن نفوذ کرده و خود را به پای کار رساندند.

در ساعت ۳،۳۰ بود که آتش توپخانه دشمن آغاز شد. ساعت ۴ بامداد عملیات توپخانه‌های خودی اجرای آتش تهیه کرد و لحظه‌ای بعد نیروهای خودی زیر آتش متقابل دشمن شروع به پیشروی به سمت خاکریزهای آن نمودند.

قوای عراقی علیرغم اجرای آتش روی نیروهای خودی، آمادگی برای پدافند در برابر تک خودی را نداشتند و لذا شروع به عقب نشینی کردند.

به طوری که تا ساعت ۵،۳۰ دقیقه خاکریز مقدم دشمن سقوط کرد.

حد فاصل خاکریز اول تا دوم ۳ کیلومتر بوده و از آنجا تا خاکریز سوم همین مسافت می‌بایست طی می‌شد. علاوه بر آن وجود موانع و سنگرهای تانک دشمن نفوذ به سمت خاکریز دوم و سوم را مشکل کرده بود. با این وجود پیشروی به طرف خاکریز دوم و سوم ادامه داشت به طوری که تا ساعت ۷ صبح نیروهای عمل کننده توانستند علاوه بر خاکریز دوم و سوم روستاهای سویدانی - رمله - دحیمی و مگاصیص را به تصرف خود در آورند.

به دنبال موفقیت نیروهای خودی، دشمن اقدام به پاتکهای متعددی به منظور باز پس گیری مواضع از دست داده کرد. این در حالی بود که اجرای آتش توپخانه دشمن که از ساعت ۳،۳۰ بامداد آغاز شده بود، همچنان ادامه داشت و تلفات بسیاری را در طول روز دوم نیروهای خودی بر اثر فشار تانکها از دو سمت مگاصیص و دغاغله متحمل شدند. نیروی خودی در برابر دشمن مقاومت می‌کرد، اما در عین حال دشمن توانست تا ساعت ۱۱،۰۰ روستاهای مگاصیص و خاکریز سویدانی، دغاغله تا ۱/۵ کیلومتری جنوب سویدانی باز پس گیرد. ولی دشمن نتوانست به مواضع قبل از عملیات باز گردد بدین ترتیب نیروهای خودی توانستند منطقه‌ای به وسعت ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر مربع را آزاد سازند.

ملاحظات:

۱- بعد از عملیات شهید مدنی خطوط پدافندی منطقه عملیاتی حمیدیه - سوسنگرد و تپه الله اکبر تا زمان اجرای عملیات طریق القدس (آذرماه ۶۰) بدون تغییر باقی ماند.

۲- در این عملیات برادر ریخته‌گران فرمانده عملیاتی سپاه در محور دهلاویه، در اثر تیری که به چشمش اصابت کرد به شهادت رسیده و پیکر او در منطقه باقی ماند.

نتایج:

دشمن

کشته: ۵۰۰ نفر.

اسیر: ۱۶۷

مجروح: ۱۰۰۰ نفر.

انهدام تجهیزات: ۵ تانک و نفر بر.

غنایم: ۳ دستگاه تانک، ۳ قبضه تیربار دوشکا، ۴ قبضه آر پی جی، مقادیر زیادی کلاشنیکف و سلاح سبک و مهمات.

خودی

شهید: ۱۶۸ نفر.

مجروح: —

انهدام تانک خودی: ۲ دستگاه تانک.

(ب) جبهه میانی و غرب کشور

نام عملیات: شهید سعید گلاب بخش.

تاریخ عملیات: ۱۳۵۹/۸/۹

منطقه عمومی: سرپل ذهاب.

نوع عملیات: تک هماهنگ.

مدت درگیری: یک روز.

هدف: آزاد سازی تپه‌های سراب گرم، افشار آباد و باز کردن جاده شیشه راه - سرآبگرم.

فرماندهی: سپاه (شهید سعید گلاب بخش معروف به محسن چریک).

سازمان رزم: ۲ گروهان (-) از سپاه جمعاً به استعداد ۱۱۰ نفر.

طرح مانور: دو گروهان از دو محور شیشه راه و سرآبگرم به سوی افشار آباد تک کردند.

پشتیبانی رزم: ادوات سپاه.

دشمن: یگانی از تیپ ۱۸ لشکر پیاده.

شرح:

در محور اول نیروهای خودی با استفاده از تاریکی شب از شیشه راه حرکت کرده و در حوالی صبح به پای اهداف خود رسیدند. اما در محور دوم به جهت آگاهی و هوشیاری دشمن در روستای افشار آباد درگیری زودتر، شروع شد. دشمن که در موضع برتر بر روی ارتفاعات بلند بازی دراز قرار داشت، از هر سو بر روی نیروهای اسلام آتش گشود و آنان را به محاصره در آورد. در نتیجه نیروی خودی به موفقیت

دست یافت و با تعدادی شهید و مجروح عقب نشینی کرد. آتش دشمن، امکان تخلیه شهدا را غیر ممکن کرده بود. عقب نشینی نیز به دشواری صورت پذیرفت. تعدادی از برادران که در روز خود را در زمینهای کشاورزی منطقه استتار کرده بودند، شب بعد توانستند با استفاده از تاریکی به عقب برگردند. همین برادران شاهد به شهادت رسیدن برادران مجروح و اسیر خود به دست نیروهای عراقی بوده‌اند.

نتیجه: در این عملیات نیروها دشمن آسیب دیدند.

نکته:

- ۱- عملیات افشار آباد، اولین عملیاتی بود که در زمینهای غرب کشور، پس از تسلط ارتش اشغالگر عراق اجرا می‌شد، اجرای اولین اقدام توسط سپاه خود مسئله بارز دیگری است که مورد توجه است.
- ۲- سعید گلاب بخش، از عناصری مبارز دوران سلطنت پهلوی، که دوره‌های نظامی‌گری را در آن دوران در اردوگاههای فلسطینی گذرانده بود، در این عملیات به شهادت رسید.

نام عملیات: عاشورا.

تاریخ عملیات: ۵۹/۸/۲۸

نوع عملیات: تک هماهنگ - تک احاطه‌ای.

مدت درگیری: سه روز.

هدف: آماده سازی سومار و ارتفاعات کله جوب، بند پیرعلی و سارات.

فرماندهی: تیپ ۲ لشکر ۸۱ ارتش.

سازمان رزم: گردان ۲۹۰ تانک و ۱۱۹ مکانیزه از لشکر ۸۱ و یک گردان از سپاه.

طرح مانور:

- گردان ۲۹۰ تانک به موازات جاده آسفالت سومار به کله جوب و بند پیرعلی تک می‌کند.

- گردان ۱۱۹ مکانیزه و یک گردان از سپاه به سارات تک میکنند.

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش و ادوات سپاه.

دشمن:

- یک گردان پیاده از تیپ ۲۹ لشکر ۴.

- یک گردان تانک.

- گردان ۴ تیپ ۳۲ نیروی مخصوص.

شرح:

عملیات در ساعت ۵/۵ بامداد آغاز شد. در محور اول ، بلافاصله پس از شروع، تک متوقف گردید. در ساعت اولیه در محور جنوبی قله ۱ سارات آزاد شد و در ادامه عملیات قله ۲ نیز از اشغال متجاوزین آزاد گردید.

روز دوم عملیات تلاش نیروی خودی برای تصرف سارات ۳ به جهت مقاومت دشمن به جایی نرسید. در روز سوم نیز وضع به همین منوال گذشت.

عدم تصرف قله ۳ سارات و نیز عدم موفقیت فلش شمالی عملیات، ادامه استقرار روی سارات ۱ و ۲ را دشوار کرده بود. لذا بعد از سه روز، نیروی خودی به انهدام دشمن اکتفا کرد و به مواضع قبلی باز گردید.

نتایج:

تلفات دشمن:

کشته و مجروح: ۷۰۰ نفر.

اسیر: ۸ نفر.

انهدام تجهیزات: ۲۰ دستگاه تانک و ۲ دستگاه لودر و بولدوزر.

انهدام: یگان مستقر دشمن در منطقه آسیب دید.

نام عملیات: پاسگاه شیخان.

تاریخ:

منطقه: پاه نو سود.

نوع عملیات: آزاد سازی.

آفند فعال:

هدف: تامین جنوب ارتفاعات شوشمی.

فرماندهی: ژاندارمری با سپاه و ارتش.

استعداد: ۲ گروهان ضربت سپاه و ارتش.

استعداد دشمن: ۱۲۰ نفر در قالب ۴ گروه ۳۰ نفره.

شرح:

عملیات پس از اذان صبح شروع شد. شیخان و چند روستای دیگر آزاد شد. ۲۴ ساعت پس از عملیات و آزاد سازی شیخان توپخانه عراق به کمک ضد انقلاب آمده. در جریان آزادسازی نیروهای خودی ۲ شهید و ۳ مجروح و ۲۱ نفر اسیر تقدیم انقلاب کردند و ضد انقلاب ۲۰ کشته و تعدادی مجروح داد.

تا ساعت ۷/۵ پاتک دشمن دفع شد. سپس یک گروهان (گروهان ۳) ارتش جایگزین نیروهای خودی در پاسگاه شیخان شد در حالیکه برادران سپاه ترجیح دادند ارتفاع مشرف بر پاسگاه را همچنان خود عهده‌دار باشند. بار دیگر عراق پاتک خود را با اعزام نیروهای پیاده آغاز کرد. عراق از ساعت ۱۰ شب ضمن اجرای آتش تهیه با یک گردان نیروی مخصوص حمله کرد. ولی پاتک سنگین دشمن نیز در حوالی صبح شکست خورد در حالیکه نیروهای خودی ۱۳ شهید و ۲۱ مجروح داده و نیروهای خودی مستقر در پاسگاه، پاسگاه را تخلیه کرده بودند. ولی مقاومت نیروهای مستقر در بالای ارتفاع موجب شکست پاتک دشمن شد.

نام عملیات: شهید منوچهر عباسی.

تاریخ: ۵۹/۱۰/۱۴

منطقه عمومی: گیلانغرب.

نوع عملیات: تک هماهنگ.

مدت درگیری: ۶ روز.

هدف: آزاد سازی تنگه‌های کورک، حاجیان، ارتفاعات برآفتاب، چغالوند و ...

فرماندهی: مشترک سپاه و ارتش.

سازمان رزم: گردان ۲۸۵ تانک از لشکر ۸۱ و گردان ۱۱۰ پیاده از لشکر ۷۷

ارتش: یک گردان ژاندارمری و یک گردان (+) سپاه.

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش.

دشمن:

- تیپ ۱۸ لشکر ۴.

- گردان ۳ از تیپ ۲۹ لشکر ۴.

- گردان ۴ تانک از لشکر ۴.

- گردان ۴ از تیپ ۳۲ نیروی مخصوص.

طرح مانور:

عملیات در دو محور شمالی و جنوبی اجرا می‌شد.

در محور شمالی یک گردان سپاه به اضافه یک گروه‌های از گردان ۱۱۰ تیپ ۳ لشکر ۷۷ با حمایت تعدادی تانک با دو فلش به سمت تنگه‌های کورک و حاجیان تک می‌کردند.

در محور جنوبی گردان تانک ۲۸۵، ۲ گروهان دیگر از گردان ۱۱۰ + یک گردان سپاه و یک گردان ژاندارمری به طرف شیخ داود عرب، آوزین، سستان و چغالوند تک می‌کردند.

شرح:

ساعت شروع تک ۵ بامداد ۵۹/۱۰/۱۴ بود. فاصله زیاد خودی از دشمن در یکی از محوهای جنوبی، باعث شده بود که نیروهای مستقر در این محور زودتر از سایر محورها حرکت خود را آغاز کنند. حرکت آنان در نیمه شب آغاز شده بود. در ساعت ۵ صبح همه پای کار بودند که توپخانه اجرای آتش تهیه را شروع کرد. تک آغاز شد، در محور شمالی، نیروها توفیقی در تصرف کورک بدست نیاوردند اما بخشی از هدف را که عبارت بود از بخشی از ارتفاعات برآفتاب، تصرف کردند. در محور جنوبی گردان پیاده سپاه در ساعت اول تک روستا و ارتفاعات آوزین را از اشغال متجاوزین بعضی خارج ساخت و در ادامه تک به کمک نیروهای ژاندارمری در جناح چپ خود رفت اما تلاش برادران پاسدار بخاطر عقب نشینی نیروهای ژاندارمری بی‌حاصل ماند از سوی دیگر تک گردان تانک ۲۸۵ و ۲ گروهان از گردان ۱۱۰ پیاده در جناح راست نیز بعلت وجود میدان مین متوقف شدن بود. اما با باز کردن معبر و تغییر مسیر، پیشروی در این قسمت نیز شروع شد و نیروهای این محور موفق به الحاق با نیروهای محور شمالی در تنگ حاجیان شدند. بدین ترتیب ارتفاعات آوزین و بخشی از ارتفاعات برآفتاب و تنگ حاجیان آزاد گردید.

بعد از آزاد سازی مناطق فوق، دشمن چندین بار اقدام به پاتک کرد که دفع گردید. چند روز بعد: در ۵۹/۱۰/۱۸، اقدام دشمن به کشته شدن ۴۰ نفر و اسارت جمعی از آنان انجامید. ضمناً در این روز مین گذاری دشمن در روی جاده‌ها موثر افتاد، چند خودروی خودی روی مین رفتند، عده‌ای از برادران ارتش و سپاه، از جمله فرمانده سپاه عملیات، برادر منوچهر عباسی، به شهادت رسیدند. در ۵۹/۱۰/۱۹ دشمن بار دیگر پاتک کرد. ولی نیروهای خودی پاتک دشمن را دفع کرده و ضمن به اسارت گرفتن ۷۵ نفر، بر وسعت مناطق آزاد شده افزودند.

در ۵۹/۱۰/۲۱ طی یک اقدام خودی ۳۰ نفر از دشمن به اسارت درآمد و سه تانک آنها غنیمت گرفته شد.

در ۵۹/۱۰/۲۴، نیروهای سپاه در تنگ حاجیان ضمن وسعت بخشیدن به منطقه متصرفی و گرفتن ۵ اسیر، موقعیت خود را تثبیت کرد و بدین ترتیب عملیات پایان یافت.

نتایج:

در این عملیات منطقه‌ای به وسعت کیلومتر مربع آزاد شد.

تلفات دشمن:

کشته: ۴۲۰ نفر.

مجروح: ۶۰۰ نفر.

اسیر: ۱۱۰ نفر.

انهدام تجهیزات: ۲۶ دستگاه تانک، ۳ دستگاه نفربر، ۲ فروند هلی کوپتر، ۱۲ دستگاه خودرو، ۱ دستگاه بولدوزر، ۸ قبضه توپ، ۷ بانه انبار مهمات، ۹ دستگاه چادر نفرات، ۱ دستگاه توپ ۱۰۶ و ۱ دستگاه توپ ضد هوایی.

نام عملیات: ضربت ذوالفقار

تاریخ: ۱۰/۱۹ - ۵۹/۱۱/۳

فرماندهی: ارتش.

سازمان: مشترک (سپاه، ارتش و بسیج عشایر).

مروری به حوادث منطقه میمک در روزهای اول جنگ نشان دهنده جلوه‌های مقاومت مردمی در آن منطقه است.

۱۲ روز قبل از آغاز جنگ هنگامی که دشمن برای تصرف قاهرانه میمک اقدام کرد، با عکس العمل شدید قوای مردمی روبرو شد به طوری مجبور شد، تنها برای تصرف بخشی از میمک ۴ روز نبرد کند. ضمن آنکه از آن پس نیز آرامش نداشت و پی در پی مورد تهاجم قرار می‌گرفت.

فرماندهی این منطقه در آن زمان با تیپ یک لشکر ۸۱ ارتش بود اما سپاه منطقه ۷ نقش اصلی را در سامان دادن نیروهای مردمی و بسیج عشایری ایفا می‌کرد.

بر اساس طرح، عملیات در دو محور انجام می‌شد. در محور شمالی، نیروهای از تنگه بنیا به سمت پاسگاه هلاله و قله ۶۷۰ وارد عمل شده و منطقه را آزاد

می کردند. در محور جنوبی نیز سرنی به سمت نی خزر و قله ۵۴۰ آغاز شده و پس از آزادی منطقه با محور شمالی الحاق صورت می گرفت.

استعداد خودی: ۱ گردان پیاده و ۱ گردان تانک و ۱ گردان مکانیزه از ارتش + ۲ گردان (+) از سپاه + ۱ گردان از عشایر منطقه.

استعداد دشمن: ۴ تیپ پیاده + ۲ گردان مستقل تانک + ۱ تیپ گارد جمهوری. عملیات در ساعت ۶ بامداد مورخ ۵۹/۱۰/۱۹ آغاز شد. در محور شمالی ابتدا نیروهای پیاده موفق شدند ارتفاعات شمالی میمک را تصرف کنند، لیکن با پاتکهای دشمن عقب نشینی صورت گرفت.

در محور جنوبی نیروهای پیاده موفق شدند قله ۵۲۵ و ۵۴۰ را به تصرف خود در آورند. این در حالی بود که دشمن از دو طرف به نیروهای پیاده مستقر در قله مذکور فشار می آورد.

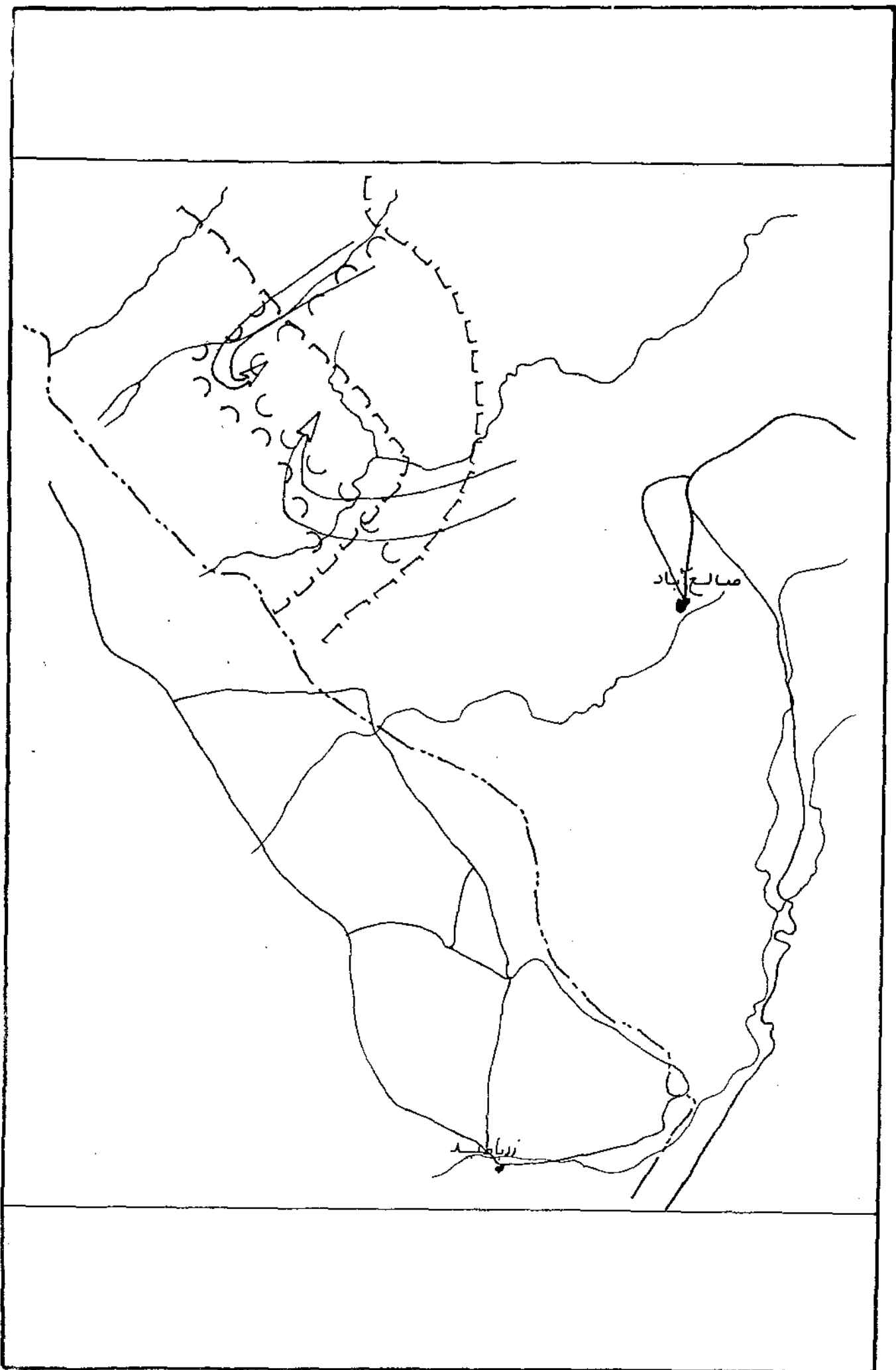
صبح دوم عملیات، در حالیکه نیروی خودی در صدد تامین اهداف شمالی میمک بودند، در محور جنوبی با پاتک دشمن روبرو شدند. اما مقابله نیروهای پیاده و معدود تانک خودی که از حمایت پشتیبانی هوانیروز هم برخوردار بود، تلاش دشمن را خنثی کردند.

در بعد از ظهر آن روز، دومین پاتک دشمن آغاز شد. نبرد سختی بین طرفین در گرفت در نهایت موقعیت نیروی خودی تثبیت شد. در عین حال موقعیت خودی در محور جنوبی تثبیت و تلاش دشمن، عملیات در محور شمالی را منتفی نکرد و نیروی خودی با دور زدن دشمن و رخنه در مواضع آنها قله‌های شمالی میمک را آزاد کرد.

در روز سوم دشمن در دو نوبت به منطقه نی خزر، پاسگاه هلاله و تنگه بیجار پاتک کرد که با مقاومت و حمایت هوایی، نه تنها در دو پاتک خنثی شدند، بلکه منطقه آبگرم نیز به تصرف خودی درآمد.

در روز چهارم، سه پاتک دشمن به منطقه نی خزر انجام شد که اشغال موقت یک ارتفاع خودی را که سنگر دیده بانی بود، در پی داشت. پس از آن، نیروهای دشمن به عقب رانده شده و مناطق جدیدی در محور شمالی نیز آزاد گردید. در ادامه، دشمن با توقف پاتکهایش، به ایجاد استحکامات در هلاله، نی خزر، انجیره و تپه شینو مبادرت ورزید. ۲۰ روز بعد (۵۹/۱۱/۱۳)، عراق که نیروهایش را به شدت تقویت کرده بود، برای باز پس گیری میمک، مجدداً حمله کرد. ولی باز هم و به

رغم چهار روز حمله پی در پی به عقب رانده شد. دو روز بعد عراق پاتک موفق‌ی
کرد و توانست ارتفاع کله قندی و تپه دیده‌بانی را تصرف کند. اما نیروهای خودی
در همان روز تپه دیده‌بانی و در روز بعد ارتفاع کله قندی را باز پس گرفتند. و به
این ترتیب، موقعیت خودی در مناطق آزاد شده تثبیت شد.



عملیات ضربتی ذوالفقار

نام عملیات: نرو

تاریخ: ۵۹/۱۰/۲۴

منطقه عمومی: پاوه - نوسود.

نوع عملیات: پاکسازی.

آفند فعال: ۴ روز.

فرماندهی: سپاه پاوه شهید (سردار سرلشکر) محمد ابراهیم همت.

مراحل عملیات: ۳ مرحله.

هدف: تامین پل دوآب، روستای نرو و نیسانه و پاکسازی ضد انقلاب و پیشروی به سوی مرز.

استعداد خودی: یک گروهان از سپاه و یک گروهان تکاور از ارتش.

نکته: تعدادی از شهدا از سربازان ارتش بودند که بطور داوطلب در سازمان سپاه شرکت داشتند.

شرح:

مرحله اول: ابتدا گروه تکاور توسط هلی کوپتر روی ارتفاعات مشرف بر روستاهای نرو هلی برد شدند و سپاه عملیات زمینی خود را شروع کرد تا با تصرف پل دوآب بطرف روستای نیسانه و ارتفاعات نرو پیشروی کرده و با نیروهای هلی برد شده الحاق کند.

ساعاتی پس از شروع حمله نیروهای کماندو که ۳۶ نفر بودند در محاصره ضد انقلاب (حزب دمکرات) قرار گرفته و اسیر شدند. اما عملیات در محور زمینی همچنان ادامه داشت و بترتیب پل دوآب و روستای نیسانه آزاد شد.

مرحله دوم: پس از ۴۸ ساعت درگیری فلش عملیات زمینی و با دادن ۸ نفر شهید تا ارتفاعات نرو پیشروی کرده و بر روی قله این ارتفاع مستقر شدند. در نتیجه ضد انقلاب متواری گردید. با فرار ضد انقلاب، ارتش عراق از مرز عبور کرده و با استقرار یک گردان در نوسود آن را اشغال کرد و از آن نقطه نیروی خودی را زیر آتش سلاحهای سنگین خود قرار داد.

مرحله سوم: برادران سپاه بمنظور پاکسازی مقر ضد انقلاب، طی یک عملیات ۴۸ ساعته روستای نرو را نیز پاکسازی کردند و متقابلاً عراق در اقدام دیگر، دومین مرحله پیشروی خود را انجام داد و ارتفاعات مرزی شمش در شرق نوسود را اشغال

کرد. در حالیکه هنوز ضد انقلاب بر بالای این ارتفاع مستقر بود، ارتش عراق با استقرار توپهای ضد هوایی و خمپاره‌انداز، خط مشترکی را با ضد انقلاب تشکیل داد. **پاتک عراق:** پنج روز پس از آزادی نیروی ارتش عراق مستقیماً به نیروهای خودی حمله کرد. در اولین ساعات بامداد ۵۹/۱۱/۳ آتش تهیه سنگینی روی مواضع نیروهای اسلام اجرا شد و سپس با روشن شدن هوا، نیروهای پیاده دشمن وارد عملیات شدند. پاتک دشمن با دادن ۱۰ نفر شهید و ۲۶ نفر مجروح دفع شد و دشمن با بیش از ۱۵۰ نفر کشته و مجروح، بدون کسب موفقیت به ارتفاعات شمشعی عقب نشینی کرد.

نتیجه: در این عملیات سرزمینی به وسعت ۳۴ کیلومتر مربع آزاد شد ضمناً پل دوآب آزاد گردید. با آزاد شدن پل دوآب مانع بزرگ چون رودخانه سروان پشت سر گذاشته شد.

تلفات انسانی خودی: ۱۸ نفر شهید و ۲۶ نفر مجروح و ۳۶ نفر اسیر.

دشمن: ۱۵۰ نفر کشته و مجروح.

نام عملیات: شهید فرجیان.

تاریخ عملیات: ۵۹/۱۱/۲۶

منطقه عمومی: مهران.

مدت درگیری: دو روز.

نوع عملیات: تک هماهنگ

هدف: آزاد سازی ارتفاعات ذیل و تنگه کنجانچم.

رمز: الله اکبر - خمینی رهبر.

فرماندهی: سپاه ایلام.

سازمان رزم: یک گروهان از نیروهای چریکی سپاه تهران و ۲ گروهان از نیروهای سپاه ایلام، باختران و شیراز و بسیج خرم آباد و مشهد جمعاً به استعداد ۲۰۰ نفر. **طرح مانور:** عملیات در دو محور به طور جبهه‌ای و احاطه‌ای اجرا می‌شد.

- در محور اول پاسداران از نخلستان به موازات تنگه کنجانچم تک جبهه‌ای می‌کردند.

- در محور دوم پاسداران از شرق کوه گچ و ارتفاعات ذیل تک احاطه یکطرفه می‌کردند.

پشتیبانی رزم: توپخانه و ادوات ارتش و ادوات سپاه.

دشمن: یک گردان پیاده در خط و دو گردان احتیاط از تیپ چهار لشکر دو پیاده.

شرح عملیات:

گروهان تک کننده از ۱۲ تیم ۶ نفری چریک تشکیل شده بود که عمدتاً از سپاه تهران بودند. این اولین عملیات منظم آنها بود. یک گروهان به عنوان دنبال پشتیبان و یک گروهان دیگر نیز خدمات پشتیبانی رزم را عهده‌دار بود. عملیات با اتکا به هوانیروز و عمدتاً توسط دواب انجام می‌شد.

هر بار انتقال امکانات به دواب چهار ساعت زمان می‌برد، ۴۸ ساعت قبل از شروع عملیات امکانات لازم منتقل شد، و در روز ۵۹/۱۱/۲۶ در ساعت ۶،۱۰ عملیات با رمز الله اکبر خمینی رهبر آغاز شد.

نیروهایی که تک جبهه‌ای می‌کردند پس از پاکسازی میدان مین و ۴ ساعت راه پیمایی، تک خود را آغاز کردند و با تقدیم ۲ شهید و ۳ مجروح ضمن به هلاکت رساندن ۵۰ نفر از افراد ارتش عراق، برای ساعتی مواضع دشمن را اشغال کردند و پس از شروع پاتک دشمن، عقب نشینی کردند.

اما در محور ذیل، نیروهای خودی از ۲۰ روز قبل از عملیات به طور پنهانی موضعی را در چند کیلومتری دشمن، در شرق ارتفاعات ذیل اشغال کرده بودند، ۴۸ ساعت قبل از شروع عملیات امکانات خود را از جاده‌ای که در همان منطقه احداث شده بود، تا پشت خط تماس منتقل کردند. فاصله خط خودی با دشمن اگر چه از ۴ کیلومتر تجاوز نمی‌کرد و به جهت صعب العبور بودن آن تا ۴ ساعت زمان می‌برد. نیروهایی که از این محور عمل می‌کرد در نزدیکی خط دشمن به دو محور فرعی تقسیم می‌شدند. یک محور به پشت خط اول هجوم می‌کردند و محور دیگر پشت خط دوم را مورد تهاجم قرار می‌داد. نیروهای محور اول در هنگام نفوذ به پشت دشمن روی مین رفته و فرمانده آنها به نام مصطفی امانی و ۲ فرمانده تیم به شهادت رسیدند. اما محور دوم با موفقیت انجام شد. تا ساعت ۹ صبح با سقوط خط دوم و اول دشمن در روی ارتفاعات ذیل، ۳۰ نفر کشته و ۱۰ نفر مجروح شدند. اما دشمن با اتکا به خط سوم و نیروهای باقی مانده در خط اول و دوم و نیز با استفاده از نیروهای احتیاط آغاز به پاتک کرد.

۱۰ صبح پاتک دشمن آغاز شد. دشمن با هلی‌برد می‌کوشید نیروهای خود را در یال شمالی ارتفاعات ذیل تقویت کند، هلی‌کوپترهای توپدار نیز از پشت سر،

نیروهای خودی را هدف گرفته بود اما این اقدام بجایی نرسید و مقاومت خودی که از ساعت ۱۶ با آتش منحنی موثر پشتیبانی می شد تلفات قابل توجهی از دشمن گرفت. تلفات دشمن از آن پاتک به ۱۵۰ نفر بالغ می شد. این درگیری تا گذشت ساعاتی از شب ادامه داشت. در ساعت ۱۹ منطقه آرام گرفت اما صبح روز ۱۱/۲۷ دوباره اقدامات دشمن شدت یافت. در نیروهای خودی نیز بدون آنکه تقویت و یا جابجایی صورت گرفته باشد به پاتک آنها پاسخ می دادند. این وضعیت تا عصر روز دوم ادامه داشت. نیروهای خودی که ۴۸ ساعت مقاومت کرده بودند به منطقه قبل عملیات عقب نشینی کردند.

نتیجه: در این عملیات ۲ گردان پیاده دشمن ۹۰٪ آسیب دید.

تلفات انسانی دشمن:

کشته: ۲۵۰ نفر

مجروح:

انهدام تجهیزات: جند دستگاه خودرو و ۲ قبضه توپ ۲۳ میلی متری.

ضایعات انسانی خودی:

شهید: ۳۰ نفر.

مجروح: ۳۲ نفر.

نام عملیات: شهید محمد پیشه

تاریخ عملیات: ۵۹/۱۲/۱۵

منطقه عمومی: سرپل ذهاب.

نوع عملیات: تک هماهنگ.

مدت درگیری: یک روز.

هدف: آزاد سازی روستاهای سید صادق، کلینه و ارتفاع ۵۷۷.

فرماندهی: سپاه.

سازمان رزم: یک یگان از سپاه و یک دسته (-) تانک از ارتش.

طرح مانور:

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش و ادوات سپاه.

دشمن: یک گردان پیاده از تیپ ۵ لشکر ۴ به همراه یگان تانک.

سابقه: در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۵۹ تیپ ۳ لشکر ۸۱ طی سه روز عملیات در منطقه سید صادق و کلینه تک کرد و ۲۱ نفر از دشمن را به اسارت گرفت.

شرح:

پس از سه روز شناسایی توسط نیروهای سپاه در ساعت ۳ بامداد ۵۹/۱۲/۱۵ نیروهای خودی بطرف اهداف حرکت کردند. در ساعت ۶ صبح عملیات شروع شد در حین عبور از معبر حاج محمد پیشه و یک نفر از نیروهای شناسایی به شهادت رسید ولی برادران با استفاده از معبر باز شده و معبر دیگری که قبلاً باز شده بود، به مواضع دشمن حمله ور شدند. گردان پیاده دشمن که توسط چند دستگاه تانک نیز حمایت می شد و تلفات سنگینی دید، بیش از چند ساعت مقاومت نکرد و ساعت ۱۰ صبح روستاهای سید صادق، کلینه و ارتفاع ۵۷۷ بطور کامل بدست نیروهای خودی افتاد و برادران پس از تامین اهداف در مواضع جدید مستقر شده و از آن پدافند کردند.

نتایج:

تلفات دشمن:

کشته و مجروح: ۱۵۰ نفر.

اسیر: ۶۴ نفر.

انهدام تجهیزات: ۲ دستگاه تانک و ۱ قبضه توپ ضد هوایی ۵۷ م.م.

خودی:

شهید: ۲۰ نفر.

مجروح: ۳۶ نفر.

در این عملیات منطقه‌ای به وسعت ۹ کیلومتر مربع آزاد شد.

نام عملیات: شهید عباس ملکی.

تاریخ عملیات: ۵۹/۱۲/۲۵

منطقه عمومی: گیلانغرب.

نوع عملیات: تک هماهنگ.

مدت درگیری: ۳ روز.

هدف: آزاد سازی ارتفاعات چقالوند.

فرماندهی: سپاه (شهید عباس ملکی).

سازمان رزم: یک گردان از سپاه، یک گردان (-) ژاندارمری و یگانی از لشکر ۷۷ ارتش.

طرح مانور:

- تک اصلی از شرق به غرب از جنوب روستای آورزین به سمت ارتفاع چغالوند، به وسیله سپاه و ژاندارمری انجام می‌شد.

- ظاهر به تک توسط یگان لشکر ۷۷ صورت می‌پذیرفت.

پشتیبانی رزم: توپخانه ارتش و ادوات سپاه.

دشمن: گردان ۴ تانک و یگانی از تیپ ۱۸ از لشکر ۴.

نکته: ارتفاع چغالوند با ۱۱۱۸ متر بلندترین قله رشته ارتفاع چرمیان را در غرب گیلانغرب تشکیل می‌دهد.

شرح:

در ساعت ۵،۳۰ صبح نیروهای مستقر در منطقه به طرف ارتفاعات چغالوند حمله ور شدند شناسایی خوب برادران سپاه از مواضع دشمن باعث گردید در همان ساعات اولیه عملیات، مواضع دشمن تصرف شود و تا ساعت ۹ صبح اهداف عملیات تامین گردد. پس از تامین منطقه، تلاش جهت تثبیت مواضع متمرکز گردید و علیرغم به شهادت رسیدن فرمانده عملیات (برادر پاسدار عباس ملکی) بدون کمترین نگرانی منطقه تثبیت شد.

پس از گذشت دو روز از تثبیت عملیات، در بامداد ۵۹/۱۲/۲۷ دشمن سعی کرد با استفاده از آتش انبوه و حمایت زرهی مواضع از دست داده خود را باز پس بگیرد. ولی با بجا گذاشتن تعدادی کشته و مجروح موفقیتی بدست نیاورد.

پاتک بعدی دشمن در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۸ با شدت بیشتری آغاز شد و این بار نیز بدون کسب موفقیت در حالی که شش نفر اسیر و ۱۵۰ کشته و مجروح داده بود و اجساد تعدادی از آنها در منطقه باقی مانده بودند تن به عقب نشینی داد.

نتایج:

در این عملیات منطقه‌ای به وسعت کیلومتر مربع آزاد شد.

تلفات دشمن:

کشته و مجروح: بیش از ۳۵۰ نفر.

اسیر: ۸۰ نفر.

انهدام تجهیزات: ۴ دستگاه تانک، ۲ دستگاه خودرو و ۱ قبضه توپ.

نام عملیات: بازی دراز

تاریخ عملیات: ۱ الی ۶۰/۲/۹

نوع: تک هماهنگ.

منطقه: جبهه میانی، سرپل ذهاب و ارتفاع بازی دراز.

فرماندهی: مشترک (سپاه و ارتش)

سازمان: مشترک (سپاه و ارتش)

استعداد دشمن: ۵ تیپ پیاده + ۱ تیپ مکانیزه + ۱ تیپ نیروی مخصوص.

همکاری نزدیک سپاه و ارتش در منطقه غرب کشور که دور از هیاهو و کارشکنی بنی صدر میسر شده بود، اقدامات ناموفقی را در پی داشت که از آن جمله، عملیات بازی دراز بود. در طرح این عملیات چنین پیش بینی شده بود که ارتفاعات بازی دراز که بر کل منطقه تسلط داشت از اشغال قوای دشمن آزاد شود.

بر اساس طرح، دو محور اصلی در نظر گرفته شده بود که یکی از دو جناح شمالی با هدف قله ۱۱۰۰ و دیگری در جناح جنوبی با هدف قله‌های ۸۵۰ و ۱۰۵۰ بود.

همچنین، یک حرکت تظاهر به تک می‌بایست از سمت افشار آباد انجام شود.

در آخرین ساعات مورخ ۶۰/۲/۱، عملیات آغاز شد. در محور شمالی، نیروهای خودی توانستند قله ۱۱۰ صخره‌ای را به تصرف در آورند. ولی دشمن آنها را به عقب راند. در محور جنوبی، پس از ۲ ساعت، هر سه قله ۱۰۵۰، ۸۵۰ و ۱۱۰۰ گچی، آزاد گردید. سپس قله ۱۱۰۰ صخره‌ای نیز به تصرف درآمد. و جاده عقبه دشمن نیز مسدود شد.

در شب سوم، نیروهای سپاه قله ۱۰۲۰ و ۱۱۵۰ را فتح کردند. از روز سوم، دشمن با تمرکز آتش و اجرای آتش مستقیم تانک روی قله ۱۱۵۰ می‌کوشید قله مزبور و قله ۱۰۲۰ را باز پس گیرد. این در حالی بود که نیروهای خودی بدون اتکا به جاده عقبه، در سخت ترین شرایط و با مهمات و جیره اندک، در روی ارتفاعات صعب العبور مواضع خود را حفظ می‌کردند. لذا دشمن نتوانست به غیر از دامنه شرقی قله ۱۰۲۰ و مناطقی را تصرف کند.

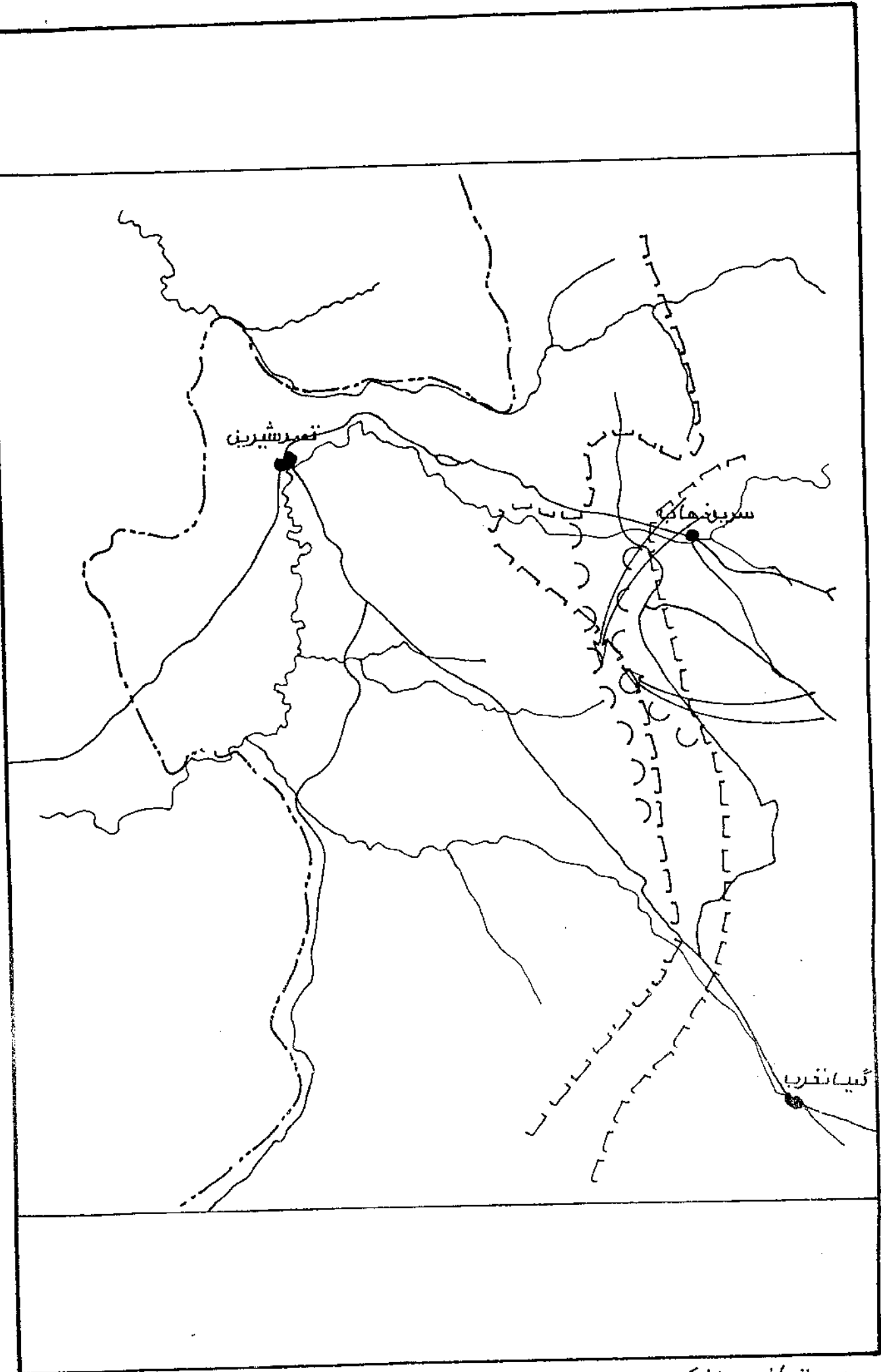
در روز پنجم در گیری سختی بین طرفین در غرب دار بلوط رخ داد. دشمن با دو گردان زرهی پاتک می‌کرد و متقابلاً نیروهای سپاه با حمایت هوانیروز ارتش مقاومت می‌کردند. در پایان این روز دار بلوط سقوط کرد و نیروی خودی به سمت خاتونه عقب نشینی کرد.

در روز ششم حمله دوتیپ زرهی عراق به استعداد ۲۰۰ تانک از دو محور قراویز و دار بلوط بی نتیجه ماند، در روز هفتم دشمن ضمن چهار بار بمباران شهر سرپل ذهاب و اطراف پادگان ابودر حرکت روز گذشته خود را ادامه داد ولی نتیجه‌ای نگرفت. لذا دشمن که با انهدام تعداد زیادی از تانکهایش روبرو شده بود، به عقب نشینی و از آن پس محور شمالی عملیات آرام گرفت با آرام شدن محور شمالی، دشمن آتش خود را روی محور جنوبی متمرکز کرد، از دار بلوط با شلیک مستقیم تانک، ارتفاع ۱۱۵۰ را زیر آتش گرفت. قله ۱۱۰۰ صخره‌ای را نیز با توپخانه گلوله‌باران کرد در چنین وضعیتی رزمندگان که از چند جهت مورد هدف واقع شده و فاقد امکانات دفاعی نیز بودند، یک گام عقب نشستند و ضمن تخلیه قله ۱۱۵۰ و ۱۱۰۰ صخره‌ای به تحکیم مواضع خود در قله‌های ۱۱۰۰ گچی و ۱۰۵۰ پرداختند.

نتیجه: اسارت ۷۰۰ نفر در این عملیات، بعد از عملیات هویزه، بیشترین اسیری بود که در یک عملیات به دست می‌آمد.

نکته:

- ۱- خلبان هوانیروز علی اکبر شیروودی که نقش بسیار مهمی در دفع پاتکهای دشمن داشت، در صبح روز هفتم، هلی کوپترش سرنگون شد و به شهادت رسید.
- ۲- نقش اصلی را محور جنوب گردان ۹ سپاه تهران به عهده داشت که شهید محسن وزوایی دانشجوی پیرو خط امام فرمانده آن بود.
- ۳- دست شهید علی موحد در این عملیات قطع شد.



علیا ت بازار درازیک

نام عملیات: ابوذر

تاریخ: ۶۰/۱/۴

منطقه عملیات: پاوه - نوسود

سازمان عمل کننده: سپاه.

استعداد خودی: ۱ گردان.

شرح:

ساعت ۱۲ شب ۶۰/۱/۴ سه گروهان از نیروهای تحت امر سپاه پاوه از سه محور بطرف ارتفاعات کماجر، دکل نودشه، کلهون هوا حرکت کردند. بارش شدید باران و سرمای طاقت فرسای هوا موجب شد تا ضد انقلاب با خاطری آسوده مواضع خود را ترک کند. در حالیکه عناصر اطلاعاتی ضد انقلاب خبر حمله نیروهای خودی را به آنها اطلاع داده بودند و یک گروهان ارتش نیز در ساعت ۲ نیمه شب اعلام کرد قادر به انجام عملیات نیست. شهید همت با تلاش فراوان ضمن جمع آوری نیرو خلع ناشی از عدم همکاری گروهان فوق را جبران نمود و بدین ترتیب نیروهای خودی با تقدیم یک شهید (محمد رشید امینی) پس از یک کوه پیمایی سخت در ساعت ۶ صبح بدون درگیری ارتفاع دکل نودشه را تصرف کردند در حالیکه هیچ گونه سنگر و موضعی برای استقرار نداشتند. با تلاشهای شهید ناصر کاظمی که فرماندهی عملیات را به عهده داشت با مساعد شدن هوا یک فروند هلی کوپتر خودی اقدام به بارریزی نمود اما ساعتی بعد مجدداً هوا ابری، و باران نیز شروع به بارش کرد.

با استقرار نیروهای خودی روی دکل نودشه نیروهای خودی اقدام به برقراری تماس با بعضی از مردم نودشه کردند. بالاخره تبلیغات یک ماهه نیروهای خودی موجب خنثی شدن تبلیغات مسموم ضد انقلاب شد. لذا در تاریخ ۶۰/۲/۷ مردم به استقبال نیروهای ج.ا.ا آمده و ناچار ضد انقلاب شهر را تخلیه و به ارتفاعات پناه برد. با تسلط بر ارتفاعات مشرف بر نودشه زمینه مناسبی برای آزاد سازی ارتفاعات مرزی منطقه بوجود آمد.

در همین رابطه هواپیماهای عراقی در تاریخ ۶۰/۲/۲۸ نودشه را بشدت بمباران کردند که در نتیجه این بمباران ۲۰ نفر از اهالی شهر شهید و ۶۰ نفر نیز مجروح شدند.

نام عملیات: نودشه (ابوذر).

تاریخ: ۶۰/۲/۷

منطقه عمومی: پاوه، نوسود.

نوع عملیات: پاکسازی.

آفند: فعال.

هدف: ارتفاعات شمشی تامین روستای نودشه و دکل آن.

فرماندهی: سپاه پاوه برادر (سرلشکر شهید) محمد ابراهیم همت و شهید ناصر کاظمی.

استعداد خودی: ؟

شرح:

مرحله اول: بعد از تثبیت خودی در منطقه عمومی نیروی، سپاه پاوه کوشید ارتفاعات شمشی را با اعزام یک گروه آزاد سازد، اما موفق نشد، پس از مدتی مجدداً برای آزادی شمشی به همراه دکل نودشه اقدام شد، عملیات در شبی سرد و بارانی انجام شد، دکل نودشه، کوه هروی و کوه گرد پاکسازی شد.

یک ماه پس از تصرف دکل نودشه روستای نودشه در شمال داونه دکل نیز آزاد گردید ولی قله و یالهای شمالی، جنوبی و غربی شمشی در اشغال دشمن باقی ماند. در این عملیات نیروی خودی ۱ نفر شهید داد.

نتیجه: بیش از ۵۰٪ اهداف تامین گردید. منطقه‌ای به وسعت ۲۷ کیلومتر مربع آزاد شد.

نکته ۱: تنها شهید این عملیات عضو پیشین حزب دمکرات کردستان بود که از همکاری با آن گروه نادم بوده به دامن انقلاب اسلامی پیوسته بود.

نکته ۲: بعد از تصرف دکل نودشه تصرف روستای نودشه از طریق نظامی به سادگی میسر بود، لیکن نیروهای سپاه پس از یک ماه مرادده با مردم روستا، با همکاری مردم و بدون تلفات، روستا آزاد شد و ضد انقلاب که در روستا فعالیت داشت عقب نشینی کرد و به ارتفاعات اورامان پناه برد. لازم بذکر است ارتفاعات اورامان در عملیات بعدی سپاه آزاد گردید.

نام عملیات: کاوه زهرا.

تاریخ عملیات: ۶۰/۳/۸

منطقه عمومی: نوسود.

نوع عملیات: پاکسازی و آزاد سازی.

آفند: فعال.

مراحل عملیات: ۲ مرحله.

هدف: پاکسازی ضد انقلاب، بیرون راندن ارتش عراق از کشور اسلامی، آزادی ارتفاعات مرسوک و کاوه زهرا و تکمیل الحاق دوسپاه پاوه و مریوان در جنوب غربی کوه تخت.

فرماندهی: سپاه پاوه - برادر (سرلشکر شهید) محمد ابراهیم همت.

استعداد خودی: ۱ گروهان از سپاه مریوان (۳۰ نفر) و ۱ گروهان از سپاه پاوه (۳۰ نفر).

پشتیبانی آتش: ؟

شرح:

عملیات کاوه زهرا از دومحور انجام شد. محور شمالی را فرمانده سپاه پاوه برادر احمد متوسلیان عهده‌دار بود و فرماندهی محور جنوبی را نیز برادر محمد ابراهیم همت به عهده داشت. در مرحله اول عملیات سپاه پاوه که می‌باست از زیر پای دشمن، یعنی از پایین ارتفاع شمشعی عبور کرده و ارتفاع (دالانی) الدانان را تصرف می‌کرد. بخاطر نداشتن جاده مناسب پس از شروع درگیری قادر به تثبیت هدف خود نشد لذا با به اسارت گرفتن ۷ نفر از دشمن به مواضع قبلی خود بازگشت. ولی سپاه مریوان موفق به تصرف روستا و ارتفاع کاوه زهرا شد. در این مرحله نیروهای سپاه مریوان با تقدیم ۲ شهید و ۱ مجروح ۲۳ نفر از تکاوران دشمن را به اسارت گرفته و ۲۲ نفر دیگرشان را نیز به هلاکت رساندند.

سه روز پس از تثبیت کاوه زهرا برادر احمد متوسلیان بار دیگر نیروهای خود را سازماندهی کرده و ارتفاع الدانان را از دست نیروهای دشمن در آورد و در نتیجه با پیشروی سپاه پاوه الحاق دو سپاه مریوان و پاوه صورت گرفت. در مرحله دوم فرمانده عملیات با استفاده از ۸۰ نفر نیروی داوطلب ارتش و نیروهای سپاه مریوان شب بعد مجدداً بترتیب به مرسوک کاوه زهرا حمله کرده و موفق می‌شوند صبح روز دوم، ۲۴ ساعت بعد از عملیات مرحله اول به اهداف دسترسی پیدا کنند. در این عملیات خلبانان هوانیروز همکاری شجاعانه در رساندن تدارکات داشتند و همچنین نقش شجاعانه در رساندن تدارکات داشتند و سربازان داوطلب ارتش و

ستوان حیدری که فرمانده آنان بود در تصرف مرسوک قابل تحسین و تعیین کننده بود.

نتایج: ۲۶ نفر از قوای دشمن به اسارت درآمدند و ۵۰ نفر از نیروهای دشمن نیز کشته شدند و منطقه‌ای به وسعت ۱۷ کیلومتر مربع آزاد گردید.

خودی: ۲۰ نفر شهید و تعدادی زخمی شدند.

نام عملیات: روح الله خمینی کبیر

تاریخ عملیات: ۶۰/۴/۱۱

نوع درگیری: پاوه - نوسود.

مدت درگیری: ۲ روز.

مراحل عملیات: ۲ مرحله.

هدف: آزاد سازی ارتفاعات شرقی نوسود (شوشمی).

فرماندهی: سپاه پاوه - برادر (سرلشکر شهید) محمد ابراهیم همت.

استعداد: در کل ۴ گروهان که ۳ گروهان از سپاه و یک گروهان مختلط (۶۰ نفر داوطلب از ارتش به همراه ۳۰ نفر از برادران سپاه) گروهان چهارم را تشکیل می‌داد.

سابقه: پس از حضور نیروهای خودی در دامنه شرقی در عملیات نودشه استعداد دشمن در روی شمشلی به یک گردان رسید.

نکته: این عملیات ۴ روز پس از حادثه ۶۰/۴/۷ و شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ تن از مسئولین کشور انجام می‌گرفت.

پشتیبانی رزم: توپخانه و هوانیروز ارتش.

شرح:

پس از حدود یک ماه شناسایی از مواضع دشمن در شرق و شمال نوسود، عملیات روح الله خمینی کبیر آماده انجام شد در ساعت ۹ شب ۶۰/۴/۱۰ یک گردان ۳۶۰ نفره از سپاه در قالب ۴ گروهان ۹۰ نفره از چهار محور بطرف اهداف خود حرکت کردند. بر اساس طرح قبلی نیروها سپاه در ساعت ۴،۳۰ به پای اهداف رسیده و با روشنایی صبح عملیات خود را شروع کردند. با گذشت چند ساعت از عملیات نیروهای خودی به اهداف مورد نظر رسیده و ارتفاعات شمشلی، دکل نوسود و تپه تانک آزاد شد.

اولین پاتک دشمن بعد از ۲۴ ساعت پس از استقرار رزمندگان سپاه در مواضع جدید با آتش تهیه سنگین شروع شد. دشمن علیرغم بکارگیری نیروهای کماندویی و آتش سنگین، بدون دستیابی به مواضع از دست داده تن به عقب نشینی داد. در تعقیب دشمن مواضع دیگری نیز بدست رزمندگان اسلام افتاد. با تسلط نیروهای خودی بر ارتفاعات شمشلی و دکل نوسود، دشمن شهر نوسود را تخلیه کرد و روی ارتفاعات غربی آن مستقر شد.

نتایج عملیات:

مناطق آزاد شده: شهر نوسود و ارتفاعات شمشلی و دکل نوسود به وسعت ۱۲ کیلومتر مربع.

تلفات دشمن:

کشته و زخمی: ۷۰۰ نفر.

اسیر: ۱۲۰ نفر.

غنایم: ۱۰ فروند موشک سه‌پا، ۱ فروند موشک میلان، ۳ قبضه خمپاره انداز ۸۲، ۲ دستگاه خودرو ۱۰۶، ۵ قبضه دوشگا، ۲۷۰ قبضه اسلحه سبک، انواع مهمات و چندین تن مین.

نام عملیات: رجائی و باهنر

تاریخ: ۶/۱۱ - ۶/۱۶/۶۰

منطقه: جبهه میانی - غرب سرپل ذهاب - بازی دراز و قراویز

فرماندهی: مشترک (سپاه و ارتش)

سازمان: مشترک (سپاه و ارتش)

استعداد خودی: ۳ گردان پیاده از سپاه + گردان پیاده و ۲ گردان زرهی از ارتش

استعداد دشمن: ۲ تیپ پیاده + ۱ تیپ مکانیزه

عملیات بازی دراز یک اگر چه با مشارکت ارتش و سپاه به اجرا در آمد، لیکن طراح آن سپاه بود، اما در عملیات بازی دراز ۲ که به جهت نزدیکی آن به حادثه ۶۰/۶/۱۸ (انفجار نخست وزیری) شهید رجائی - باهنر نام گرفت، ارتش و سپاه مشترک در طرح و اجرا نقش داشتند. این عملیات از وسعت بیشتری نسبت به عملیات بازی دراز یک برخوردار بود آزاد سازی مناطق کوره موش و قراویز نیز جزء طرح قرار گرفت.

با آغاز عملیات، نیروی خودی به دو ارتفاع هجوم برده و موفق شد یکی از آنها را به تصرف در آورد. اما پس از ساعتی شدت آتش دشمن وضعیت را عوض کرد و نیروی خودی مجبور به عقب نشینی شد. در محور قراویز، تک خودی با موفقیت انجام شد و در نتیجه تپه بنه رستک و روستای قراویز و قلعه‌های ۸۰۱ و ۸۱۶ به تصرف در آمد و نیز جاده تدارکاتی دشمن مسدود گردید و سپس با اتکا به جاده آسفالت سرپل - قصر شیرین تا روستا برانند و مجدداً قراویز را اشغال کنند در محور بازی دراز پس گیرد. اما باز پس‌گیری قله ۱۱۵۰ تا ۷ روز به طول انجامید و طی آن مدت نزدیک به ۳۰ پاتک کرد و هر بار شکست خورد تا آنکه نیروهای خودی که فاقد عقبه بودند تصمیم به تخلیه قله ۱۱۵۰ گرفتند و بدین ترتیب کلیه مناطق آزاد شده در عملیات رجایی باهنر توسط نیروهای خودی تخلیه شد.

موفقیت‌های گذشته در منطقه بازی دراز، فرماندهان را به انجام عملیات دیگری در این منطقه ترغیب می‌کرد. بر همین اساس منطقه وسیعی از سومار با سرپل ذهاب برای عملیات انتخاب شد، لیکن محدودیتها مختلف از جمله در خصوص امکانات، به کاستن از وسعت منطقه انتخاب و اکتفا به محدوده ارتفاعات کوره موش، قراویز و بازی دراز منجر گردید و نهایتاً عملیات مورد نظر سه روز پس از شهادت رئیس جمهور (رجایی) و نخست وزیر (باهنر) و با نام این دو شهید و با هدف آزاد سازی ارتفاعات فوق الذکر آغاز گردید.

با آغاز عملیات، نیروها از سه محور وارد عمل شدند. در محور کوره‌موش، که درگیری نیروهای پیاده با تبادل آتش توپخانه همراه بود قوای خودی به دو تپه هجوم برده و موفق شدند فقط یکی از آنها را به تصرف در آورند. در ادامه، آتش دشمن شدت یافته و وضعیت را به نفع او دگرگون کرد و در نتیجه نیروهای خودی پس از ساعاتی مقاومت ناگزیر به عقب نشینی شدند.

در محور قراویز، تک خودی از سمت شمال این محور با موفقیت انجام شد و در نتیجه تپه بنه

دستک و روستای قراویز به تصرف در آمدند. در قراویز و جنوب آن نیز علاوه بر فتح قلعه‌های ۸۰۱ و ۸۱۶، جاده تدارکاتی دشمن مسدود گردید و سپس با اتکا به جاده آسفالت سرپل - قصر شیرین تا روستای شیری آب پیشروی شد. این پیشروی بعلت عدم فعالیت قوای زرهی در منطقه شرکت زراعی را هدف قرار

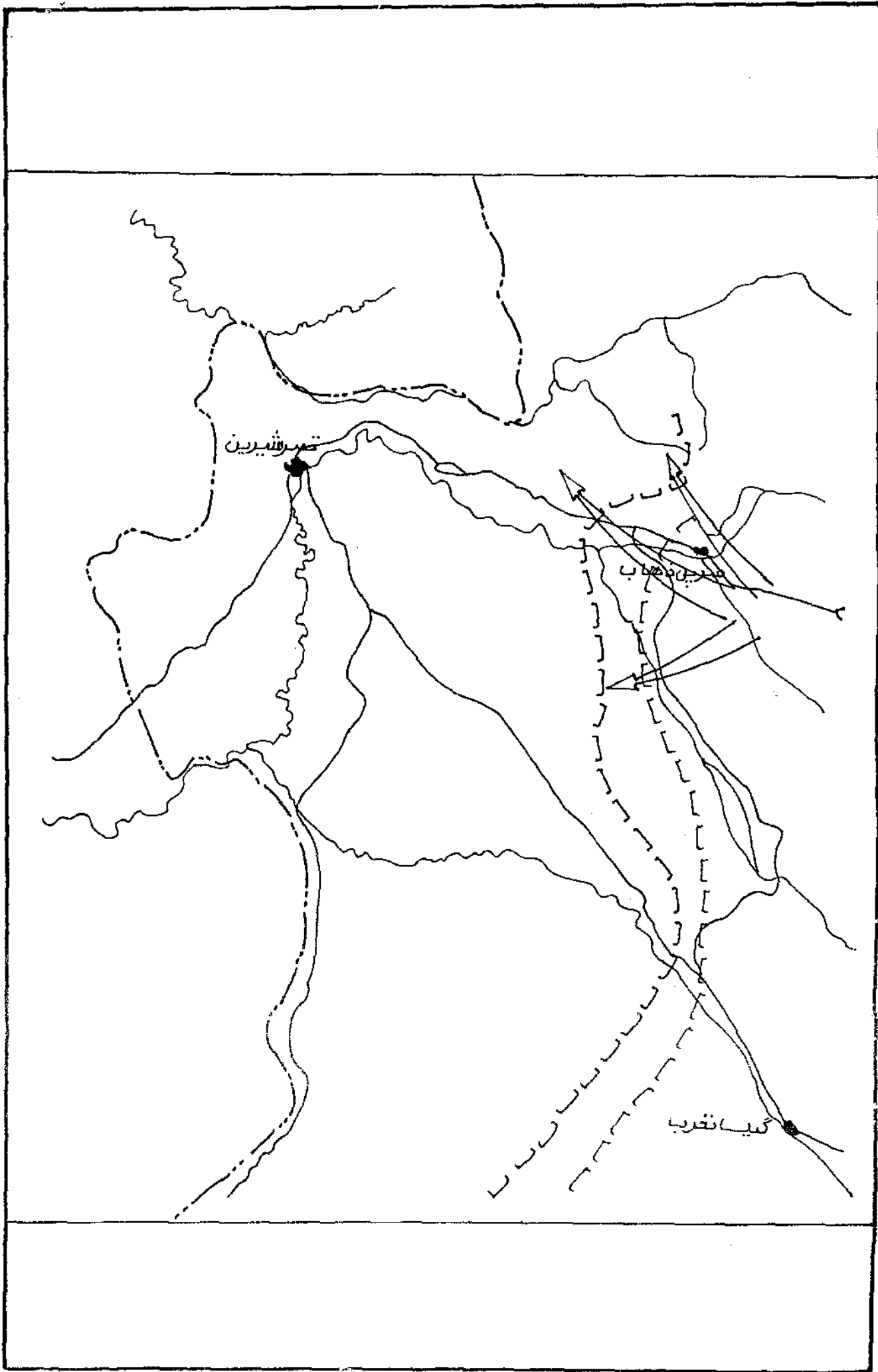
دهند، تانکهای دشمن با کمک آتش توپخانه توانستند نیروهای خودی را به عقب برانند.

در محور بازی دراز، نیروهای خودی از یک سمت به قله ۱۱۰۰ صخره‌ای هجوم برده و تعدادی از سنگرهای دشمن را تسخیر کردند، لیکن با فشار وارده ناگزیر به عقب نشینی شدند. از سمت دیگر نیز رزمندگان به قله ۱۱۵۰ تک کرده و در یک درگیری سنگین که تا ظهر به طول انجامید، این قله را آزاد کرده و تعدادی از نیروهای عراقی را به اسارت در آوردند.

در ادامه دشمن برای بازپس‌گیری قله ۱۱۵۰ بطور مستمر (هرروز ۴ الی ۵ بار) پاتک می‌کرد، ولی هر بار با شکست مواجه می‌شد تا اینکه در پاتک سنگین شب هفتم عملیات، مقاومت خودی شکسته و نیروها به عقب رانده شدند.

نکته: دشمن در این عملیات هوشیار بوده و حتی نسبت به شروع حمله آگاهی داشته است.

یکی از عناصر حزب توده به نام سرهنگ عطاریان که در سال ۱۳۶۲ دستگیر شد، فرمانده ارتش در جبهه غرب را به عهده داشت وی پس از دستگیری اعتراف کرد که اطلاعات مربوط به عملیات رجایی و باهنر را در اختیار عراق گذاشته بود.



عملیات رجائی و باهنر